

ابو عبد الله محمد زنجانی

تاریخ قرآن

ترجمه

ابوالقاسم سحاب

بالمقدمه شرح حال مؤلف و مترجم کتاب
بقلم دانشمند سیر اسلامی

داعی چرمبالی

تبریز

کتابفروشی سرشوش

کتابخانه
سورای
اسلامی

تاریخ قرآن

و مختصری از شرح حال حضرت محمد
پیغمبر اسلام

تالیف

علامه فقیه ابو عبد الله مجتهد زنجانی



ترجمه فقیه سعید

ابوالقاسم حجاب

بامقدمه و شرح حال مؤلف و مترجم کتاب بقلم دانشمند شهر اسلامی آقای

واعظ چرندابنی ۵۹۴۳۹

تبریز

کتابفروشی سرش

حق چاپ محفوظ

۱۳۸۲ ق - ۱۳۴۱ ش

چاپ محمدی علمیه

۴۵

۴۴

۴۳

۴۲

۴۱

۴۰

۳۹

۳۸

۳۷

۳۶

۳۵

۳۴

۳۳

۳۲

۳۱

۳۰

۲۹

۲۸

۲۷

۲۶

۲۵

تاریخ قرآن

و مختصری از شرح حال حضرت محمد
پیغمبر اسلام

تألیف

علامه فقید ابو عبد الله مجتهد زنجانی



ترجمه فقید سعید

ابوالقاسم حجاب

بامقدمه و شرح حال مؤلف و مترجم کتاب بقلم دانشمند شهیر اسلامی آقای

واعظ چرندابی ۵۹۴۳۹

تبریز

کتابفروشی سروش

حق چاپ محفوظ

۱۳۸۲ ق - ۱۳۴۱ ش

چاپ محمدی علمیه

از گروا موتا کم بالخیر

نام نیکی گر بماند ز آدمی به کزو ماند سرای زرنگار



مرحوم حاج حسین آقا سروش طاب ثراه

بپاس خدمات مرحوم آقای حاج حسین سروش بعالم علم و دانش
و بمنظور سپاسگزاری از فقید سعید که حق رهبری در گردن
اینجانبان دارد، عکس ایشان را در صدر همین کتاب نفیس
جا داده و بدینوسیله از آن مرحوم یادآوری میگردد

ابراهیم جسیم - علی اصغر فقیهی



علامه فقید ابو عبدالله زنجانی

بسمه تعالی

سر آغاز

دوست ارجمندم آقای ابراهیم آقا (جسیم) مدیر محترم کتابفروشی (سروش) اخیراً تصمیم جدی گرفتند که ترجمه فارسی (تاریخ القرآن ۲ ط مصر) نگارش پرارزش علامه فقید نامدار آقای حاج میرزا ابو عبدالله زنجانی طاب ثراه را بار دوم بطرز نفیض و با اسلوب مطلوب طبع و انتشار دهند، و از نگارنده ناچیز درخواست نمودند که شرح حال و آثار هر دو مؤلف و مترجم کتاب را بطور اختصار برشته نگارش کشم تا بعنوان مقدمه در صدر کتاب درجش نمایند، و من هم با وجود کسالت ممتد و ضعف بصر محض خدمت بدین و دانش انگشت قبول بر دیده نهاده و پیشنهاد ایشان را از ته دل پذیرفتم، و در تنظیم و ترتیب آن قدمهای سریع برداشتم، ولیکن - مع الاسف - بعلمت ناتوانی جسم و نارسائی چشم نتوانستم مطالبی در موارد لازمه بعنوان تعلیق بر کتاب بیفزایم^۱ اینک ترجمه

۱ - نزدیک به بیست سالست که برض روانفرسای (دیابت - ناخوشی قند) دچار هستم؛ و قریب دو سال قبل نیز بمللی، چند مرض دیگر دامنگیرم شد: (اوره خون - فشار خون - آلبومین) امراض چهارگانه روز بروز شدت می یافت و حیاتم را کاملاً تهدید میکرد و چیزی نمانده بود که جان بجان آفرین بسپارم و دیده از دیدن جهان فرو بندم، تا یکی از دوستان بی آلاش و شفیع که هیکل صداقت و مجسمه عاطفت بوده و در ذمه من حقوق فراوان دارند،*

هر دو شخصیت را بنحو ایجاز ذیلاً بعرض خوانندگان گرامی میرسانم و از ساحت بلند ایزدی همواره توفیق خدمت می طلبم.

انه سمیع مجیب

۱۵ شعبان المعظم ۱۳۸۲ تبریز - ایران

حاج عباسقلی ص. وجدی

(واعظ چرندابی)

شرح حال و آثار علامه زنجانی

شادروان علامه ابو عبدالله زنجانی طیب الله ثراه در ماه ربیع الاول از سال ۱۳۰۹ هجری قمری در شهر (زنجان) بدنیا آمد و پس از آموختن خواندن و نوشتن بتعلم علوم تازی و مبادی فقه اسلامی پرداخت، فلسفه

* جناب آقای دکتر گنجویان استاد محترم دانشگاه تبریز دام لطفه و عطفه هدایت کردند، تا بحمد الله در اثر عنایت خداوندی و معالجه حکیمانه ممتد ایشان خطرات امراض تا اندازه ای مرتفع گردید، و شکر خدا را که اوضاع مزاجم اکنون خوب و روز بروز رو به بهبودیت ولیکن هنوز هم تحت معالجه و پرهیز بسر میبرم تا خدا چه خواهد.

ناگفته نماند در اثنای معالجه، جنابان دکتر محمد باقر صدقیانی و دکتر حبیب خسرو شاهی هم از هیچگونه بذل توجه مضایقه و دریغ نفرمودند، اینک از الطاف شایان آقایان که ذکر و اشعاری از آنان رفت، باینوسیله تقدیر و تشکر مینمایم و بلکه میتوان گفت: هرگز نتوانم کز عهده شکر ایشان بدر آیم. و ضمناً در اثر عارضه مروارید از خواندن و نوشتن کاملاً درمانده بودم تا جناب آقای دکتر قلی زاده گنججه دام عزه و توفیق به اشاره جناب آقای حاج*

وعلم فلك وکلام را از فلکی و فیلسوف معروف زنجان میرزا ابراهیم^۱
(متوفای ۱۳۵۱ هـ ق) که از کبار شاگردان فیلسوف شهیر میرزا ابوالحسن^۲
(جلوه) - متوفای ۱۳۱۶ ق - میباشد، یاد گرفت، سپس بسمت تهران
عازم و مدتی هم در آن صفحات بتکمیل مراتب علوم اشتغال یافت
و در اواخر سال ۱۳۳۰ هـ ق عنان عزیمت بطرف نجف اشرف معطوف
داشته تا سال ۱۳۳۸ هـ در آن سرزمین بسربرد، و پس از گرفتن اجازات
روایت واجتهاد از محدثین و مجتهدین و الامقام آنسامان بسوی زادبوم
خویش عازم و رهسپار شد، پس از اینکه مدتی در مولد خویش اقامت
گزید زیارت خانه خدا را از بهر ادای فریضه حج جداً منظور نمود، و در-
طی مسافرت در سوریا و فلسطین و قاهره با بسیاری از مردان علم و

بجواد آقا (شکوئی) دام لطفه در بیمارستان شخصی جناب آقای دکتر صفی زاده
موقعی که معظم له در مسافرت آمریکا بسر میبردند، بعمل جراحی پرداختند.
سپاس خدا را که عمل، رضایت بخش بوده و همین اوراق برایش که سمت نگارش
یافته، در اثر الطاف ایشان انجام گرفته است؛ و گرنه من کجا و خواندن و
نوشتن کجا، و اینک از هر سه وجودنازنین از صمیم قلب قدردانی و سپاسگزاری
مینمایم. من لم یسکر المخلوق لم یسکر الخالق.

واعظ چرندانی

۱- شرح حالش در کتاب (ایمان الشیعة - ص ۹۸ ج ۵ ط ۱ دمشق)
و کتاب (طبقات اعلام الشیعة - ص ۷-۸ ج ۱ ط نجف) نگارش یافته است بدانجا
مراجعه شود.

۲- بصفحه یب کتاب (زندگانی محمد ص، ط ۶ تبریز) اثر فیلسوف
توماس کارلیل رجوع شود.

مردمان روشن فکر ملاقات نموده و از دیدار و افکارشان بسی خوشوقت
و کامیاب شد، و در سال ۱۳۵۴ هـ بار دوم بخطه مصر سفر کرد، و پس از
ورود از طرف اساتید بزرگ جامع الازهر و دانشگاه مصر و از جانب فضلاء
و ادباء آن سامان مورد بسی پذیرائی و نوازش گردید، و پس از برگشتن
از سفر مصر مدتی هم در دانشگده معقول و منقول تهران بتدریس تفسیر
و فلسفه اشتغال ورزید تا روز پنجشنبه هفتم شهر جمادی الاخره از سال
۱۳۶۰ هـ خاك تیره در زنجان آن هیكل فضل و دانش را تنگ در آغوش
خود کشید. رحمه الله رحمة واسعة

فقید سعید آثار پر بهائی داشته که ما بذکر پاره ای از آنها تعرض
و اشعار میداریم:

۱- تاریخ القرآن (اصل عربی تاریخ قرآن که طبع دوم آن
اکنون بقارئین محترم تقدیم میگردد) موقع مسافرت و توقف آن مرحوم
دومین بار در خطه درخشان مصر، در قاهره بانفاست کامل بچاپ رسیده
و اساتیدی که سالیان دراز است در مصر بر ترجمه و نقل دائرة المعارف
الاسلامیه از زبانهای اروپائی بلسان عربی همت گماشته اند و تا کنون ۱۳
مجلد از آن تا کلمه (شیخ الاسلام) بیرون داده اند و هنوز هم ادامه دارد،
مقدمه و تقریظ نفیسی بزبان انگلیسی بدان نوشته اند که ما ترجمه
فارسی آنرا در اینجا می آوریم.

۲- بسال ۱۳۵۵ هجری قمری و بعبارت دیگر قریب یکسال پس از
طبع اول کتاب نفیس (تاریخ القرآن) در قاهره (۱۳۵۴ هـ - ۱۹۳۵ م) دوست

مقدمه - علمای تربیت و تمدن اسلامی از نبودن اطلاعات درباره تاریخ قرآن تأسف بسیار خورده اند. لزوم یکچنین کتابی در حین ترجمه دائرة المعارف الاسلامیة تأثیر فوق العاده به هیئت ترجمه بخشید. مستشرقین موضوع مذکور را مدت مدیدی قبل از این مکرر بحث کرده اند، اسامی برجسته از قبیل نولدکه Noldeke، برقشتر Bregstrasser و پریتل Pritzgel ممکن است در این زمینه خاطر نشان شد. هر چند مستشرقین در اصول (علم بحث مطالب و انتقادات) شهرتی بسزا دارند با اینهمه نمیتوان ایشان را بی غرض دانست، شنیدن یکچنین مطلبی از یکنفر فاضل مسلم شیعه مانند شیخ ابو عبدالله زنجانی بسیار جالب توجه است. مؤلف این کتاب محتاج بمعرفی نیست، معظم له یکی از مشاهیر فضایل عالیه مقدار و از بزرگان مجتهدین عصر حاضر و تألیف او کمک بزرگی بمعلومات حاضر کرده است. بسیاری از مطالب که معزی الیه بحث کرده فوق العاده مفید و جالب است - تاریخ حیات پیغمبر ص - وضعیاتی که در آن زمان در عربستان متداول و حکمفرما بود - شرح بعثت و اینکه چطور تاریخ عربستان را بالکلیه عرض کرد، از جمله مطالبی است که با مهارت کامل مورد بحث و دقت واقع شده. مسائلی که بدست آوردن آنها از کتب متعدد خالی از اشکال نیست در این اثر مختصر تصنیف کرده اند.

از جناب آقای عبدالفتاح حریری که در آن زمان در تبریز میزیسته و اکنون در تهران بیازرگانی مشغولند، بنا بتقاضای نگارنده سطور همین تقریظ را از انگلیسی فارسی در آورده است که اینک عیناً در متن مقاله درج میگردد.

نظریات علمای عرب و همچنین اروپائیان را نشان داده و انتقادات باموقع کرده، تاریخ قرآن - ترتیب سوره آن - اصول تعلیم قرآن توسط پیغمبر (ص) به صحابه خود - طرز کتابت قرآن در اول - حافظین مشهور قرآن و ترجمه آن بالسنة غرب، از جمله مطالب کتابست که قدرت مؤلف آنرا نشان میدهد. بعقیده ما شیخ ابو عبدالله زنجانی از نقطه نظر همین تألیف فوق العاده قابل تقدیس و تمجید است، چون آثباتی که احتیاج باطلاعات کافی درباره تاریخ قرآن دارند، بهتر از این سندی نمیتوانند یافت.

اول ژوئیه ۱۹۳۵

هیئت ترجمه دائرة المعارف الاسلامیة :

ابراهیم زکی خورشید - عباس محمود - احمد الشنناوی -
عبدالحمید یونس .

مؤلف محقق در یکی از مکاتیب خود در پاسخ این پرسش که چرا موضوع مهم عدم تحریف قرآن مجید را در این کتاب نفیس تعقیب نکرده اند؟! بنگارنده مینویسند: عدم بحث از تحریف بواسطه اینست که ناظر در کتاب پس از مطالعه مطلع خواهد شد که تحریف بدان راهی نداشته که محتاج بعنوان خاصی بشود.

در این موضوع مهم بکتاب پربهای (عظمت حسین بن علی (ع) - ص ۲۱-۲۳ ط ۳ تبریز) تألیف علامه زنجانی و تحشیه نگارنده، و کتاب نفیس (ترجمه و شرح اصول کافی - ص ۴۵۳-۴۵۵ ج ۴ تهران) بقلم توانای علامه محقق آیه الله آقای حاج شیخ محمد باقر کمره ای (نزلی) می

و (تفسیر جامع ص ۲۱-۲۷ ج ۱ ط تهران ۱۳۷۵ هـ) جداً مراجعه شود و از بازگشت هر گز غفلت نشود.

۲- اصول القرآن الاجتماعية - عربی خطی.

۳- کتاب الافکار - عربی خطی. کتابی است فلسفی و اصلاحی که عقیده اسلامی را از جنبه عقل و قرآن روشن میسازد.

۴- طهارة اهل الکتاب، عربی ط بغداد.

۵- دین الفطرة، فارسی خطی.

۶- سرانشار اسلام، فارسی خطی.

۷- بقاء النفس، عربی، شرح مبسوطی است که در سال ۱۳۴۰ هـ

با اسلوب عصری انجام یافته، اصل رساله از آثار نفیسه یگانه فیلسوف اسلامی و فخر توده تشیع خواجه نصیرالدین طوسی (متوفای ۶۷۲ هـ) میباشد که در موضوع مهم بقاء النفس بعدفناء الجسد نگاشته شده و کتاب نامبرده در قاهره طبع گردیده است. و این نکته ناسفته نا گفته نماند:

چنانکه عالم شهیر مسیحی دکتر فاندیک (متوفای ۱۸۹۵ م) در تألیف خود (اصول علم الهمیئة - ص ۱۲۸ ط بیروت) و (ارواء الظماء - ص ۵۵ ط بیروت) مینویسد، ستاره شناسان اروپا دهنة آتش فشانی (کاس) در کره ماه کشف کرده و برای قدردانی و سپاسگزاری از خدمات شایان خواجه طوسی که در دوره تاریک مغول نسبت بجهان تابان دانش انجام داده، آنرا بنام (نصیرالدین) نامیده اند. مؤرخ مشهور مسیحی جرجی زیدان (متوفای ۱۹۱۴ م) در تألیف منیف خود (تاریخ آداب اللغة العربية -

ص ۲۳۴ ج ۳ ط ۱ مصر) درباره خواجه طوسی میگوید:

کانه قبس منیر فی ظلمة مداهمة.

۸- الفیلسوف الفارسی الکبیر صدرالدین الشیرازی، که در تاریخ

زندگی و شخصیت و اهم اصول فلسفه فیلسوف نامبرده بزبان تازی فصیح و روان نگاشته و از طرف (انجمن علمی عربی دمشق) که مؤلف فقید نیز در آن مجمع دانش بعنوان عضو مراسل منتخب میبوده، در دمشق طبع شده است.

۹- کتاب زندگانی حضرت محمد ص که از کتاب (الابطال،

قهرمانان) تألیف فیلسوف و مؤرخ شهیر انگلیسی (توماس کارلایل - متوفای ۱۸۸۱ م) - از عربی بفارسی ترجمه کرده است، و کتاب نامبرده ششمین بار با مقدمه و حواشی و ده مقاله نگارنده که در زمینه های علمی و دینی و تاریخی بزبان عصری و بطرز منطقی انجام یافته، و بخرج کتابفروشی (سروش) بطبع رسیده است.

۱۰- کتاب عظمت حسین بن علی ع که عوامل حدوث وقعه

تاریخی سال ۶۱ هجری قمری و اسرار خفیه و عظمت نفس حسین بن علی (ع) بایک اسلوب مطلوب و عصری و بایک طرز نغز فلسفی مورد بحث قرار داده است، و کتاب نامبرده سیمین بار با حواش و ملحقات بقلم ناچیز نگارنده بنقشه کتابفروشی (سروش) بحاپ رسیده است، و برخی از مقالات سودمند و مباحث علمی علامه زنجانی قدس سره در مجله مجمع علمی عربی دمشق و مجلات الزهراء مصریه و لغة العرب بغدادیه

بزبان تازی طبع و انتشار یافته است .

نا گفته نماند : ترجمه فقید سعید در چند کتاب و مجله و روزنامه مفصلاً و یا مختصراً منتشر گردیده است .

۱- شماره هشتم سال ششم مجله (لغة العرب ط بغداد) بمديريت اب انستاس ماری کرملي (متوفای ۱۹۴۷ م) بقلم فقید علم و ادب سيد محمد مهدی سبز واری (متوفای ۱۳۵۰ هـ) .

۲- کتاب (زندگانی محمد (ص) - ص یب ط ۶ تبریز) اثر فیاسوف انگلیسی کارلایل که از مجله (لغة العرب) بغدادیه سرچشمه گرفته و بعضی اطلاعات متنوعه سودمند بدان افزوده شده است .

۳- روزنامه (آریا) شماره ۹ بتاريخ ۸ مرداد سال ۱۳۲۰ شمسی طبع تبریز بمديريت آقازاده مدیر نامه شاهین (متوفای ۱۳۸۰ ق) بقلم ناچیز نگارنده ، بمناسبت فوت آن مرحوم تحت عنوان (فقدان جبران ناپذیر) .

۴- فقید سعید آقای واعظ خیابانی تبریزی (متوفای روز یکشنبه ۱۴ صفر الخیر ۱۳۶۷ هـ) در تألیف خود (علماء معاصر - ص ۱۸۵-۱۸۶ ط تبریز) نوشته روزنامه (آریا) را تلخیص و در آن جاداده اند واز نگارنده هم نامی برده اند . روانش شاد باد .

۵- ریحانة الادب - ص ۱۲۹ ج ۲ ط تهران ، تألیف فقید سعید آقای مدرس خیابانی تبریزی (متوفای ۱۳۷۳ هـ) .

۶- اعیان الشیعة - ص ۳۵۷ - ۳۵۹ ج ۱۷ و ص ۷۱ ج ۵۳ فی

مستدرکات حرف الالف ج ۱ تألیف بسیار نفیس علامه سید محسن عاملی (متوفای ۱۳۷۱ هـ) . فقید سعید در طی ترجمه مترجم در جزء ۱۷ و ۵۳ مینویسد : و رأیناه فی دمشق مرتین فی سفرین و جرت بیننا و بینهم مکاتبات و مراسلات . و نیز در تعداد مؤلفات مؤلف مینویسد : کتاب فی التصویت و هو آخر مؤلفاته ، و این اشتباه و درست آن اینست : کتاب فی التصوف . ۷- شماره سوم از سال سوم مجله جلیله (یادگار) تحت عنوان (وفیات معاصرین) بقلم توانا و سیال علامه قزوینی (متوفای ۱۳۸۶ هـ) . ۸- طبقات اعلام الشيعة - ص ۵۲ ج ۱ ق ۱ ، تألیف علامه جلیل شیخ آقا بزرگ تهرانی ، نزیل نجف اشرف دام ظله .

۹- معجم المؤلفین - ص ۱۵۹ ج ۶ ط دمشق ، تألیف منیف استاد عمر رضا کماله دامت افاضاته .

۱۰- مؤلفین کتب چاپی - ص ۱۸۶ - ۱۸۸ ج ۱ ط تهران ، تألیف نفیس فاضل معاصر آقای خانبا بامشار دامت افاضاته العالیة و فیوضاته المتوالیة (تلك عشرة كاملة) .

ترجمه مترجم فاضل کتاب

فاضل متبوع آقای خانبا بامشار در تألیف نفیس خود و مؤلفین کتب چاپی - عربی و فارسی - ص ۲۵۵ ج ۱ ط تهران) مینویسد : (۱۳۰۴ ق - ۱۳۳۵ ش) مقدمات را در تفرش آموخته ، و در ۱۳۲۴ ق بتهران آمده و علم معقول و منقول را فرا گرفته ، زبان انگلیسی را بقدر کفاف آموخته ، مدت دو سال نیز در مدرسه آلیانس بتدریس و تکمیل

زبان مشغول بوده ، در ۱۳۰۹ ش داخل وزارت فرهنگ شده و اکنون در دانشسرا و دبیرستانهای طهران معلم ادبیات است (فهرست رضویه ج ۵ ص ۲۳۲). نویسنده فهرست رضویه، در حال حیات مترجم، همین ترجمه را در آن درج کرده است - چرندابی.

آقای مشار برای مترجم فقید بیست و پنج اثر سودمند - ترجمه و تألیف - در همین کتاب می شمارد و ما بجهت مراعات اختصار خوانندگان گرامی را بدان مأخذ حواله میدهیم.

البته آقای مشار تألیف چاپ خورده مترجم را در تألیف نامبرده خود در آورده است. مترجم فقید يك سلسله تألیفاتی دارد که هنوز به چاپ نرسیده است، با آخر جلد دوم (تاریخ عصر جعفری) اثر مطبوع مرحوم سحاب، باز گشت شود.

از آثار چاپ شده مترجم فقید یکی هم رساله سودمند (اقوال اروپائیان درباره قرآن) میباشد که پیوست همین کتاب (تاریخ قرآن) به چاپ رسیده است. خطیب دانشمند عراقی (کاظمینی) شیخ کاظم بن شیخ سلیمان آل نوح کتابی در سه جزء بدین ترتیب تألیف نموده است: (محمد و القرآن) و (الاسلام و المدنية) و (الحضارة والعرب) جزء اول بسال ۱۳۵۴ هـ ق در بغداد بطبع رسیده است، مترجم منتخباتی از همین کتاب بفارسی ترجمه نموده و بنام (اقوال اروپائیان درباره قرآن) در آخر همین کتاب در آورده است. مؤلف فاضل در مقدمه جلد یکم مینویسد: وان ما في الاجزاء الثلاثة هي شهادات قيمة للقریبین لا بأس بامعان النظر

اليها و التعمق فيها فان اكبر العلماء في اوروبا و اعظم فلاسقتهم و كتابهم نراهم يشهدون لمحمد ص بصدق دعوته و صحة نبوته و انه اكبر رجال العالم كما صرح بعضهم بانه لم يكن في العصور الاولى مثله و لا يأتي في المستقبل له نظير و مثيل.

یعنی آنچه در اجزاء سه گانه کتاب در آمده است، تماماً شهادات پر قیمتی است از اروپائیان که تعمق و امعان نظر در آنها عیب نخواهد داشت، زیرا بزرگان فلاسفه و نویسندگان غرب بصدق دعوت و صحت نبوت پیغمبر اسلام گواهی میدهند و میگویند حضرت محمد (ص) بزرگترین مردان جهانست، و بلکه بعضی از غربیان صراحة اظهار داشته که مانندش در عصرهای گذشته نیامده و در اعصار آینده هم نخواهد آمد، (من دونه الابطال فی کل الوری من سابق او حاضر او آت، بصفحة ۶۹ کتاب زندگانی محمد ص ۶۹ ط ۶ تبریز بتحشیه و تعلیق نگارنده، باز گشت شود).

واعظ چرندابی

سیمصد و هفتاد سال است که از ظهور آن میگذرد هنوز نظری دانشوران بزرگ را در شرق و غرب جهان بر خود متوجه نموده و روز بروز رغبت و میل جهانیان و ارباب دانش و بینش گیتی بمطالعه و بهره گیری از مبانی و احکام آن فزونتر میگردد.

ولز A.G. Wells که یکی از دانشمندان و نویسندگان مشهور انگلستان است وقتی یکی از مجله‌های علمی اروپا عقیده و رأی او را از بزرگترین کتابی که از آغاز تاریخ بشر تا کنون بیشتر از سایر کتب در دنیا تأثیر نموده و مهمتر از همه بشمار آمده می‌پرسد، او در جواب نام چند کتاب را برده و در پایان آن چنین نگاشت:

«اما کتاب چهارم که مهمترین کتاب دنیاست «قرآن» است زیرا که این کتاب آسمانی تأثیری که در دنیا نموده نظیر آنرا هیچ کتابی بخود ندیده»

این کتاب بهترین راهنمای يك عقیده قلبی یعنی (توحید) و اخلاق فاضله است و بزرگترین کتابی است که دشمن بت پرستی و نظام کشیشی و تئلیت آمده و شاید قوه معنوی این کتاب منحصر بسادگی اوامر و نواهی آن باشد، چنانکه گاهی يك کلمه آن چندین حقیقت را در بردارد^۱.

و نیز این کتاب میان مسلمانان رابطه ایجاد نموده که فوق زبان و نژاد

۱- مانند آیه (اعدلوا هو اقرب للتقوی)

بنام خدای توانا

مقدمه مترجم

در این زمان که کشور ایران تحت توجه موهبت یگانه سرپرست محبوب وقائد توانا و نیرومند جوان بخت خود.

اعلیحضرت اقدس همایون شاهنشاه پهلوی

مهدامن و امان گردیده و بازار علم و دانش مانند سایر ترقیات این کشور در پرتو رأفت و مرحمت این شاهنشاه بزرگ دانشخواه و راجی تمام یافته و علاقمندان بعلم و ادب هر يك میخوانند که بقدر توانائی خود خدمتی بجهان دانش و هنر انجام دهند.

نویسنده این سطور بنده ناتوان «ابوالقاسم سحاب» هم از دیر زمانی اندیشه داشت خدمتی که سود آن عام و نفع آن همیشه و بردوام باشد بهم میهنان عزیز خود تقدیم دارد.

حسن اتفاق، تا گهان بکتاب (تاریخ القرآن) تصادف نمود که بزبان عربی تألیف شده، پس از مطالعه دقیق و آگاهی از محتویات این نسخه نفیس بهترین خدمت علمی خود را ترجمه این کتاب بزبان فارسی از چند جهت دیدم:

۱- موضوع این کتاب که بحث از مهمترین کتابی است که در پیدایش و ظهور خود دنیا را تکان داده و با اینکه تقریباً هزار و

و رنگ است^۱.

هم او گوید:

«قرآن کتاب علمی و دینی و اجتماعی و تهذیبی و اخلاقی و تاریخی است مقررات و قوانین و احکام آن با اصول قولین و مقررات دنیای امروزی مقابل و برای همیشه و دوام قابل پیروی و عمل است هر کس خواهد دینی اختیار کند که سیر آن با تمدن بشر پیشرفت داشته باشد باید که دین اسلام را اختیار نماید و اگر خواهد که معنی این دین را بیابد بقرآن مراجعه کند»

۲ - آنکه این تألیف در اثر وسعت اطلاع مؤلف دانشمند آن بعلم اسلام بر روشن ترین دلایل امتیازی بقرآن مجید نشان میدهد که هیچیک از کتابهای آسمانی دارای آن امتیاز نیست باین معنی که آیات این کتاب مقدس از طرف پیروان یا شاگردان آن معلم بزرگ و استاد کامل بشر که بزبان قرآن از آنان بمهاجرین و انصار نام برده شده بیک نوع اهمیت و اهمیاتی تلقی میشد که هیچ یک از کتب آسمانی آن اهتمام را در تلقی پیروان خود ندیده بحدی که زیاد و کمی و او در آیه والسابقون الاولون من المهاجرین و الانصار والذین اتبعوهم باحسان الخ چنانچه در (ص ۴۱ ط ۸) این کتاب بنظر خواننده محترم میرسد آن همه کاوش و جستجو و بالاخره تعقیب و پرسش را

۱ - چنانکه در آیه مبارکه است انا جعلناکم شعوبا و قبائل لتعارفوا ان اكرمکم عندالله اتقیکم .
سوره حجرات

بمیان آورده .

اینهمه اهتمام روشن ترین برهانی است که این کتاب مقدس بتواتر توسط بزرگان اسلام از طرف صاحب بزرگوار خود تلقی و پس از ثبت و ضبط بر حضرتش عرضه میگردد ، نه مانند تورات و انجیل که پس از زمانی طولانی بعد از آوردن گان خودتنظیم و بصورت مشوش انتشار پذیرفت و کتابی است که خدا در باره آن فرموده ، نحن نزلنا الذکر و اناله لحافظون

۳ . مؤلف آن استاد دانشمند آقای ابو عبد الله مجتهد زنجانی که از علمای عالی مقام ایرانند روش تحقیقی در نگارشات خود پیش گرفته و در استقراء جهت بدست آوری دلایل و شواهد از کتب علما و بزرگان از رجال دانشمند قرون اولی و وسطی اسلام رنج فکر بسیاری را متحمل گردیده و بکتابهای زیادی از کتب معتبره که سندهای قوی برای ما و دیگران میباشد مراجعه نموده و علاوه ببعضی مؤلفات قرون اخیر شرق و اروپا در این موضوع مراجعه و پس از اینکه بحسنه تألیف و ترجمه و نشر مصر ، این کتاب را در تاریخ ۱۳۵۴ هجری قمری بطبع رسانید ، در اندک مدتی این کتاب نفیس در اقطار و مراکز اسلامی انتشار مهمی پیدا نموده و تقریظات علمی از آن در مجلات و جرائد مهمه عرب از طرف دانشوران و نویسندگان اسلامی نگاشته شده و نسخه آن در مصر که محل چاپ کتاب بود کمیاب گردید و برای چاپ دوباره آن سال گذشته از مؤلف دانشمند اجازه تجدید طبع ثانوی را تقاضا نموده

و دوباره بچاپ رسید .

با این وصف سزاوار نبود که از فایده و بهره گیری چنین اثر علمی سودمندی علاقمندان بدانش در این مین بی بهره بمانند لذا ترجمه این کتاب بزبان فارسی بهامه عاجز این بنده ناتوان نگاشته و تحریر گردید و امید چنان است که این خدمت مقبول افتد و خوانندگان آن نگارنده را بدعای خیر یاد فرمایند .

در پایان مقدمه این نکته را تذکر میدهد که دوست عزیز ما آقای حسین رئیسی که همیشه طرفدار دانش و ادب بوده و در نشر آثار علمی بذل مساعدت مینمایند با نگارنده در باب چاپ و نشر این کتاب علمی مفید هم همراهی نموده و بخرج خود چاپ آنرا با اهتمامی زیاد انجام دادند .

ابوالقاسم حجاب

تهران ۱۷ ربیع الاول ۱۳۵۷ - ۱۳۱۷۲۲۸

تعریف بمباحث الكتاب بالانجليزية

اتحفا به الاساتذة الافاضل

اعضاء لجنة ترجمة دائرة المعارف

الاسلامية في مصر

لاجل تبين ما في الكتاب للمغرب

Students of Islamic Culture and Islamic Civilisation have regretted the lack of a scientific work written in Arabic on the history of the Koran. The necessity of such a work has been deeply felt by us in the course of our translating the Encyclopaedia of Islam into Arabic.

Orientalists have certainly treated this subject a long time ago. Eminent names such as Noldeke, Bergstrasser and Pritzel may be mentioned in this field. But although Orientalists are better known for their scientific methods, the way they treat subjects and criticise sources, yet their views are some times not very far from being impartial.

It is thus rather interesting to hear the word of a moslem and Shi'ite Scholar such as Sheikh Abu - Abdullah al Zandjani.

The author of this work has no need to be introduced. Being an eminent scholar and one of the greatest

نظر باینکه اعضاء ترجمه دائرة المعارف اسلامي لیدن در مصر خواسته اند که خاطر دانشمندان اروپا را بمقاد این کتاب متوجه و آگاه کنند ، این مقدمه را بزبان انگلیسی نگاشته ما هم بهمین جهت آنرا بنص انگلیسی که بود باقی گذاشته اند و نادرج نمودیم . (مترجم) ما هم ترجمه فارسی آنرا در مقدمه خود درج کردیم . چرندیابی

Persian Mudjtahidin at the present time, his work is no doubt a contribution to modern science .

Many of the subjects he treated are of great interest. The life of the prophet , the conditions which prevailed Arabia at his time , how his mission was expected and how it deeply changed the history of Arabia , are questions skilfully dealt with.

Many of the problems which you may find scattered in various works are displayed in this short work . Views of Arabic as well as European Scholars are indicated and criticised. The history of the Koran, the order of its chapters (Suras) , how it was taught by the prophet to his companions , how it was first written, the most famous reciters of theKoran and its European translations are among the problems which the author displays in great skill.

Sheikh Abu-Abdullah al Zandjani is to be congratulated for his work which, we believe , will be of great use to those who wish to study the history of the Koran .

july 1935

Committee for the translation of the Encyclopaedia of islam

Ibrahim Z. Khorshid

Abbas Mehmoud

ابراهيم زكي خورشيد

عباس محمود

Ahmad al Chintinawi

Abdel Hamid Younes

احمد الشنتاوي

عبد الحميد يونس

نظر بيلافت كلام استاد معظم آقاى احمد
امين مؤلف كتاب فجر الاسلام و ضحى
الاسلام نص عربى مقدمة استاد مز بوررا
بجالت خود باقى گذاشته و عينادرج
نمود . مترجم

مقدمة

بقلم الاستاذ العلامة

احمد امين

الاستاذ بكلية الاداب بالجامعة المصرية

اتيجت لى فرصة ان اقدم للقراء تاريخ القرآن ، للاستاذ ابي
عبدالله الزنجاني ، فاعتبطت لذلك لاسباب :
اولها : ان الاستاذ من اكبر علماء الشيعة ومجتهديهم ، وكاتب هذه
السطور سنى ، وطالما حز فى نفسى ان ارى الخلاف بين السنيين والشيعين
يشد ويحتد و يؤدى الى جدل عنيف و تدابر وتقاطع ، ولم يقف الامر
عند الجدل الكلامى ، والبغض النفسانى ، بل كثيرا ما تعداه الى تجريد
السيف واحتدام القتال ، ولو احصينا ما كان بينهم من عهد على (رض) الى الان
لبلغت حوادثه المجلدات الضخمة ، كلها خلاف وكلماء و لو كان انفق هذا
الجهد فى سبيل الاصلاح لبلغ المسلمون ذروة المجد ، و لكن ابت السياسة
احيانا ، والمطامع الشخصية احيانا ، الا ان تثير الفتن ، وتدبر الدسائس

وتفرق بين الاخوة ، ويعجب المؤرخ ان يرى النزاع يبلغ هذا المبلغ بين فئتين يجمعهم الاعتقاد بان لاله الا الله و ان محمدا رسول الله ، و ان المؤمنين اخوة ، ولئن ساغ في العقل ان يقتلوا ايام كان هناك نزاع فعلى الخلافة من هوا حق بها ومن يتولاها ، فليس يسوغ بحال من الاحوال ان يقتلوا وعلى خلاف اصبح في ذمة التاريخ لا يستطيع القتال والنزاع ان يعيده الى الوجود ، بل بعد ان اصبحت الخلافة نفسها مسئلة تاريخية بحثة و ليس للمسلمين خليفة فعلى يضم كلمتهم ، ويجمع شتاتهم ، واصبح كل الخلاف خلافاً في التاريخ وخلافاً في الاجتهاد ، ولولا الاعيب السياسة و استغفال الماكرين لعقول العامة واحتفاظ ارباب الشهوات والمطامع بجاههم و سلطانهم ، لانمحي الخلاف بين الشيعي والسني ، ولاصبحوا بنعمة الله اخوانا ، ولتعاونوا على جلب المصالح ودرء المفاسد لجميعهم ولنظر بعضهم الى بعض كما ينظر حنفي الى مالكي و مالكي الى شافعي واطن ان الوقت قد حان لان يفكر عقلاء الطائفتين في سبيل الوئام ويعملوا على احياء عوامل اللفة وامانة الخصام ، يتركوا للعلماء البحث حرأفي التاريخ ، ويثلقوا النتائج بصدر رحب كما يثلقون النتائج في اي بحث علمي و تاريخي ، وتبعة هذا الخلاف تقع على رؤساء الطائفتين ، ففي يدهم تقليبه وفناؤه ، كما في يدهم اشعاله وانماؤه .

ففرصة سعيدة اراها ان يؤلف الكتاب شيعي ويقدمه للقراء سني ولعلمها بادرة حسنة من بوادير السير للوئام ، والدعوة الى السلام ، والعمل لخير المسلمين من غير نظر الى فرقة او مذهب . وهو مات يطلبه ويوجبه

موقف المسلمين الحاضر .

وثانيها : انه كان من حسن التوفيق ان عرفت الاستاذ ابا عبد الله الزنجاني حين زيارته مصر سنة ١٩٣٥ فتوثقت بيننا الصلة ، وتأكدت الصداقة على قرب العهد بالتمعارف ، وقصر زمن اللقاء ، ولكن قرب الارواح يفعل ما لا يفعله تراخي الزمن و طول العهد ، وصدق الحديث : «الارواح جنود مجنودة ، ما تعارف منها ائتلف وما تناكر منها اختلف» وقد رأيتني واسع الاطلاع ، عميق التفكير ، و غرير العلم بالفلسفة الاسلامية و مناحيها و اطوارها ، على صفاء في نفسه ، وسماحة في خلقه مما حبيبه الى وحب لي ان اقدم كتابه لقراءه

ثالثاً : موضوع الكتاب او الرسالة وهو تاريخ القرآن من حيث الخط والجمع والترتيب و الاعراب و الاعجام ، وهو موضوع شاق عسير تعرض له الاقدمون . ولا يزال مجال القول فيه ذاسعة

وقد كان في نية الاستاذ الزنجاني ان يفيض فيه ، و يخرج كتاباً واسعاً يجمع الى سعة الرواية اعمال العقل ، و لكن حالت ظروف دون ذلك فخرج الكتاب موجزاً مختصراً ، و مع هذا فقد جمع فيه كثيراً مما تشتت في ثنايا الكتب من مؤلفين سنيين و شيعيين

و لعل الزمن و الظروف تهين لي ان يتبع خطوته هذه بخطوة اخرى فيهدي للقراء في هذا الموضوع بحثاً اوفى ، و كتاباً اوسع يكشف ما غمض من هذه المسائل العويصة ، والدقائق العميقة ، وهو بذلك جدير

احمد امين

وفقه الله ٢٥ يونيو سنة ١٩٣٥

فهرست مندرجات کتاب

موضوع	صفحه
مقدمه واعظ چرن دابی	
مقدمه مترجم	
بیان اهمیت کتاب بزبان انگلیسی از طرف اعضاء ترجمه دائرة المعارف اسلامی لیدن	
مقدمه نگارش استاد احمد امین مصری نویسنده فخر الاسلام و ضحی	
الاسلام	۱
مقدمه مؤلف کتاب	
محمد (ص) پیغمبر اسلام و قرآن	۵
ولادت آن حضرت	۷
اوضاع جهان هنگام پیدایش نور پیغمبر (ص)	۱۲
سیرت نبوی (ص)	۱۶

باب اول

فصل اول پیدایش خط در حجاز و خطی که قرآن بآن نوشته شد	۲۱
عقیده مورخین اروپا	۲۲
رأی مورخین عرب	۲۳
خط در مدینه	۲۸

کر

موضوع	صفحه
فصل دوم : آغاز نزول وحی	۳۰
فصل سوم : اول آیه ای که از قرآن نازل شده	۳۲
فصل چهارم : دوره نزول قرآن	۳۶
فصل پنجم : درو داشتن نبی اکرم (ص) صحابه را بخواندن قرآن	۳۸
فصل ششم : در کتابت قرآن هنگام نزول	۵۰
فصل هفتم : در آنچه که قرآن مجید در زمان پیغمبر ص بروی آن نوشته میشد	۵۳
فصل هشتم : در بیان کسانی که قرآن را در زمان پیغمبر (ص) جمع آوری نموده اند	۵۵
فصل نهم : در تاریخ نزول سوره ها	۶۰
فصل دهم : ترتیب نزول قرآن در مکه و مدینه	۷۰

باب دوم

فصل اول : قرآن در زمان ابی بکر و عمر	۷۶
فصل دوم : قرآن در زمان عثمان	۸۰
فصل سوم : در ترتیب سوره ها در مصحف امیر المؤمنین علی (ع)	۸۷
فصل چهارم : ترتیب سوره قرآن در مصحف ابی بن کعب	۹۱
فصل پنجم : ترتیب سوره های قرآن در مصحف عبدالله بن مسعود	۹۴
فصل ششم : ترتیب سوره در مصحف عبدالله بن عباس	۹۷

موضوع

صفحه

فصل هفتم: ترتیب شور در مصحف حضرت امام جعفر صادق (ع)	۱۰۰
فصل هشتم در ذکر قراء سبعه و رواات مشهور	۱۰۴
فصل نهم وضع اعراب در قرآن	۱۱۵
فصل دهم: اعجام و نقطه گذاری	۱۱۸

باب سوم

اروپائیان و قرآن

فصل اول: ترجمه قرآن بزبان اروپائی	۱۲۲
تذیل مترجم در بیان نام دانشمندان اروپائی	۱۲۳
فصل دوم: عقیده بعضی از اروپائیان در تاریخ سور قرآن	۱۲۸
فصل سوم: در آغاز سوره های قرآن	۱۳۱
فهرست اعلام	۱۳۶

خاتمه کتاب

اقوال اروپائیان درباره قرآن

تاریخ قرآن

مقدمه

بسم الله الرحمن الرحيم

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي عَلَّمَ الْإِنْسَانَ مَا لَمْ يَعْلَمْ وَالصَّلَاةُ عَلَى نَبِيِّهِ
الْأَكْرَمِ الَّذِي نَطَقَ بِالْقُرْآنِ الَّذِي يَهْدِي لِلَّتِي هِيَ أَقْوَمُ وَالسَّلَامُ
عَلَيْهِ وَآلِهِ وَاصْحَابِهِ مُصَاحِبِ الظَّالِمِ

از آغاز نزول قرآن کریم و پیدایش آن بزبان پیغمبر عربی (ص)
مسلمانان از صحابه و تابعین و علمای اسلام و متخصصین قرائت قرآن باین
کتاب مبارک چنان اهتمامی نموده اند که مانند آن برای هیچ کتابی از
کتب آسمانی دیده نشده.

کتب مؤلفه که در علوم قرآن است و از پیش ترین قرون اسلامی
علمای مفسرین و قراء و دانشمندان آنها را برشته تحریر در آورده اند
دلیلی روشن بر این معنی است.

همیشه علما برای جستجو و بحث و کنجکاوی از رموز و اسرار
این کتاب بنواحی مختلفه و جهات بعیده گیتی دوری گزیده و تتبع علمی
نموده اند:

از قرن دوازدهم میلادی دانشمندان اروپا از ایشان پیروی نموده
بجستجو و بحث از تاریخ و تفسیر و کتب مؤلفه در قرآن شروع و تفسیر
قرآن و معانی این مباحث علمی را تحت نظر و اهتمام در آوردند.

در این عصر اخیر ملت آلمان بکاری بزرگتر و علمی شایسته دست
زده باین معنی که انجمن دانشی مونیخ (Munchen) آلمان امروزه
اهتمامی خاص بقرآن مجید نموده و تصمیم گرفته تا هر اندازه بتواند از
مصادر خاصه قرآن کریم و علوم قرآن از کتب و تفاسیری که در بیان
معانی و رموز و اسرار قرآن نگاشته شده فراهم آورد.

نظر بشایستگی و مهارت مستشرق دانشمند برجستراسر^۱
(G. Bergstraesser) آلمانی را برای این کار برگزیده او در دوره زندگانی
خود شروع بکار نموده در ۱۹۳۳ که این دانشمند وفات یافت، انجمن
مزبور جریان این امر و تعقیب آنرا بعهده استاد دانشمند «اتوپریتزل»
(Dr Ottopretzl) گذاشته و این استاد به «مجمع علمی عربی دمشق»
(Académie Arabe) نامه بدینگونه نگاشت.

«ما برای دوستان آگهی و آسانی کار ایشان در اندیشه گرفته ایم
که هر آیه از آیات قرآن کریم را در صفحات مخصوصه حاوی رسم خطهای

۱ - برجستراسر از مستشرقین بزرگ آلمان است که خدماتی شایان
بمعارف و علوم اسلامی نموده من جمله در جمیع مصادر و تفاسیر قرآن مجید اهتمام
کرد و وفات او در ۱۹۳۳ میلادی و نام او در فرهنگ خاور شناسان تألیف مترجم
این کتاب مندرج است؛

مختلفی که ما بر آنها در قرآن آگاه شده و از مصاحف قدیمه بدست آورده ایم
بایبان قرات مختلفه که در متنهای مختلف بآن برخورد و تفاسیر
عدیده ای که از قرآن در طول این زمان و توالی این قرون ظهور و نگارش
یافته تمام آنها را یکجا بنگاریم تا فایده آن عمومی شده و هر کس خواهد
بدون تحمل زحمات و مراجعه بکتب و تفاسیر بمنابع هر يك آگاه و
واقف شود.

در آغاز امر بنشر مهمترین کتب مؤلفه قرآنی کوشیده مانند کتاب
«التیسیر» ابی عمر عثمان بن سعید دانی^۱ در قرات هفتگانه که راست
و درست ترین کتب مؤلفه علم قرات است و کتاب «المفتح» در طرز
نگارش قرآن در مراکز مختلفه اسلامی و کتاب «النقط» دانی و کتاب
«مختصر الشواذ» ابن خالویه^۲ و کتاب «المحتسب» ابن جنی^۳ که متن
آن بحروف لاتین بین نشریات انجمن علمی مونیخ به چاپ رسیده و
کتاب «غایة النهایه» در طبقات القراء تألیف شمس الدین محمد جزری^۴

۱ - ابو عمر و عثمان بن سعید دانی صاحب کتاب التیسیر والمفتح متوفی
۴۴۴ هجری.

۲ - ابن خالویه همدانی ابو عبد الله حسین بن احمد بن خالویه است که کتاب
الاشتیاق و کتاب الجمل - کتاب القراءات - کتاب اعراب را نگاشته وفات او در ۳۷۰
۳ - ابن جنی نحوی موصلی ابو الفتح بن عثمان متولد ۳۳۰ متوفی ۳۹۳
صاحب کتاب التصریف و کتاب المحتسب والخصائص و اسرار البلاغه (مترجم).

۴ - شمس الدین جزری محمد بن ابراهیم بن ابی بکر مودخ متولد ۶۵۸
متوفی ۷۲۹ در دمشق.

متوفی ۸۳۳ هجری و کتاب «معانی القرآن» قراء^۱ و رساله در تاریخ علم القرآن بزبان آلمانی شامل نام و اسامی مؤلفات در علم قرآن که در آفاق و کتاب خانه‌های دنیا وجود دارند بدین‌ها شروع نموده و لیکن موضوعی که دانشمندان بدان اهتمام ننموده و علما آن را تحت دقت نیاورده‌اند کنکاش و بحث از تاریخ قرآن و ادواری است که از زمان حضرت نبی اکرم (ص) تا قرون اولیه اسلامی بر این کتاب مقدس گذشته و اگر بحث و جستجویی در این خصوص دیده شود فقط در ضمن بحث از علوم قرآن بوده و تألیفی کافی یا نگارشی مخصوص که این بحث با فایده و نتیجه عمومی را با عظمتی که دارد شامل و حاوی بشود وجود نیافته تا از عهد این امر مهم بر آمده و موضوع را حل نماید.

مؤلف تاریخ قرآن از دیر زمانی شروع بگرد آوردن مواد پراکنده و مطالب مربوطه باین موضوع از کتب متفرقه نموده و در آن بحث و تحقیق کرده ، اینک خلاصه کنکاش و جستجوی خود را در این مختصر که پایه و مقدمه جزئی از مقدمه تفسیری است که قصد تألیف آن را به‌الملوب تحلیل عقلی و روش تجزیه منطقی دارد یادآور گردید.

بنابر این ابتدای ذکر شمه از سیرت نبی اکرم صلی الله علیه و آله و سلم نموده و از مصادر صحیح و مدارک معتبره نقل مینمایم و امیدوارم که در این نگارش خوانندگان را بهره و سود و من بنده را رحمت کردگار و دود شامل حال شود و از اوست توفیق و بس.

۱- قراء ابو ذکریا یحیی بن زیاد دبلوی متوفی ۲۰۷ صاحب معانی القرآن و کتاب المذکر والمؤثر . (مترجم)

محمد (ص) پیغمبر اسلام

و قرآن

چنانکه قانون الهی و کردار او در آفرینش بدان جاری شده که دنیای ماده و هستی را بپرتو آفتابی که در مدار خود میگردد زنده دارد همچنین قانون الهی بر این روش جاری است که روان انسانی را به پیغمبری و رسالت زنده دارد .

چنانکه امواج نور آفتاب بهترین رهنما برای عالم وجود بسختی از نور است همچنین اشعه نور وحی از پیغمبران بهترین رهنما برای انسان عالم وجود بنوری از سخن خداست و کلام خداوند بی نیاز که بزبان نبی او جاری یا بدل پاک وی وحی و الهام شده قرآن است که در کتاب کریم از آن بنور تعبیر گردیده که فرماید :

قَدْ جَاءَكُمْ مِنَ اللَّهِ نُورٌ وَكِتَابٌ مُبِينٌ يَهْدِي بِهِ اللَّهُ مَنِ اتَّبَعَ رِضْوَانَهُ
سَبِيلَ السَّلَامِ وَيُخْرِجُهُم مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ بِإِذْنِهِ وَيَهْدِيهِمْ إِلَى
صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ

اگر که تفسیر این آیه شریفه بخواهی نظری بتاریخ بنما که در اوایل قرن هفتم میلادی اوضاع خاور میانه و باختر دنیا دگرگون شده و سر

تاسر دنیا را تیرگی جهل گرفته ، مردم همگی بطرف تباهی و خودسری رفته ، تمدن بشر بخوشگذرانی معدودی بهم شکسته و سیاست آن در زیر زنجیر نادانی گرفتار و نالان شده ، اخلاق عموم باسراف و شهوت رانی تباهی یافته و عقاید آن بمبارزه و جدال خراب و فاسد گردیده ، خونهای آن بدست ستمکاران بدون هیچگونه مقصدی شریف و مبدئی مقدس ریخته میشد ملل گیتی از دیر زمانی صورت زیبایی خود را از دست داده و زندگانی آنان بمانند زندگانی جانوران میگذشت .

در این انقلاب اخلاقی و ادبی « نور مقدس محمدی صلوات الله علیه و آله » به پیام دینی و اخلاقی برای هدایت این دنیای گمراه و کالبد بیجان جلوه نمود ، و در دست مبارک خود این کتاب مقدس یا چراغ فروزان توحید و هدایت را گرفته ، شرق و غرب دنیا را بجانب روشنائی آن دعوت فرمود ، اخلاق ناپسند مردم گیتی را بفضیلت و شایستگی مبدل گردانید ، عقاید مردم را بر پایه تسامح گذاشته حالت اجتماعی را بدوستی و یگانگی استوار ساخت ، جنگ و کوشش او در این راه برای طرح این صورت زیبای اخلاقی بوده و طمع دنیوی یا چشمداشتی برای سلطنت و جاه نداشته تا اینکه دنیا را بعد اكمال و اعلى که ممکن بود پاکیزه و مہذب نموده و خرد انسانی که مدت ها در فشار نادانی بود آزاد گردانیده ، این قانون استوار را در آزادی عقل بعالیان اعلام فرمود که :

وَلَا تَقْفُ مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ إِنَّ السَّمْعَ وَالْبَصَرَ وَالْفُؤَادَ كُلُّ أُولَٰئِكَ

كَانَ عَنْهُ مَسْنُولا

در اینجا شمه از سیرت این پیامبر و مصلح بزرگ از استوارترین مآخذ گفته میشود .

ولادت آن حضرت

آنها که در تاریخ ولادت نبی اکرم (ص) جستجو و بحث نموده اند در کنکاش خود بدو اشکال مهم برخوردند :

اول - اینکه عرب تاریخ خود را بنوشتن قید نمینمود زیرا که نوشتن در آن عصر تازه پیدا شده بود .

دوم - عدم آگاهی بحساب سالیانه که نزد عرب جاهلیت جاری و معمول بوده که سال آنها شمسی یا قمری بود تا اینکه زمان ولادت آن حضرت در ماه ربیع نخست قطعی و درست باشد بلکه نام ماههای پیش از اسلام غیر از ماههای مشهور بوده .

کوسسن دپرسوال (Caussin de perceval) شماره سال قمری

۱ - سوره الاسراء آیه ۳۹

۲ - کوسسن دپرسوال خاورشناس معروف که مترجم ترجمه و شرح حال و خدمات علمی او را مفصلا در کتاب « فرهنگ خاور شناسان » نگاشته تولد او در ۱۷۵۹ و فوت ۱۸۳۵ بوده .

این استاد در موضوع فوق مقاله نگاشته و در مجله آسیا سال ۱۸۴۳ درج نموده « به کتاب عام الفلك و تاریخ آن در قرن وسطی نزد عرب تالیف محقق سنور « کارلونیو » ایتالیائی متولد ۱۸۷۳ ص ۹۴ مراجعه شود . « (شرح احوال نلینو هم در فرهنگ مذکور مسطور است) ،

را نزد عرب جاهلیت ترجیح داده و در این رجحان بگفته ابوریحان بیرونی^۱ و بعضی از مورخین اسلامی استناد جسته که عرب بعد از هر سه سال یک ماه را کبیسه بحساب آورده و بدین لحاظ پیدایش اختلاف ماهها و فصول سال شمسی را رفع مینمودند لذا سال ایشان قمری و شمسی هم بوده و برای ما سندی از تاریخ رسول اکرم (ص) جز گفتار ثقات و معتمدین علمای اسلامی از شیعه و سنی نیست .

بیشتر علمای اسلامی و پیشینیان از محدثین و فقها و مورخین بر آنند که ولادت آن حضرت در ماه ربیع الاول واقع شده ولیکن در روز ولادت باختلاف گرائیده .

چنانکه بیشتر علمای شیعه بر آن رفته اند که در ۱۷ ربیع الاول سنه عام الفیل بوده .

شیخ مفید محمد بن محمد بن نعمان^۲ در کتاب **حدائق الریاض** که در تواریخ شرعی نگاشته گوید : ولادت حضرت رسول (ص) در ۱۷ ربیع الاول بود .

۱ - ابوریحان محمد بن احمد بیرونی متولد ۹۷۳ م (۳۶۲ هجری) در خوارزم متوفی ۱۰۳۸ م (۴۳۰ ه) در غزنین افغان که کاتب هم خوانده شده و از بزرگان علمای اسلامی در نجوم و ریاضی و صاحب کتاب **آثار الباقیه** و غیره است .

۲ - شیخ مفید از بزرگان علمای شیعه متوفی ۴۱۳ ه ابن الندیم گوید در زمان وی ریاست متکلمین شیعه باو منتهی شده و در صناعت کلام بمتدب یاران خود بر دیگران مقدم است من او را استادی ماهر دیدم . (فهرست)

ابن طاووس علوی^۱ در کتاب **«الاقبال»** می نویسد: ما کشانی را که از علماء درک نموده و دیدیم عمل ایشان بر آن بود که ولادت حضرت رسول (ص) یوم جمعه ۱۷ ربیع الاول عام الفیل بوده .

مجلسی^۲ صاحب کتاب **«بحار الانوار»** گوید: مشهور در نزد شیعه امامیه جز معدودی از ایشان آن است که ولادت آن حضرت در ۱۷ ربیع الاول بعد از گذشتن چهل و دو سال از سلطنت کسری انوشیروان بوده و مؤید این قول گفته خود پیغمبر (ص) است که فرمود :

وُلِدْتُ فِي زَمَنِ الْمَلِكِ الْعَادِلِ انْشُرَوَانْ

و با این دسته از شیعه صاحب کافی مخالفت نموده و گوید :

آن حضرت دوازده شب از ماه ربیع الاول گذشته در عام الفیل متولد شده .

حافظ ابو زکریا محیی الدین بن شرف نووی متوفی ۶۷۶ هجری در کتاب **«تهذیب الاسماء واللغات»** خود میگوید :

صحیح مشهور آن است که نبی اکرم (ص) در عام الفیل متولد شده ابراهیم بن منذر خرامی شیخ بخاری و خلیفه بن الخیاط و دیگران

۱ - ابن طاووس ابوالقاسم سید رضی الدین علی بن موسی متولد ۵۸۹ ه متوفی ۶۶۴ صاحب کتاب **اقبال و مصباح و فرحة الناظر و غیره** (مترجم در کتاب دوم مفتاح الاعلام خود ترجمه و گزارش او را نگاشته :

۲ - مجلسی مولا محمد باقر بن ملا محمد تقی مجلسی اصفهانی صاحب کتاب **بحار الانوار** مولفات زیاد دیگر متوفی ۱۱۱۰

اجماع و اتفاق نموده اند که ولادت حضرت روز دوشنبه ماه ربیع الاول بوده و اختلاف دارند که آیا روز دوم یا هشتم یا دهم یا دوازدهم می باشد و این چهار قول مشهور است .

در تعیین تاریخ ولادت پیغمبر اکرم طریقی محمود پاشا^۱ استاد ریاضی معروف مصر گرفته که اعتماد بصحت آن میرود .
طریق مذکور این است ، که او در بحث وجستجوئی که از کشف نوع تاریخ معمولی عرب نموده ، که آیا سال ایشان شمسی یا قمری بوده ؟ روایات و نصوص قدیمه را گرد آورده و در تعیین آن بسه تاریخ استناد نموده و اساس عقیده ورای خود گردانیده .

۱- تاریخ وفات ابراهیم فرزند پیغمبر (ص) .

۲- روز ورود رسول اکرم (ص) بمدینه منوره در حین هجرت

۳- روز ولادت او .

و اینها تمامی بحساب ژولین (Julian) یا الیولیوسی است .
استاد مزبور در این بحث استناد بحسابهای فلکی مانند حساب

۱ - محمود پاشا محدوب بن صدی مصری استاد ریاضی که از بزرگان علمای ریاضی و نجوم بوده و در ۱۳۰۳ هجری وفات نموده

این استاد تذکره فرانسه از تقویمهای قبل از اسلام و روز ولادت نبی اکرم ص بطور تحقیق نگاشته که در پاریس سال ۱۸۵۸ میلادی بطبع رسیده و بدستیاری استاد احمد زکی پاشا رحمه الله عبری ترجمه و در چاپخانه بولاق سال ۱۸۸۹ بچاپ رسیده

گرفتن آفتاب که در روز وفات ابراهیم (ع) سال دهم هجرت اتفاق افتاد نموده ، که بنا بر روایت اهل حدیث این کسوف واقع شده - و مانند حساب اقتران زحل و مریخ در برج عقرب که بنا بگفته بعضی از منجمین در سال ولادت پیغمبر و پیش از آن باندگی بوده و بدان حادثه آسمانی به پیدایش دین اسلام استدلال نموده اند - و برای تعیین روز ورود نبی اکرم بمدینه روز عاشوراء یهود را حساب کرده که اکثر محدثین و سیر هم گفته اند که ورود پیغمبر بمدینه روز عید یهود بوده و بعد که تمام اینها را بحساب سالیانه الیوسی در آورده میگوید :

چون ماههای عربی که در آنها این حوادث سه گانه معروف بوقوع پیوسته مشهور است لذا عقیده این استاد بدینجا منتهی شده که ولادت رسول اکرم (ص) روز دوشنبه نهم ربیع الاول مطابق بیستم آوریل ۵۷۱ میلادی بوده .

اوضاع جهان هنگام پیدایش

نور پیغمبر (ص)

نور مقدس محمد (ص) ابن عبدالله بن عبدالمطلب در قریش از قبیله هاشم اوائل قرن هفتم مسیحی ظاهر شده و اسلام را اعلام فرموده دعوت او در تمام جزیره العرب انتشار یافت و بزودی هر چه زودتر که ماندی برای آن در تاریخ ادیان وملل نیست این دین مبین که سراسر خاور زمین در اثر اسباب مناسب موجود که برای انتشار او مهیا بود انتشار یافت.

در آن دوره سر زمین شام و مصر تحت نیرو و قدرت بیزانترین (Byzantine) که نزد عرب از آن بکشور روم تعبیر میشد قرار گرفته و بر این کشور امپراطوری فرمانروا بود که هر قل نام داشت بین النهرین و یمن بدست دولت ایران و کسری انوشیروان شاهنشاه با اقتدار آن بود: این دو کشور بزرگ همواره در جنگ و ستیز بوده، کشمکش مینمودند وزیر انقلابات و شورش داخلی فرسوده و بتنگ آمده، خزانه آندو از زر و سیم خالی بود، سپاهیان کسری شهر رها^۱ را در ۶۱۱ از رومیان نمودند و نقایسی بی شمار و غنائمی پر بها که از جمله آن چوبه دار

۱ - شهری که در ۱۹۰ کیلو متری شمال شرقی حلب قرار گرفته (قاموس الاعلام ترکی).

حضرت عیسی (ع) بود بدست آورده و در ۷۱۶ بمصر حمله نموده اسکندریه را گشودند، دسته دیگری از سپاه ایران بجانب آسیای صغیر رفته بخلق دونه رسیده آنجا را اشغال نمودند و بین آنها و پایتخت جز بوسفر فاصله نبود که در این بین هر قل از خواب سنگین خود بیدار و آماده جنگ شد سپاهیان خود را روانه و تمام شهرهای از دست رفته را با چوب صلیب برگردانید، اسلام در جزیره العرب وقتی ظهور یافت که بین این دو کشور پهنای زد و خورد در کار بود، این آتش فروزان و این نبرد و جنگ در سال ۶۳۸ میلادی پایان رسید.

این دو کشور در آنوقت در بسط و توسعه نفوذ و قدرت خود بخاک عربستان رقابت مینمود زیرا که این سرزمین بواسطه محمولات مهمه از طلا و انواع عطریات مقامی مهم را احراز نموده بود، از طرفی موقعیت جغرافیائی آن که در سر راه هندوستان واقع شده زیاد بوده.

دولت روم هم بعد از حملات زیاد که بر عربستان بسر کردگی «الیوس کالوس» در سنه ۱۸ قبل از میلاد در دوره اگوست قیصر نمود از گشودن این سرزمین بزور و جنگ صرف نظر نموده و بنا را بفتح مسالمة و اصلاح گذاشتند.

دولت روم برای یاری خود ملوک غسان را برگزیده، پاسداری حدود عربستان را از طرف سوریه و فلسطین و کوشش در بسط نفوذ آنها در آن سرزمین بایشان وا گذاشت.

دولت ایران هم در برابر آنها همین سیاست را پیروی کرده

بمذرها که شاهان حیره بودند اعتماد نمود و مقاومت نفوذ رومیان و بلند کردن شأن ایران را در عربستان بآنها واگذار کرد.

دیانت مردم کشور روم در آنوقت مسیحیت و دین رسمی ایرانیان مجوسیت یا پیروی از روش زردشت^۱ بود.

مجوس از نصاری دوری جسته و یهود بایشان کمک مینمودند و ملت نصاری بچند دسته پراکنده شده بود:

یعقوبیان - نسطوریان - اریوسیان - ارتودکس و دیگران.

یهود هم به : ربانیان - قرائیان - سامریان منقسم شده بودند.

عرب در جزیره خود پیرستش ستارگان و بتها گزائیده، مذهب یهود و نصاری از طرف شام و مجوسیت از عراق بجزیره العرب وارد شده بود.

میان عرب بعضی بخدا معترف و بزندگی اخروی منکرو بر خی خدا و زندگی اخروی هر دو را انکار مینمودند و طبیعت را زندگی دهنده و دهر را فنا کننده میگفتند و تمامی به بخت و جن قائل بودند و اعتقاد بتأثیر نجوم و تعبیر خواب داشته از روش و عادات ناپسند ایشان زنده بگور نمودن دختران و نامهربانی و شراب خواری و قمار خلاصه خودسری در سیاست و اداره و دین و اخلاق در تمام قلمرو شرق حکم فرما بود، شرق هم خواستار بیرون شدن از این خودسری و سرکشی و راحتی از شر آن بود.

۱ - متابعت مبدء خیر و مخالفت مبدء شر.

وقتی که پیغمبر (ص) اسلام ظهور یافت ملت خود را بقول ستوده:

« لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ »

خوانده و نظر ایشان را از ستاره گان بقران کریم متوجه نمود.

این قران در نهایت فصاحت و بلاغت و حسن تنظیم بود که عقیده توحید یا اعتقادی که فطرت انسانیست آنرا قبول نموده در برداشت، بالاتر از همه آنکه این قران دارای آداب و حکمت و قوانین و علم و تاریخ و سیاست و خلق کریم بود.

پیدایش نبی اکرم (ص) در پناه کعبه و بازاری بود که عرب از راههای دور و دراز بآن روی مینمود،

پیغمبر (ص) از خاندان قریش که سیادت دین عرب و تجارت ایشان تایمن و شام و عراق بآنها بود بوجود آمد.

نبی اکرم (ص) ملک خود را بنشر اسلام و جهاد در راه آن تشویق نموده جهاد کنندگان را بهشت برین وعده میفرمود و چون عرب از فصاحت و بلاغت خوشحال بود و نظر بآزادی طبیعت خود بمعانی روحیه از مروت و بزرگواری و رشادت و شجاعت جنبش مینمود و در بادیه به نبرد و جنگ و تحمل خطر ها عادت گرفته بود و از طرفی وعده پیغمبر و بلاغت و حسن سیرت و مساعدت بعملیات ایشان میکرد و او را در زمان خود و بعد از او خلقای او را یاری نمودند، توانستند که در يك قرن فرمانروائی و آئین و زبان خود را از سند دهند تا اقیانوس اطلس در شرق

و غرب و از دریای خزر و آسیای صغیر و دریای روم و فرانسه تا اقیانوس هند و قسمت بالای سودان از شمال و جنوب منتشر کنند.

سیرت نبوی (ص)

در اینجا مختصری از سیرت ستوده پیغمبر اسلام محمد (ص) و دعوت او و چگونگی انتشار دیانت وی از استوارترین مآخذ و تازه ترین کتب مؤلفه بزرگان علمای اسلامی بیان و نقل میشود.

پیغمبر اکرم (ص) در مکه معظمه دوازدهم ربیع الاول بنا بقول مشهور بین اهل سنت و نهم این ماه بطور صحیح و هفدهم آن بنا بر مشهور نزد شیعه امامیه بیستم آوریل ۵۷۱ میلادی عام الفیل متولد شده، پیش از ولادت او پدرش وفات نموده و جد او عبدالمطلب (ع) کفالت و پرستاری او را کرده تا اینکه بسن هشت سالگی رسید.

در اینوقت جدش هم وفات یافته و عم او ابوطالب (ع) بکفالت کار و پرستاری او عهده دار شد.

قریش در آن موقع بتجارت مابین یمن و شام و عراق مشغول بوده ابوطالب (ع) هم به پیشه یکه قوم و قبیله اش مشغول بودند اشتغال گزیده.

ابوطالب (ع) حضرت محمد (ص) را در جوانی موقعی که سیزده ساله بود بتجارت شام همراه برده، او جوانی زیرک و هوشیار و نجیب

و پاکدل بشمار میرفت، آثار نجابت و هوش و علائم بزرگی و جلال از رخسار مبارکش نمودار بود.

گفته اند وقتی که آنحضرت باعم خود به بصری فرود آمد راه پی که به نینکوکاری و پرهیز مشهور و «بحیرا» نام داشت ویرانیده و گفت: «بزودی از این جوان کار بزرگی بر وزنموده و نام او در تمام شرق و غرب دنیا بلند خواهد شد.

وقتی که محمد (ص) بسن بیست و پنج سالگی رسید برای تجارت از سوی خدیجه (ع) دختر خویند، که از بانوان بزرگ عرب بود باغلام او میسره بشام مسافرت فرموده در این سفر با سود زیاد برگشت، خدیجه بی اندازه از مهارت و راستی و امانت او خوشحال و خواهش ازدواج و همسری او را نمود.

خدیجه چنانکه گفته شد، از بزرگترین بانوان قریش در فضل و مال بوده و نسبت او از دیگران روشنتر و مقام او بالاتر بود و بواسطه شرافت خانوادگی و دارائی زیاد پیش از بعثت و بعد از آن بهترین یار و مددکار او بود.

پیغمبر اکرم (ص) دوره جوانی را با حسن خلق و عزت نفس و بزرگواری و غیر تمندی نسبت بقوم خود گذرانده بطوزی بود که تاب نداشت قوم خود را بگمراهی ببیند و اعتقادی استوار بوجود و یکتائی

۱ - بصری شهر قدیم مشهور که در دوره رومیان آباد و در ۹۰ کیلو متری دمشق بوده و در راه مشهور در آنجا بود (قاموس الاعلام ترکی)

خدا وزندگی اخروی و جاوید بودن روح داشت، پرهیزکار و پاکدامن و دوستدار زهد و پرستش خدا بود.

نبی اکرم (ص) بیشتر اوقات بغار حراء در نزدیکی مکه معظمه جهت ادای نماز و پرستش خدا میرفت و بدینگونه بود تاسن او به چهل رسید در این میان در شب قدر که مطابق ۱ فوریه ۶۱۰ میلادی بود موقعی که در غار حراء جای داشت؛ روح الامین از جانب رب العالمین بروی نازل و او را بتبلیغ رسالت خدا مامور نمود.

حضرت این خبر را بخدیجه همسر خود گفت آن بانو و پسر عم او علی بن ابیطالب (ع) و غلام اوزید بن حارثه و یار او ابوبکر بوی گرویدند. ابوبکر مردی ساده و نزد قوم خود محبوب بود و نهانی کسانی را که بآنها اعتماد داشت باسلام دعوت مینمود و بدست او عثمان بن عفان و زبیر بن عوام و عبدالرحمن بن عوف و سعد بن ابی وقاص و طلحه بن عبیدالله اسلام آوردند و اینها بمسلمین سابقین نامیده شده اند.

رسول اکرم (ص) مدت سه سال دعوت نهانی مینمود تا پیروان او به چهل تن رسیدند، و درمیانه ایشان عمر بن الخطاب و عم او حمزه بن عبدالطلب (ع) بود، پس نزدیکان خود را آشکارا باسلام خوانده بیم و انذار نمود، بعضی از آنان دعوت او را رد نموده، باتمام قوه کوشش در باطل نمودن آن مینمودند، زیرا که آنها سران آئین عرب و اهل بیت الحرام بودند و میترسیدند اگر اسلام که دین جدیدی بود بپذیرند قبائل عرب بر آنان شوریده، آنوقت رشته تجارت ایشان گسیخته و علاوه از آن

نمی توانستند ببینند که محمد (ص) با کمی مال بر آنها بزرگی کند، بدین لحاظ قویترین معارض و مخالفین او اشراف و سرمایه داران قریش بودند ولیکن پیغمبر بواسطه چندتن از خویشان خود نگهبانی میشد.

با این حال یاران او تحت فشار بودند و هر کدام که توانائی مقاومت نداشتند دلالت به هجرت حبشه نمودند و گروهی از ایشان بطرف حبشه رهسپار شدند که در میان آنها عثمان بن عفان - زبیر بن عوام - و عبدالرحمن بن عوف و جعفر طیار بود، نجاشی امپراطور حبشه مقدم ایشان را گرامی داشته و بآنها مهربانی و احترام نمود و بعضی از آنان پیش از هجرت بمکه برگشته و بیشتر در سال هفتم هجرت معاودت نمودند.

خدیجه همسر رسول خدا بعد از بیست و پنج سال که در ازدواج او بود وفات یافت، پس از آن عمش ابوطالب وفات نمود و بمرگ این دو یار قوی یاران او کمتر شدند ولیکن این پیش آمدها باعث نومیدی و ضعف عزم آن حضرت نشده، بلکه بیازارهای عمومی و مواقع حج عرب رفته، قبائل عرب را آشکارا بیگانگی خدا و دین فطری و ترک پرستش بتها و ستارگان خواند، شراب و قمار یا زنده بگور نمودن دختران و آنچه که در آئین عرب جاهلیت تباه و باطل میدید تمام را حرام نمود.

در این بین شش نفر از اهل مدینه (یثرب) که همگی از قبیله خزرج بودند باسلام آورده، بجانب خویشان خود برگشتند و بدست آنها بسیاری از مردم آن سامان ایمان آوردند.

پس از آن در موسم دیگر دوازده تن از اوس و خزرج بنزد پیغمبر

آمده و بمطابعت اسلام بوی بیعت کردند ، و مصعب بن عمیر را برای یاد دادن شعائر اسلام با آنها روانه نمود و دین اسلام بواسطه ایشان در مدینه انتشار یافت بحدی که هیچ خانه در آنجا نماند مگر اینکه نام پیغمبر بمیان می آمد .

در موسم سوم حج هفتاد و سه نفر از مرد و زن موقعیکه بخدمتش رسیدند بیاری دعوت وی باشمشیر در وقتی که بخواهد بمدینه بیاید بیعت کردند آنوقت این گروه بمدینه برگشتند .

پیغمبر (ص) قصد نمود بایارانی که داشت باتفاق ایشان بیارانی که در مدینه داشت ملحق شود ، قریش وقتی که باین نکته پی بردند ترسیدند که مردم مدینه برایشان هجوم آورده و با آنان در میان خانه خود جنگ کنند ، آنگاه عزم کشتن پیغمبر (ص) نمودند .

پیغمبر نهانی از مکه بیرون و ۲۰ سپتامبر سال ۶۲۶ میلادی بمدینه مهاجرت نمود ، پس از آن یاران و پیروان او از مکه بیرون و در مدینه باو پیوستند و بعدها بمهاجرین نامیده شدند و اهل مدینه را انصار نامیدند . پیغمبر میان افراد این دو دسته قرار برادری داده و هر يك از از مهاجرین را برادری از انصار معین نمود .

وقتی که پیروان او در مدینه زیاد شد شروع بنشر دین خود نموده و در صورت ناچاری باشمشیر دست بکار زده و خواست دین حق را آشکار کند ولی پیغمبر (ص) جز نشر فضیلت در دنیا که خود پیغمبر آنرا میخواست ، چیز دیگر خواهان نبود .

جنگهاییکه خود پیغمبر (ص) در آن حاضر بود ۲۷ غزوه بحساب آمده که در نه واقعه آن کشتار از طرفین شده و سرایای او یا جنگی که خود در میان نبوده و بدست پیروانش انجام میگرفت ۴۸ جنگ و جنگهای مشهور او هفت جنگ است .

باب اول

فصل اول

پیدایش خط در حجاز و انتشار آن در آن حدود و خطی که قرآن بآن نوشته شده

اولین رشته از رشته های خط عربی ، خط مصری (دیموتیک) Demotic است که خط عمومی بوده^۱

دومین رشته خط فینیقی بود ، که نسبت آن بفینیقیه نزدیک زمین کنعان در کنار دریای سفید (بحر مدیترانه) داده شده و امروز بجبل لبنان موسوم است .

فینیقی ها از نژاد سامی و بیشتر مخالطت آنان با مصریان جهت

۱ - مصر بهاداری سه نوع خط بوده اند: اول آن هیرو گلیف که خط مختص رجال مذهبی بوده دوم - هیرو اتیک که خط کارکنان دیوان و دفتریان و نویسندگان دولت بود. سوم - دیموتیک که خط ملی و عموم و ساده ترین خط بشمار میرفت

تجارت و داد و ستد یا موجدات دیگر بود و حروف کتابت را از آنان آموخته برای خود حروفی ساده و خالی از پیچیدگی جهت نگارشات تجارتنی وضع نمودند.

فینیقی‌ها از حروف مصری پانزده حرف با اصلاح اندکی گرفته‌اند چنانکه دانشمند آثاری ماسپرو^۱ (Maspro) در کتاب خود بنام «تاریخ مشرق» نگاشته و باقی حروف را بدان افزوده و حروف ایشان بواسطه سادگی و آسانی در آسیا و اروپا اشتهار یافته و معمول گردید. رشته سوم، (خط آرامی^۲) یا مسند است که مورد اختلاف بین مورخین اروپا و عرب گردیده.

عقیده مورخین اروپا

خلاصه رأی مورخین اروپا اینست که از خط فینیقی چهار خط ذیل پیدا شده.

- ۱- یونانی قدیم که اصل و ریشه همه خطوط اروپا و خط قبطی است.
- ۲- عبری قدیم که خط سامری و منسوب بسامره ناپلی میباشد.

۱- ماسپرو - استاد علم آلتار (آرگئولوژی) متولد ۱۸۴۶ و متوفی ۱۹۱۶ خاورشناس که نام و گدارش او در فرهنگ خاورشناسان مترجم مسطور است (مترجم)

۲- آرام ملت سامی قدیم در قسمت فلسطین و شامات سکنی داشته و منسوب بآرام بن سام اند که نزد عرب بارم معروف گردیده و از اسلاف پیشینیان عرب بوده

۳- مسند حمیری^۱ که از آن خط حبشی پیدا شده.

۴- خط آرامی که اصل و ریشه شش خط است:

۱- خط هندی بتمام انواع آن ۲- خط فارسی باستانی (پهلوی)

۳- عبری مربع ۴- خط تدمری ۵- سریانی ۶- نبطی.

بنابر عقیده اروپائیان خط عربی بر دو قسم است: یکی کوفی که از نوعی خط سریانی گرفته شده و این خط به استرنجیلی^۲ موسوم است، دیگری نسخی که از نبطی^۳ مأخوذ است و بنا بر این برای خط مسند در رشته خط عربی قرار نگرفته و سریانی را با نبطی آخرین رشته قرار داده‌اند

رأی مورخین عرب

خلاصه رأی مورخین عرب پیش از اسلام و بعد از آن بر این است

۱- خط مسند دارای چهار نوع است اول - صفوی منسوب بکوه صفادر کوهستان حوران دوم - ثود منسوب بشمود ساکنین شهرستانهای صالح سوم - لحيانی منسوب به بنی لحيان ساکنین شمالی جزیره العرب چهارم - سبئی یا حمیری منسوب بساکنین قسمت جنوبی جزیره.

۲- استرنجیلی - سریانی‌ها دارای سه قلم بوده‌اند که یکی از آنها مفتوح و موسوم با سترنجالا بوده که بیشتر از همه اهمیت داشته (فهرست)

۳- نبطی - کشور انباط از دمشق شام تا وادی القری نزدیک مدینه از شمال و جنوب و از بادیه شام تا خلیج سویس از شرق و غرب امتداد یافته و شامل شمال غرب جزیره العرب و جزیره سینا میشود آثار آنان در حجر (شهرستانهای صالح) قوم ثمود و حوران و دمشق شام و جزیره سینا موجود است آنها صاحب فلسطین و مدین و خلیج عقبه و حجر حوران گردیدند

که خط حجازی آنها از اهل حیره^۱ و مردم انبار^۲ گرفته شده و خط بمردم این دوشهر از عرب کنده^۳ و قوم نبط از مسند رسیده بود .

مورخین عرب همه اتفاق دارند بر اینکه خط بواسطهٔ حرب بن امیه بن عبدالشمس بمکه داخل شده و آنرا این شخص در سفرهائی که نموده از چند تن فرا گرفته بود که از آن جمله، بشر بن عبدالملك برادر اکیدر صاحب دومة الجندل بوده .

بشر با حرب بن امیه در مکه حضور یافته و دختر او صهارا گرفت و بجمعی از اهل مکه خط آموخته و ارتحال یافت .
شاعری از کنده منت بر قریش نهاده و گوید :

وَلَا تَجِدُوا نِعْمَاءَ بَشَرٍ عَلَيْكُمْو فَقَدْ كَانَ مِمْوُنَ النَّقِيبَةِ أَزْهَرَا

أَنَا كَمْ بِخَطِّ الْجَزَمِ حَتَّى حَفِظْتُمُو مِنْ أَلْمَالِ مَا قَدْ كَانَ شَيْئِي مُبَعَثَرَا

وَ أَغْنَيْتُمُ عَنْ مُسْنَدِ الْقَوْمِ حَمِيرَ وَ مَا زِلْتُمْ فِي الْكُتُبِ أَقْيَالُ حَمِيرَا

۱ - حیره بکسرو سکون وراء شهری است که در سه میلی کوفه بموضعی که نجف حالبه است بوده

۲ - انبار - شهری است در کنار فرات در قسمت غربی بغداد بمسافت سی میل

۳ - کنده - بطنی از کهلان در قسمت جنوبی جزیره العرب است

در روایت از ابن عباس^۱ است که اهل انبار خط را از مردم حیره گرفته اند ، پس خط مسند بنا بر رأی مورخین عرب از رشته و ریشهٔ خط عربی است .

یکی از محققین عرب در کتاب خود « حیات اللغة العربیه » رأی مورخین عرب را بچند دلیل ترجیح داده .

اول - اینکه برای خط مسند چهار نوع شناخته شده و نزدیکتر از همه انواع بخط فینیقی صفوی است و این نکته دلالت دارد که خط مسند اساساً خطی واحد و نزدیک باصل فینیقی خود بوده و شباهت آن بآرامی چندان دور نیست و خط از طرف یمن و آرامی ها بحیره و انبار بواسطه کند و نبط رسیده و نیز از حیره و انبار باهل حجاز واصل شده من این احتمال را ضعیف می شمارم ، زیرا که مقام آن که نزدیک بودن خط صفوی

۱ - در روایت عبدالرحمن بن زیاد بن العم از پدر اوست که گوید بابن عباس گفتم ، شما گروه قریش ، خط عربی را از کجا گرفتید ، قبل از آنکه خدا محمد (ص) را بر سالت مبعوث کند ، زیرا که شما جمع میکنید از خط آنچه را که جمع شده و براکنده میکنید آنچه که براکنده گردیده ، گفت که آنرا از حرب بن امیه گرفتیم ، گفت ؛ حرب از که گرفته ، گفت ، از عبدالله بن جعدان ، گفت ابن جعدان از که گرفته ، گفت از اهل انبار ، گفت ، اهل انبار از که گرفته اند ، گفت از اهل حیره ، گفت اهل حیره از که گرفته اند ، گفت از کسی که برایشان از یمن از قبیلۀ کنده وارد شد ، گفت ، این وارد از که گرفته بود ، گفت از خفلیجان کاتب و حی هود پیغمبر مسعودی گوید که اولاد محسن بن جندل بن یعصب بن مدین کسانی هستند که کتابت را نشر داده اند یعنی نبط ملوک مدین و سینا و حوران و فلسطین .

فینیقی است تأیید میکند که خط مسند از فینیقی گرفته شده و در یمن منتشر گردیده از یمن بحیره و انبار رسیده با اعتراف باینکه خط بواسطه آرامی ها رسیده، آنوقت این تقویت میشود که خط آرامی از ریشه خط حجازی است زیرا بعید است آرامیین غیر از خط مخصوص خودشان خطی را انتشار داده باشند.

دوم - آمیزش نبطی ها بمانی و همسایگی بآنان مانند آمیزش آنها ببعضی از طوایف آرامی اقتضا مینماید که نبط خط مسند را از آنها گرفته باشد و این احتمال در نظر من ضعیف است زیرا اگر نبطی خط خود را از یمانی بواسطه آمیزش گرفته باشد ممکن است که نبطیان خط خود را بهمین دلیل از آرامیان گرفته باشند زیرا که با آرامیان مخالفت داشتند.

سوم - اجماع مورخین عرب و کثرت روایات و اتفاق کلمه ایشان دلالت دارد که خط از حجاز ب یمن رسیده و وجه سوم هم در نظر من ضعیف است زیرا که رسیدن خط از طریق یمن منافات ندارد که اصل آن آرامی باشد و ممکن است که در اثر آمیزش بمانی خط خود را از آرامی گرفته باشد.

چهارم - وجود حروف روافد که عبارت است از : ثخذ ضظغ که در خط مسند حمیری است و در آرامی نیست.

وجه چهارم هم بنظر من ضعیف است، زیرا که اگر مسند از ریشه خط حجازی بود، آنوقت باید برای حروف روافد شکل های مخصوصی مانند باقی حروف که از اصل خود مسلسل بود و جرد داشت و فاقد بودن

خط حجازی صورت مخصوصی برای این حروف دلالت دارد باینکه خط آرامی که فاقد صورت مخصوصه روافد است از اصول خط حجازی باشد ولیکن موجود بودن صدای حروف روافد در طبیعت و زبان عرب باعث شد که عرب حروف روافد را باعجام (نقطه گذاری) برای آن صداها وضع کنند.

مؤید این قول گفته مؤلف کتاب «حياة اللغة العربية ص ۸۸» است که میگوید: و ناچار واضع حروف برای حروف روافد صورت های: باء - جیم - دال - صاد - طا و عین را گرفته برای تشخیص بر آنها نقطه اضافه نموده و نیز دلیل اینکه خط آرامی از ریشه و اصول خط عربی است این است که «حافظ شمس الدین ذهبی^۱» در تذکره الحفاظ ذیل روایت «خارجة بن زید^۲» از پدر خود نقل نموده که «زید بن ثابت» بامر رسول خدا خط یهود را در پانزده روز یاد گرفته و در آن مهارت یافت و این یاد گرفتن زید در نصف ماه آن خط را دلالت دارد که او عین خط استر نجیلی را یاد گرفته که اصل و ریشه خط آرامی و یکی از دو نوع

۱ - ذهبی - محمد بن عثمان بن قایمازا ابو عبدالله شمس الدین ذهبی تر کمانی فارقی امام حافظ است که در ۶۷۳ در دمشق متولد شده و از کوچکی در طلب حدیث بود و امام وقت خود گردیده، دارای مؤلفاتی است که از جمله تذکره الحفاظ است وفات او ۷۴۸ هجری.

۲ - خارجة بن زید بن ثابت انصاری یکی از فقها و از کبار علما است ولی او کم حدیث بوده، از اینجهت ذهبی او را جزه حفاظ یاد نه نموده وفات او ۹۹ در مدینه بود.

خط سریانی و خط یهود است و بدین جهت در ترجمه زید بن ثابت نگاشته شده که اوسریانی میدانسته و از سریانی خط کوفی پیدا شده .

علاوه از این خط کوفی شبیه ترین خطوط بخط حیری است و خط حیره شبیه بخط نبطی است و خط نبطی شبیه بآرامی و آرامی شبیه بعینیقی و آن شبیه بخط دیموتیک است که خط عمومی مصری بوده و این دلیل بر پیوستگی این خطوط بحسب ترتیب مذکور است .

خط در مدینه

اما خط در مدینه ، (یثرب) بطوریکه اهل سیر و خبر تقریر نموده اند ، این است که رسول اکرم (ص) وقتی که بمدینه وارد شد در آنجا یهودی بود که بکودکان نوشتن میآموخت و در مدینه قریب به بیست نفر نوشتن میدانستند که از آنها سعید بن زراره منذر بن عمرو - ابی بن وهب - زید بن ثابت - رافع بن مالک - اوس بن خولی بود ظاهر این است که آنها خط حجازی را که از خط حیری گرفته شده بود می دانستند و این موضوع منافاتی با آموختن زید خط یهود را بامر پیغمبر (ص) بعد از ورود او بمدینه ندارد .

اول کسی که کتابت را بطریقه عمومی نشر داده رسول اکرم محمد صلی الله علیه و آله وسلم بود که بعد از مهاجرت بمدینه آنرا رواج داد چنانکه در جنگ بدر در حدود هفتاد مرد که از قریش و دیگران اسیر

شدند بین آنان بسیاری از نویسندگان بودند پیغمبر (ص) فدیة درس نخوانده ها و آنهاییکه نوشتن نمیدانستند بمال قرار داده و فدیة کسانی که درس خوانده و نوشتن میدانستند ، مقرر داشت که هر يك از ایشان ده تن از کودکان مدینه را خواندن و نوشتن یاد دهد .

آنان این عمل را انجام داده کم کم از آنوقت نوشتن و خواندن در مدینه و سایر شهرهای متصرفه اسلامی رواج گرفت و بیسوادی تنها در صحرا و بادیه باقی بود .

خط حجازی دو نوع دارد: یکی نسخی که در نامه نگاری استعمال میشده ، دومی کوفی منسوب بکوفه بعد از بنای آن زیرا که قواعد خط حجازی و صورت حروف آن در کوفه تهذیب شده ، بدینجهت این خط را بکوفی نسبت داده اند .

از باب بحث و تحقیق بوجود عین نامه هائیکه از نبی اکرم (ص) به مقوقس و منذر بن ساری نگاشته و فرستاده بر خورده اند و از آنها عکس برداشته و نشر داده اند و اصل نامه ای که بمقوقس فرستاده شده اکنون در موزه آثار نبوی (ص) اسلامبول موجود و محفوظ است .

این نامه رایکی از دانشمندان فرانسه در دیری بمصر که نزدیکی اخمیم بود پیدا نموده و سلطان عبدالحمید عثمانی این خبر را شنیده و

۱ - سلطان عبدالحمید متوفی ۱۲۷۸ هجری پدر سلطان عبدالعزیز متوفی ۱۲۹۳ و سلطان عبدالحمید متوفی ۱۳۰۴ هجری قمری است .

آن دانشمند را با این نامه گرانها خواسته و نامه را به علمای متخصص نشان داده و ثابت گردانیده که نامه مزبور عیناً همان نامه مقام رسالت (ص) بمقوقس است و سلطان عبدالمجید آن نامه را به پاهائی زیاد خرید .
نامه دوم نیز در کتابخانه وین پایتخت اطریش هم اکنون موجود و محفوظ است .

فصل دوم

آغاز نزول وحی

آغاز نزول وحی در شب قدر بود و آن بنص قرآن در ماه رمضان سال چهل و یکم از میلاد شریف نبوی بوده .

إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ ۚ وَإِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةٍ مُبَارَكَةٍ إِنَّا كُنَّا مُنْزِلِينَ فِيهَا يُفْرَقُ كُلُّ أَمْرٍ حَكِيمٍ أَمْرًا مِّنْ عِنْدِنَا إِنَّا كُنَّا مُرْسِلِينَ -
شَهْرَ رَمَضَانَ الَّذِي أُنْزِلَ فِيهِ الْقُرْآنُ هُدًى لِّلنَّاسِ وَبَيِّنَاتٍ مِّنَ

الْهُدَى وَالْفُرْقَانِ ۚ

۱ - سورة قدر ۲ - سورة دخان ۳ - سورة بقره

ماه رمضان ماهی است که حضرت در آن ماه در غار حرا^۱ اعتکاف می نموده و برای روزه و پرستش خدا از مردم کناره جوئی میکرد .
اما نسبت بشبی که در آن وحی شروع شده اختلافی زیاد است و در آیه است .

إِن كُنْتُمْ آمَنْتُمْ بِاللَّهِ وَمَا أُنْزِلْنَا عَلَى عَبْدِنَا يَوْمَ الْفُرْقَانِ

يَوْمَ اتَّقَى الْيَحْمَعَانِ ۚ

آیه شریفه اشاره بدان است که آغاز وحی در ۱۷ رمضان بود زیرا که بر خورد دو گروه بایکدیگر در هفدهم رمضان سال دوم هجرت بوده و مقصود از آن ها دو دسته مسلمین و مشرکین بدر بودند .

پس آیه اشاره بدو روز بزرگ و خجسته ایست که خدای تعالی در آن دو روز نبی خود «محمد (ص)» را به پیغمبری برگزیده و مسلمانان بنصرت خود شرافت و بزرگی بخشیده .

ابو جعفر بن جریر طبری در تفسیر خود بسندیکه از امام حسن بن

۱ - حراء بکسر و تخفیف و مد - کوهی از کوهستانهای مکه در سه میلی آن که پیغمبر (ص) قبل از نزول وحی در غاری از حراء برای پرستش خدا اقامت میکرد .

۲ - سورة انفال

۳ - ابو جعفر محمد بن جریر طبری علامه زمان و استاد عصر خود در تاریخ و حدیث بوده ، تولد او در آمل مازندران (طبرستان) سال ۲۲۴ هجری و وفاتش در بغداد سال ۳۱۰ هجری بود

علی بن ابیطالب علیه السلام روایت نموده گوید که لیلۃ الفرقان یوم التقی الجمعان هفدهم ماه رمضان بود .

فصل سوم

اول آیه‌ایکه از قرآن نازل شده

صحیح آنست ، اول آیه‌ایکه از قرآن نازل شده آیه :

اقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّكَ الَّذِي خَلَقَ^۱ است

محمد بن اسحاق معروف بابن ابی یعقوب النذیم در کتاب خود « فوز العلوم » که به فهرست معروف است گوید .

روایت کرد بمن ابوالحسن محمد بن یوسف گفت که روایت کرد بما ابو عبدالله محمد بن غالب گفت روایت نمود بما ابو عبدالله بن حجاج مدینی که در سال ۱۲۹۹ از مدینه آمده بود گفت روایت کرد بما بکر بن عبدالوهاب مدینی ، گفت روایت کرد بما واقدی^۲ محمد بن عمر گفت روایت کرد بمن معمر بن راشد از زهری از محمد بن نعمان بن بشر گفت اول آیه‌ایکه از قرآن به پیغمبر (ص) نازل شد .

۱ - سورة علق

۲ - واقدی ابو عبدالله محمد بن عمر بن واقد نویسنده بزرگ وداننا بحديث و منازي (جنگها) بوده هارون الرشيد اورا تقرب داده و قضاوت بغداد را بوی واگذار نمود واقدی در ۲۰۷ در بغداد وفات یافت

اقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّكَ الَّذِي خَلَقَ^۱ تا عَلَّمَ الْإِنْسَانَ مَا لَمْ يَعْلَمْ

بوده ، شیخین از عایشه روایت کرده‌اند که رسول اکرم (ص) بحراء تشریف فرما میشد و شبهائی را در حراء درنگ مینمود و توشه با خود میبرد ، سپس برگشته و چند شبی را نزد خدیجه گذرانده برای شبهای دیگر توشه میگرفت ، تا اینکه ناگهانی در غار حراء نور حق بقلب پاک او تابیده و سروش غیبی بر او نازل شده ، گفت « اقرأ » یعنی بخوان رسول خدا گوید من باو گفتم من خواندن ندانم ، پس فرشته مرا گرفت و فشاری سخت داد که طاقت از من برد ، باز مرا رها نموده و گفت بخوان مجدداً گفتم من خواندن ندانم ، دیگر بار مرا گرفته بسختی فشار داد سپس رها نموده گفت بخوان ، گفتم ، من خواندن ندانم ، سوم بار مرا گرفته و بسختی فشار داد که طاقت از من رفت پس مرا رها کرد و گفت .

اقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّكَ الَّذِي خَلَقَ^۱ تا اینکه بکلمه مَا لَمْ يَعْلَمْ

رسید سپس رسول خدا در حالتیکه بدن او میلرزید نزد خدیجه برگشت « ابو عبیده » در « فضائل القرآن » گوید روایت کرد بما عبدالرحمن از « سفیان » از « ابن ابی نجیح » از « مجاهد » رضی الله عنه که گفت . اول آیه که از قرآن نازل شده .

اقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّكَ وَن وَالْقَلَمِ^۱ است

این آیه در کتاب مصاحف از عبید بن عمیر روایت نموده که گوید

جبرئیل پیاپیچہ خاص نزد رسول خدا نازل شده و گفت : بخوان
فرمود ، من خواندن ندانم ، گفت .

اقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّكَ

عقیده دارند اول سوره ای که از آسمان نازل شده این سوره بوده .

زهری نیز چنین از اخبار روایت کرده که رسول خدا در حراء
تشریف داشت که در این بین سرورش حق پیاپیچہ از دیبا که در آن نگاشته
شده بود .

اقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّكَ الَّذِي خَلَقَ تَامَالَهُمْ يَعْلَمُ

نازل نمود .

بعد از نزول آیه

اقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّكَ

تأمدت سه سال آیه از قرآن نازل نشد و این بزمان فترت وحی موسوم
شده سپس قرآن بر حضرتش بمروور زمان و آیه آیه نازل گردیده ، و این
طریقه نزول آیات باعث اعتراض مشرکین شد که قرآن باین موضوع اشاره
نموده و از آن اعتراض جواب داده و در سوره فرقان گوید .

وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لَوْلَا نُزِّلَ عَلَيْهِ الْقُرْآنُ جُمْلَةً وَاحِدَةً كَذَلِكَ

لُنُثِبَ بِهِ قُودُكُ وَرَتَلْنَاهُ تَرْتِيلًا

و نزول باین ترتیب و تکرار وحی و تابش نور علم بر دل پیغمبر
باعث آرامش و اطمینان قلب آن حضرت بود و میان آیه ای که دلالت بر
نزول قرآن بتدریج میکند و مانند آیه :

إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ وَ شَهْرَ رَمَضَانَ الَّذِي أُنْزِلَ فِيهِ الْقُرْآنُ

وَ إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ مُبَارَكَةٍ

است منافاتی نیست زیرا که بعضی آیات قرآن هم قرآن گفته
شده مانند کتاب احکمت آیاته^۱ بالاینکه در قرآن آیات متشابه نیز موجود
است .

علاوه بر این ممکن است که بگوئیم روح قرآن و اغراض کلیه ای که
قرآن مجید بآن توجه دارد در دل پاک پیغمبر (ص) در این شب یکجا
تجلی نموده که :

نَزَلَ بِهِ الرُّوحُ الْأَمِينُ عَلٰی قَلْبِكَ^۲

سپس بزبان مبارک کش آیه آیه و جدا جدا در طول سنوات ظهور نموده

وَ قُرْآنًا فَرَقْنَاهُ لِتَقْرَأَهُ عَلَى النَّاسِ عَلَى مُكْتٍ وَنُزْلَانًا تَنْزِيلًا

استقراء احادیث و واریسی بآن دلالت دارد که بیشتر قرآن آیه آیه نازل

شده و مثال آن در سوره های کوچک سوره (اقرء) است که اول آیه آن که نازل شده تا آیه (مالهم يعلم) بوده و سوره الضحی که اول آیه که از آن نازل گردیده تا آیه (فترضی) می باشد و بعضی از سوره قرآنی بتمامی در یکجا نازل شده مانند سوره (فاتحه و اخلاص - کوثر - تبت - لم یکن والنصر^۱ و مثالش در سوره های بزرگ^۲ والمرسلات^۳ است.

و نیز استقراء دلالت بر نزول آیه و ده آیه باهم دارد و نزول جمله ده آیه از اول « مؤمنین » و نزول « غیر اولی الضرر » بمنهایی که بعضی از آیه مبارکه « لَا یَسْتَوِی الْمُؤْمِنُونَ^۴ » است و نیز آیه

فَإِنْ خِفْتُمْ عِيْلَةً فَمَوْفٍ يَغْنِيْكُمْ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ إِنْ شَاءَ إِنْ اللَّهُ

عَلِيمٌ حَكِيمٌ

آیه مذکور بعد از نزول آیه که بعضی از آیه است نازل شده :

فصل چهارم

دوره نزول قرآن

دوره نزول قرآن بدو مدت متمایز تقسیم می شود . یکی قبل از

- ۱ - النصر در کتاب الاثقان تألیف حافظ جلال الدین سیوطی ذکر شده
- ۲ - در مستدرک از ابن مسعود است که گوید : ما با پیغمبر (ص) در غار بودیم که سوره والمرسلات عرفاً نازل شد من آنرا از دهان مبارک گرفتم اگر چه دهان مبارکشان بآن ترشد ولی ندانستم بکدام آیه ختم فرمود بآیه فبای حدیث بعده یومنون یا و اذا قبل لهم اركعوا لایرکعون^۳ - سوره براءه

هجرت نبوی (ص) و دیگری بعد از آن .

اول - در مدت اقامت آن حضرت در مکه که دوازده سال و پنج ماه و سیزده روز بود ، از ۱۷ رمضان سال ۴۱ که یوم الفرقان نامیده شده تا اول ماه ربیع الاول سال ۵۴ از ولادت آن حضرت (ص) و آیات و سوری که قبل از هجرت نبوی (ص) در مکه و نواحی آن فرود آمده مکی شمرده شد .

دوم - مدت نزول آن بعد از هجرت بمدینه و اگر در غیر مدینه هم نزول یافته مدنی بشمار آمده .

پس قسمت مدنی در حدود $\frac{11}{12}$ است .

ابوالحسن بن حصار در کتاب خود الناسخ والمنسوخ گوید سوره های مدنی باتفاق بیست سوره است و آنها که مورد اختلاف است دوازده و جز آن هر چه هست باتفاق مسلمین مکی است و آن بیست سوره عبارتند از :

- ۱ - بقره ۲ - آل عمران ۳ - النساء ۴ - المائدة ۵ - الانفال ۶ - التوبة
- ۷ - النور ۸ - الاحزاب ۹ - محمد (ص) ۱۰ - الفتح ۱۱ - الحجرات ۱۲ - الحديد ۱۳ - المجادلة ۱۴ - الحشر ۱۵ - الممتحنة ۱۶ - الجمعة ۱۷ - المنافقون ۱۸ - الطلاق ۱۹ - التحريم ۲۰ - اذا جاء نصر الله .

در تمام اینها جز در الانفال ابوبکر بن انباری^۱ موافقت دارد و

- ۱ - ابوبکر بن محمد بن قاسم بن محمد بن بشار انباری که عالم بقرآن و تفسیر و حدیث بوده و در سنه ۳۲۸ وفات نموده

ابوعبیده^۱ در فضائل القرآن خود موافق است مگر در الحجرات والجمعه والمنافقون وصاحب فهرست محمد بن اسحاق بر روایت محمد بن نعمان بن بشیر که در اول مانزل من القرآن ذکر گردید موافقت نموده جز در الاحزاب پس آن چیزی که متفق علیه بین این چهار نفر است که گفتار ایشان مورد اعتماد و اطمینان میباشد پانزده سوره است بطوریکه ابوالحسن در کتاب الناسخ والمنسوخ خود ذکر کرده .

و آنچه مورد اختلاف است پنج سوره است :

انفال که ابوبکر بن انباری در آن مخالفت نموده والحجرات والجمعه والمنافقون که ابوعبیده در فضایل القرآن مخالفت کرده والاحزاب که صاحب فهرست محمد بن اسحاق موافقت نموده .

فصل پنجم

در واداشتن نبی اکرم (ص) صحابه را بخواندن قرآن

حضرت نبی اکرم (ص) امی بود باین معنی که نمی خواند و نه

۱ - راجع این است که مولف کتاب فضایل القرآن ابوعبید قاسم بن سلام متوفی ۳۳۴ در مکه است زیرا که ابن الندیم در فهرست ضمن کتب مؤلفه در فضایل قرآن این کتاب را باو نسبت داده

این قول مشهور است و در این مورد دو قول دیگر است : یکی آن است که آنچه بمکه نازل شده مکی است و آنچه که در مدینه نازل نموده مدنی است دوم آنکه مکی آنها است که خطاب باهل مکه شده مدنی آن است که خطاب باهل مدینه گردیده

مینوشت و قرآن کریم در این موضوع تصریح نموده .

الَّذِينَ يَتَّبِعُونَ الرَّسُولَ النَّبِيَّ الْأُمِّيَّ الَّذِي يَجِدُونَهُ مَكْتُوبًا

عِنْدَهُمْ فِي التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ آيَةً

وَمَا كُنْتَ تَتْلُو مِنْ قَبْلِهِ مِنْ كِتَابٍ وَلَا تَخُطُّ بِيَمِينِكَ

إِذَا لَارْتَابَ الْمُبْطِلُونَ آيَةً

رسول اکرم (ص) بعد از نزول و حفظ آیه یا سوره آنرا بر مردم میرسانید و کسانی که بشرف صحبت او نائل شده و برای این کار شایسته بودند و ادار بخواندن نموده ، در حفظ آن امر میفرمود .

استقراء واحادیث وارده بطریق ثقات و معتمدین از رجال حدیث که کتب آنها مورد توجه و اعتماد مسلمین است : باین معنی دلالت دارد بخاری در صحیح خود یاسناد او از عروقه بن زبیر روایت کرده که مشور بن مخرمه و عبدالرحمن بن عبدالقادری روایت کردند ، که آنها شنیدند عمر بن الخطاب میگوید : شنیدم هشام بن حکیم سوره فرقان را در حیات رسول خدا (ص) میخواند من بقرئت او گوش داده دیدم بقرائتی میخواند که پیغمبر آنی قرئت را بمن یاد نداده بود من در حال نماز

خواستم که باو در آویزم، ولی تأمل نمودم تا سلام نماز داد، پس گریبان او را گرفته، گفتم، این سوره را که شنیدم میخوانی کی بتو یاد داد؟ گفت، پیغمبر این قرائت را بمن یاد داد، گفتم، دروغ میگوئی زیرا که رسول خدا مرا بقرائتی که غیر از این قرائت تو است یاد داده آنگاه او را نزد پیغمبر برده گفتم، شنیدم، که این شخص سوره فرقان را به قرائتی میخواند که من آنرا از تو نشنیدم، پیغمبر فرمود گریبان او را رها کن سپس بهشام فرمود، بخوان، هشام بر پیغمبر (ص) بطوریکه من آنرا شنیده بودم خواند پیغمبر (ص) فرمود بمن هم اینطور نازل شده پس فرمود، ای عمر، بخوان، من هم بطوری که او بمن یاد داده بود خواندم پیغمبر فرمود بمن هم اینطور نازل شده.

ان هذا القرآن انزل على سبعة احرف فاقروا ما تيسر منه

(یعنی که این قرآن بهفت حرف نازل شده پس بخوانید از آن بآنچه میتوانید و برای شما میسر است).

در بخاری گوید از شعیب بن سلمه رسیده که گفت عبدالله بن مسعود برای ما خطبه خوانده و بعد از آن گفت: بخدا سوگند که من از دهان پیغمبر (ص) هفتاد و چند سوره گرفتم و قسم بخدا که اصحاب پیغمبر (ص) میدانند من از ایشان بکتاب خدا داناتر در صورتیکه بهتر از ایشان نیستم. شیخ الطایفه امام محمد بن حسن طوسی^۱ فقیه در کتاب امالی خود

۱- شیخ طوسی - محمد بن حسن بن علی طوسی شیخ امامیه و از بزرگان

می گوید که: ابن مسعود، هفتاد سوره از نبی اکرم (ص) و باقی را از حضرت امیر المؤمنین علی بن ابیطالب (ع) یاد گرفته.

در مستدرک از ابن مسعود آمده که گوید، ما با رسول خدا (ص) در غار بودیم که **وَالْمُرْسَلَاتُ عُرْفًا** نازل شد پس من آنرا از دهان مبارک کش شنیدم، تا آخر حدیث.

ابو عبیده در فضایل خود روایت نموده و ابن جریر و ابن منذر و ابن مردویه از عمر بن عامر انصاری روایت کرده اند که عمر بن الخطاب خواند

و السابِقُونَ الْاَوَّلُونَ مِنَ الْمُهَاجِرِينَ وَ الْاَنْصَارِ الَّذِينَ اتَّبَعُوهُمْ

بِاِحْسَانٍ بَرَفِ الْاَنْصَارِ

و واو را به الذین نه پیوست پس زید بن ثابت باو گفت

وَالَّذِينَ اتَّبَعُوهُمْ بِاِحْسَانٍ

گفت عمر داناتر است، عمر گفت ابی بن کعب را بیاورید ابی حاضر شده عمر از وی پرسید، ابی گفت **وَالَّذِينَ اتَّبَعُوهُمْ** پس از آن هر يك اشاره به بینی یار خود بسر انگشت خویش نموده، ابی بن کعب گفت بخدا سوگند که پیغمبر (ص) این طور بمن یاد داد و تو آن

فقها و محدثین این طایفه و صاحب تهذیب و استبصار و من لایحضره الفقیه متولد در رمضان ۳۸۵ که بعراق رفته و نزد شیخ مفید محمد بن نعمان شاکردی نموده در محرم ۴۶۰ در نجف وفات یافت

وقت گندم میفرودختی ، عمر گفت ، بلی ، پس از قرائت ابی پیروی کرد .
در صحیح بخاری است که رسول خدا بابی بن کعب فرمود : خدا
بمن دستور داد ، که قرآن را بر تو بخوانم ، ابی گفت : آیا خدا اسم مرا
برده ؟ فرمود ، بلی ! واسم تو در نزد خدا مذکور است ، آنگاه دو چشم
ابی اشک آلود شد و نزد صحابه بچندین طریق مشهور بود چنانکه پیغمبر
(ص) فرموده **أَبِي أَقْرَأَ كُمْ** ابی از شما بخواندن قرآن دانایتر است .

این روایات دلالت دارد که پیغمبر (ص) قرآن کریم را بپزرگان
صحابه یاد داده و اهتمام می نمود که آن را حفظ کنند باندازه ای که به
ابی فرمود خدا بمن دستور داد ، قرآن را بر تو بخوانم و این روایات دلالت
دارد که صحابه پیغمبر (ص) اهتمام بخط نصوص آیات مبارکه داشتند
بحدی که زیاد شدن حرف واو مورد اهتمام بود ، در حالتیکه این کم و
زیاد بسا است که معنی را تغییر نمیدهد .

تنبيه

مراد بحروف هفتگانه هفت وجه برای معانی متفقه بالفاظ مختلفه
است مانند : اقبل - هلم - تعال - عجل - اسرع - اخر - امهل - امض
و اسر که از آنها معانی مانند فهمیده میشود و این همان وجهی است که
محمد بن جریر طبری در مقدمه تفسیر خود بر گزیده و گوید^۱ .

دلیل بصحت آنچه ما گفتیم چیزی است که از روایات ثابتۀ از عمر بن
الخطاب و عبدالله بن مسعود^۲ و ابی بن کعب گذشت که آنها درباره قرآن
اختلاف نموده و اختلاف آنها در لفظ و قرائت بود نه در معنی و برای
کشف حقیقت نزد پیغمبر رفته ، حضرت امر بخواندن هر يك فرموده
و گوش بقرائت آنها داد و قرائت مختلفه هر يك را تصویب نمود ، بعضی از
آنها تعجب کردند که پیغمبر (ص) چگونه قرائت مختلفه را تصویب فرمود
تا اینکه خود پیغمبر (ص) بآن کسی که تعجب میکرد فرمود .

إِنَّ اللَّهَ أَمَرَنِي أَنْ أَقْرَأَ الْقُرْآنَ عَلَى سَبْعَةِ أَحْرَفٍ

(یعنی خدا بمن فرمود که قرآن را بر هفت حرف بخوانم)

۱- ج ۱ ۲- عبدالله مسعود - عبدالله بن غافل بن حبیب هذیلی صحابی که
۸۴۸ حدیث نبوی را باو نسبت داده اند و در ۲۶ هجری وفات نموده مترجم شرح
حال او را در کتاب سوم مفتاح الاعلام خود نگاشته .

مفاد کلام پیغمبر (ص) باختلاف کنندگان در تلاوت .

إِنَّ اللَّهَ أَمَرَنِي أَنْ أَقْرَأَ الْقُرْآنَ عَلَى سَبْعَةِ أَحْرَفٍ

کشف میکند که هفت حرف همان الفاظ مختلفه بريك معنى است و نیز طبری در مقدمه تفسیر خود از ابی کریب از رجال او از عبدالرحمن بن ابی بکر از پدرش روایت کرده که پیغمبر فرمود جبرئیل بمن گفت که : قرآن را بريك حرف بخوان میکائیل گفت بزیاذه از آن بخوان و گفت که بردو حرف بخوان تابشش یا هفت حرف رسید ، پس از آن گفت که همه اینها شافی و کافی است مادامی که آیه عذاب بر رحمت یا آیه رحمت بعذاب ختم نشود مانند کلمه : هلم و تعال .

گواه این مدعا فهم فقها این معنی را از حدیث است .

ابن عبدالبر^۱ گوید که ابن وهب^۲ در کتاب الترغیب از جامع خود یاد نموده که به مالك گفته شد .

آیات تو تصویب میکنی ما این آیه را مانند عمر بن الخطاب بخوانیم

و بگوئیم .

۱ - ابن عبدالبر ابو عمر و جمال الدین يوسف بن عمر نمری حافظ متولد ۳۶۸ متوفی ۴۶۲ صاحب کتاب الاستدراك .

۲ - ابن وهب ابو محمد عبدالله بن وهب بن مسلم قریشی فقیه مالکی است که کتاب الموطاء را نوشته تولد او ۱۲۵ وفات او ۱۹۸ (مترجم)

فَامْضُوا إِلَى ذِكْرِ اللَّهِ^۱

گفت جایز است و گفت ، پیغمبر (ص) فرمود .

أَنْزَلَ الْقُرْآنَ عَلَى سَبْعَةِ أَحْرَفٍ فَأَقْرَأُوا مَا تيسر مِنْهُ

و این وجه همان است که عقل آنرا بعید نمیشمارد زیرا که اگر اختلاف در معنی بهفت وجه باشد و معنی بآن بیان و تعیین گردد آنوقت امر بجانب دوم معنی متضاد و مخالف یکدیگر منجر میگردد . پس با این وضع پیغمبر (ص) چگونه خلاف چیزی را که خدا از آیه خواسته جایز میشمارد با اینکه روایات زیاد دلالت دارد که پیغمبر (ص) قرائت ایشان را تصویب فرموده .

پوشیده نماند که آیه بدو معنی متضاد بیان و تفسیر نمیشود تا منجر بحلال شدن حرامی یا حرام شدن حلالی گردد ، در صورتیکه خدا فرماید .

وَلَوْ كَانَ مِنْ عِنْدِ غَيْرِ اللَّهِ لَوَجَدُوا فِيهِ اخْتِلَافًا كَثِيرًا^۲

اعمش از انس روایت کرده که او این آیه را بدینطور میخواند

إِنَّ نَاشِئَةَ اللَّيْلِ هِيَ أَشَدُّ وَطْأً وَأَصَوْبُ قِيَلًا

۱ - بجای فامضوا الى ذكر الله (سورة الجمعة) ،

۲ - سورة النساء ۳ - سورة المزمل

بعضی از قوم باو گفتند یا ابا حمزه در این آیه اقوم است جواب داد که : اقوم و اصوب و اهدی هر سه بیکمعنی است ، ممکن است که حدیث را بچیزی حمل نمود که محمد بن عبدالکریم شهرستانی^۱ در تفسیر خود نموده و گفته که در فرموده پیغمبر .

انزل القرآن علی سبعة احراف

آن جهاتی است که کلمات محتمل آن میشود و عبارت از اموری است که قرآن سبعة از اماله و اشمام و ادغام در آن اختلاف نموده اند .

صحابه وقتی آیها را از پیغمبر (ص) فرا می گرفتند یا سوره را از او تلقی مینمودند مکرر در خدمتش آمد و شد نموده و در حضورش میخواندند تا اینکه در حافظه خود بدزستی بسپارند و پس از عرض آن از پیغمبر (ص) میپرسیدند ، آیا بطوری که نازل شده حفظ کردم یا نه ؟ آنوقت پیغمبر (ص) ایشان را بر آن تثبیت مینمود .

حافظ ذهبی^۲ در « تذکرة الحفاظ » مینویسد : خارجه بن زید از پدرش روایت کرده که گفت : پیغمبر (ص) که بمدینه آمد من هفده سوره

۱ - شهرستانی ابوالفتح محمد بن ابی القاسم عبدالکریم بن احمد شهرستانی متکلم فقیه متولد ۴۶۷ متوفی ۵۴۸ که کتابی در تفسیر بنام مفاتیح الاسرار و مصابیح الانوار نوشته که تفسیری جلیل و نسخه خطی آن در کتابخانه مجلس شورای ملی ایران موجود است .

۲ - ذهبی محمد بن احمد بن عثمان صاحب سیر النبلاء و طبقات الحفاظ متوفی ۷۴۸

را خوانده بودم آنگاه در خدمت حضرت خواندم ، او از خواندن من خوشحال شده ، فرمود .

ای زید برای من خط یهود را بیاموز زیرا که من در نامه های خود از آنها ایمن نیستم .

زید گفت : من آن خط را در نیم ماه (۱۵ روز) بخوبی یاد گرفتم بعد از حفظ قرآن و استوار نمودن آن هر حافظی آنچه حفظ کرده بود نشر میداد و بکودکان تعلیم مینمود و نیز به پسران و کسانی که از اهل مکه و مدینه و کسانی که از اهل حرمین و اطراف حاضر نبودند یاد میدادند ، بدینجهت يك یا دو روز نمیگذشت مگر اینکه آنچه از قرآن نازل شده بود در سینه بیشتر از صحابه ضبط و محفوظ میشد ، حافظین و قراء آنچه را که از قرآن حفظ نموده بودند خدمت پیغمبر میخواندند و گاهی مقداری را با مر او خوانده ، حضرت استماع میفرمود .

از ابن مسعود است که گفت : پیغمبر (ص) بمن فرمود : از قرآن برای من بخوان ، من بسورة النساء شروع نموده خواندم تا باین آیه رسیدم فَكَيْفَ إِذَا جِئْنَا مِنْ كُلِّ أُمَّةٍ بِشَهِيدٍ وَ جِئْنَا بِكَ عَلَى هَؤُلَاءِ شَهِيدًا من دیدم که اشک از دو چشم حضرت جاری شد ، آنگاه فرمود برای من تا اینجا بس است .

۱ - امدی^۱ در کتاب « الافکار الابرار » خود مینویسد که قرانهای مشهور

۱ - امدی ابوالحسن علی بن ابی علی محمد بن سالم تغلبی فقیه اصولی

در دوره صحابه قرائت و بر پیغمبر (ص) عرض شده بود و مصحف عثمان بن عفان آخرین قرآن است که بر حضرت عرض شده و تا زمانیکه حیات داشت نماز را بآن قرائت میخواند.

ابن اشته در مصاحف و ابن ابی شیبہ در فضائل از طریق ابن سیرین^۱ از عبیدہ سلمانی روایت کرده که گفت: قرائتی که به پیغمبر در سال وفات او عرض شد، همان قرائتی است که امروزه میخوانند.

بغوی^۲ در شرح السنه میگوید که زید بن ثابت در عرضه اخیری که در آن آیات منسوخه معین و بیان شده حاضر بود و برای پیغمبر نوشته و در خدمتش خواند و تا هنگام وفات مردم را بخواندن آن تعلیم مینمود و بدین جهت ابوبکر و عمر باو اعتماد کرده و اطمینان داشتند.

زید بن ثابت قرآن را جمع نموده، عثمان نیز نوشتن مصاحف را در دوره خودش باو واگذار کرد.

پیغمبر (ص) جمعی از قراء را برای یاد دادن قرآن بمعدینه فرستاد

۱ - ابن سیرین معبر بصری - ابوبکر محمد بن سیرین که از فقهای بصره بوده و کتابی در تعبیر خواب نوشته و از روایات حدیث بشمار آمده مترجم نام و گزارش او را در کتاب دوم مفتاح الاعلام خود بتفصیل نگاشته ولادت او ۳۲۶ وفات ۱۱۰ هجری.

۲ - بغوی ابومحمد حسین بن مسعود بن محمد بن قراء شافعی صاحب التزیل و شرح السنه و المصابیح که مردی عابد و متعبد بود و باند کی قناعت مینمود وفات او در مرو ۵۱۶ هجری.

بخاری باسناد خود از ابی اسحق از برای روایت کرده که گفت: اول کسی که از یاران پیغمبر (ص) پیش ما آمد مصعب بن عمیر و ابن ام مکتوم بود، آنها آمده شروع کردند که قرآن را بما یاد بدهند پس از آن عمار و بلال آمدند و وقتی که پیغمبر (ص) مکه را فتح نمود معاذ بن جبل را برای تعلیم قرآن در آنجا گذاشت و هر کس که از مکه بمعدینه هجرت میکرد پیغمبر (ص) او را نزد یکی از حافظین قرآن میفرستاد تا قرآن یاد بدهد باین واسطه شماره حافظین قرآن در زمان پیغمبر (ص) زیاد شده و در همان زمان در بئر معونه قریب بهقتاد نفر از قاریان قرآن بقتل رسیدند.

بطوریکه سیوطی در اتقان بخبر صحیح گوید، کرمانی گفته کسانیکه در جنگ بئر معونه از صحابه کشته شدند و بآنها قاریان قرآن (قراء) میگفتند هقتاد نفر بودند، و در بسیاری از احادیث است که ابوبکر قرآن را در حیات پیغمبر (ص) حفظ نمود.

ابو عبیدہ در کتاب «القرارات» قاریان اصحاب پیغمبر را نام برده:

از مهاجرین: خلفای اربعه - طلحه - سعد - ابن مسعود - حذیفه

سالم - ابو هريره - عبدالله بن سائب - عبدالله - عایشه - حفصه و ام سلمه

۱ - از ابن حجر در کتاب اتقان نقل شده که ابوبکر قرآن را حفظ نموده بود
۲ - آنه عبدالله بن عمر بن خطاب متوفی ۷۴ هجری «تذکره الحفاظ» و عبدالله بن عمرو بن عاص نهیمی متوفی ۶۳ (کشف الظنون) و عبدالله بن عباس بن عبدالمطلب که به ترجمان القرآن ملقب شده و رسول خدا بر او دعا فرمود که خدا او را در دین فقیه نموده و علم تاویل قرآن عطا کند وفات او در طائف سال ۶۸ هجری (تذکره الحفاظ ذهبی) نسائی بسند صحیح از عبدالله بن عمر نقل کرده که گفت: من قرآن را شنیده و هر شب میخواندم این خبر بر رسول اکرم رسیده فرمود قرآن را در ماه بخوان (حدیث)

و از انصار عبادۀ بن صامت - معاذ که بابی حلیمه مکنی بود و مجمع بن جاریه - فضالة بن عبیدو مسلمة بن مخلد را از قارئین شمرده و تصریح نموده که بعضی از اینها حفظ قرآن را بعد از پیغمبر (ص) تکمیل کرده اند .

ابن ابی داود^۱ از آن جمله تمیم الداری و عقبه بن عامر را شمرده ، ابن سعد^۲ در طبقات روایت کرده که فضل بن ذکین بماخبر داد که ولید بن عبدالله بن جمیع بمن روایت کرد که گفت جدۀ ام از ام ورقه دختر عبدالله بن حارث روایت نمود که پیغمبر (ص) نزد او میرفت و او را شهیده مینامید و این زن قرآن را جمع نموده بود ، رسول اکرم بوی دستور فرمود که باهل خانه خود در نماز جماعت امامت نماید .

فصل ششم

در کتابت قرآن هنگام نزول بامر مقام رسالت

نویسندگان قرآن

برای پیغمبر اکرم (ص) نویسندگان بود که وحی را بخط معمول

۱ - ابن ابی داود سلیمان بن اشعث بن اسحق محدث و فقیه متوفی ۳۱۶ صاحب کتاب التفسیر و مصابیح و ناسخ و منسوخ (مترجم)

۲ - ابن سعد ابو عبدالله محمد بن سعد بن منیع زهری بصری صاحب کتاب طبقات الصحابة و التابعین متولد ۲۶۸ متوفی ۳۳۰ (مترجم)

آن زمان که خط نسخی بود مینوشتند و عده ایشان چهل و سه نفر بودند ، که از همه مشهورتر ، خلفای اربعه - ابوسفیان و پسران او معاویه و یزید و سعید^۱ بن عاص و دو پسر او ابان و خالد - زید بن ثابت - زبیر بن عوام طلحة بن عبیدالله - سعد بن ابی وقاص - عامر بن فہرہ - عبدالله بن ارقم عبدالله بن رواحه - عبدالله بن سعد بن ابی السرح^۲ - ابی بن کعب^۳ - ثابت - بن قیس - حنظلة بن ربیع - شرحبیل بن حسنہ - علاء بن حضرمی - خالد بن ولید - عمرو بن عاص - مغیره بن شعبه - معیقب بن ابی - فاطمة الدوسی - خدیفة بن الیمان - حویطب بن عبدالعزی عامری بوده از این نویسندگان دو نفر بیشتر ملازمت حضور و نوشتن قرآن را داشتند که آندو علی بن ابیطالب علیه السلام و زید بن ثابت بوده و از روایات ظاهر میشود که رسول اکرم (ص) اهتمامی زیاد بنوشتن قرآن می نمودند .

بخاری از براء روایت میکند که گفته وقتی که آیه .

۱ - شمس الدین سامی گوید که سعید بن عاص مردی فصیح اللسان و خوش خط بوده مصحف را در زمان عثمان نوشته و یکی از نویسندگان زمان خود بود ولادت او در سال اول هجرت صفحه ۲۵۲ قاموس الاعلام ترکی (حرف سین)

۲ - طبری در تاریخ خود روایت میکند که عبدالله بن سعد کاتب وحی بوده و بعد از اسلام ارتداد یافته و دوباره در روز فتح مکه باسلام برگشت

۳ - روایت شده که گفته اند : اول کسی که برای حضرت کتابت کرده ابی بن کعب بود و هر وقت که ابی حاضر نبود زید بن ثابت کتابت مینمود .

لَا يَسْتَوِي الْقَاعِدُونَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ غَيْرِ أُولِي الضَّرَرِ

وَالْمُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ

نازل شد، پیغمبر (ص) فرمود: زید را نزد من بخوانید که با قلم و دوات و کتف (استخوان شانه گوسفند) یا کتف و دوات بیايد، وقتی که زید شرفیاب شد، فرمود، بنویس.

لَا يَسْتَوِي الْقَاعِدُونَ الْخ

در گزارش اسلام عمر بن الخطاب است که مردی از قریش باو گفت اُخْتُكَ قَدْ صَبَّاتُ (یعنی که خواهرت از دین تو بیرون شد) عمر برگشته، بخواهر خود سیلی سخت زد که در روی او خراش پیدا شد، آنگاه که غضب او فرو نشست، نگاه کرده دید صحیفه در گوشه خانه است که در آن نگاشته شده.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ سَبَّحَ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَ

هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ تا قول خدا ان كنتم مؤمنين^۱

و صحیفه دیگری دید که در آن نوشته شده بود.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ طه ما انزلنا عليك القرآن لتشقي

تا قول خدا له الاسماء الحسنی^۲

۱ - سوره حدید ۲ - سوره طه

عمر بعد از آنکه بلاغت این آیات را فهمید، اسلام آورد، تمام این احادیث و روایات دلالت دارد که رسول اکرم (ص) بنویشتن قرآن اهتمامی زیاد می فرمود و قرآن در دوره حضرت بانهایت درستی و ضبط نوشته شده.

فصل هفتم

در آنچه که قرآن مجید در زمان پیغمبر (ص) بر وی

آن نوشته میشد

نویسندگان قرآن آیات را روی چوبه های نخله خرما و قطعات سنگ سفید و پارچه نگاشته و گاهی روی حریر و پوست و شانه های گوسفند و شتر بعد از آنکه عرب که آنها روی این اشیاء کتابت مینمودند آیات را می نوشتند و بر آنها صحف گفته میشد کتابت از اینگونه صحف برای پیغمبر (ص) نوشته و باو داده که حضرت آنها را در خانه خود میگذاشت محمد بن اسحق در فهرست میگوید، که قرآن در حضور پیغمبر در چوبه های نخل و تخته سنگهای سفید و شانه های شتر نوشته میشد بخاری از زید بن ثابت روایت نموده که گفت من قرآن را جستجو کرده و از روی چوبه های نخل و تخته سنگها و سینه مردمان جمع آوری نمودم. عیاشی^۱ در تفسیر خود ذیل روایتی که برای او است روایت نموده

۱ - عیاشی محمد بن مسعود بن محمد بن عیاش از بزرگان محدثین امامیه.

که تفسیر معروف به تفسیر عیاشی از او است و نسخه خطی آن وجود دارد ولیکن بعضی از اهل علم جهت رعایت اختصار اسناد را حذف و آنرا ناقص نموده.

که امیرالمومنین علی علیه السلام فرمود که پیغمبر (ص) بمن سفارش و وصیت فرمود وقتی که من بدن شریفش را بخاک سپردم از خانه خود بیرون نروم تا اینکه کتاب خدا را جمع و تألیف نمایم، زیرا که قرآن در آنوقت روی چوبه‌های نخل و استخوان شانه شتر نوشته شده بود.

در روایت علی بن ابراهیم^۱ از ابی بکر حضرمی از ابی عبدالله جعفر بن محمد علیه السلام است که رسول اکرم (ص) بعلی (ع) فرمود یا علی قرآن در پشت سر خوابگاه من در صحیفه‌ها و حریر و قرطاس‌ها است آن را جمع کنید و نگذارید که قرآن ضایع شود چنانکه یهود تورات را ضایع نمودند.

علی (ع) خود را باینکار واداشته و قرآن را در پارچه زردی جمع فرموده و سر آن را مهر نمود.

حارث مجاسبی در کتاب «فهم السنن» گوید که نوشتن قرآن آمده حادثی نبود زیرا که پیغمبر (ص) بنوشتن آن امر می‌فرمود ولیکن قرآن پراکنده و آیات و سوره‌ها جدا جدا در قطعات و شانه‌ها و صفحات سنگی و قرطاس‌ها بود. و روایاتی وارد شده که وضع آیات در جاهای خود در قرآن بامر مبارک پیغمبر بوده و این عمل با اشاره و امر مقام رسالت انجام می‌گرفت و این روایات نیز دلالت دارد، که آیات قرآن در حضور

۱ - علی بن ابراهیم بن هاشم قمی از ثقات محدثین امامیه صاحب کتاب تفسیر معروف است که در قرن سیم هجری میزیسته مؤلفاتی دارد

پیغمبر جمع و نوشته می‌شد^۱

فصل هشتم

در بیان نام کسانی که قرآن را در زمان پیغمبر (ص)

جمع آوری نموده‌اند

در زمان پیغمبر اکرم (ص) بعضی از صحابه تمام قرآن را جمع آوری نموده و بعضی از ایشان مقداری از قرآن را جمع و بعد از وفات آنحضرت تکمیل نمودند^۲.

محمد بن اسحق در فهرست می‌گوید جمع کنندگان قرآن در دوره رسول اکرم (ص) اینها بودند.

امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب^۳ - سعد بن عبید بن نعمان بن عمرو

۱ - خطائی گوید که قرآن در یکجا جمع نمیشد باین لحاظ بود که پیغمبر انتظار نزول ناسخ بعض احکام یا تلاوت آن داشت.

۲ - ابو عبیده در کتاب القراءات مینویسد که بعضی از ایشان قرآن را بعد از وفات رسول خدا تکمیل نمودند.

۳ - شهرت فضل و مقام رفیع و جلالت حضرت علی بن ابیطالب (ع) از ذکر سیرت و وصف کمال او بی‌نیاز است

بن زید^۱ - ابوالدرداء عویم بن زید^۲ - معاذ بن جبل بن اوس، ابو زید ثابت
بن زید بن نعمان^۳ ابی بن کعب بن قیس ملک امرء القیس عبید بن معاویه^۴
وزید بن ثابت .

بخاری در چهار شخص از اینها در یکی از روایات خود که از قتاده
روایت کرده موافقت نموده ، گوید که از انس بن مالک پرسیدم کی
قرآن را در زمان رسول اکرم (ص) جمع آوری نمود ، گفت چهار نفر
که همه از انصارند .

۱ - سعد بن عبید بن نعمان بن قیس بن عمرو بن زید انصاری اوسی است که
یکی از جمع کنندگان قرآن در عهد پیغمبر بوده و در روز قادیسیه سنه ۱۵ هجری
بسن ۶۴ سالگی بقتل رسید .

۲ - عویم بن زید ابوالدرداء عویم بن زید که او را حکیم این امت می گفتند
قرآن را از رسول اکرم فرا گرفته و حفظ نمود وفات او ۳۲ هجری بوده
۳ - معاذ بن جبل بن عمرو بن اوس در حدیث از رسول اکرم (ص) وارد شده
که معاذ در جلوعلمها هنگامی که در حضور پروردگار در آیند بمقام بلندی خواهد
بود او در طاعون سال ۱۸ در غور بسن ۳۵ سالگی تقریباً وفات نمود .

۴ - ابو زید ثابت بن زید انصاری عزالدین ابوالحسن جزری در اسد الغابة
گوید که عباس دوری گفته از یحیی بن معین شنیدم وقتی سوال از ابی زید شد که
گفته اند آنکه قرآن را در زمان پیغمبر جمع نموده کیست ؟ گفت ثابت بن زید .
ابو عمر گوید : غیر او را نمیدانم و گفته شده که جامع قرآن ابی زید سعد بن عبید
بن نعمان بوده قول راجح همان اولی است که موافق با قول صاحب فهرست و
مورد اعتماد است

۵ - عبید بن معاویه و گفته شده که عبید بن معاذ و نیز گفته شده عتیک بن
معاذ جزری چنانکه در اسد الغابة است

ابی بن کعب^۱ - معاذ بن جبل - زید بن ثابت - ابو زید در جای دیگر
بعوض ابی بن کعب ، ابی الدرداء روایت شده در اتقان وارد است ابن ابی
داود بسند حسن از محمد بن کعب قرطی روایت کرد که جامعین قرآن
پنج نفر بودند :

معاذ - عباد بن صامت^۲ - ابی بن کعب - ابوالدرداء - ابویوب
انصاری .

از ابن سیرین رسیده که آنها چهار نفر بودند - معاذ - ابی - ابو زید
- ابوالدرداء یا عثمان یا ابوا تمیم الداری بوده .

بیهقی و ابن ابی داود ، از شعبی روایت کرده اند که آنها شش نفر
بودند : ابی - زید بن ثابت^۳ - معاذ - ابوالدرداء - سعد بن عبید - ابو زید

۱ - ابی بن کعب بن قیس ابوالمنذر انصاری خزرجی است که بعد از علی
(ع) داناترین صحابه قرآن است و سید القراء بوده ، او قرآن را نزد رسول اکرم
خوانده و میان علم و عمل جمع نموده وفات او در مدینه سال ۲۲ هجری

۲ - عباد بن صامت بن قیس اخزم انصاری خزرجی سردار سپاه اسلام
در مصر قرآن را جمع نموده و او را عمر بن خطاب بعد از فتح شام جهت تعلیم
و فقه بآنجا فرستاد تا مردم شام قرآن و فقه بیاموزد وفات او در رمله ۳۴ یا
در بیت المقدس بوده .

۳ - زید بن ثابت بن ضحاک بن زید بن لوزان - وحی را از برای رسول
خدا (ص) می نوشت و قرآن را حفظ نموده و فرائض را استوار میکرد و با پیغمبر
سریانی یاد گرفته و بروایت واقدی از رجال خود - و روایت یحیی بن بکیر در
وفات او در ۴۵ و گفته اند که در ۵۴ یا ۵۵ بوده (تذکره الحفاظ ذهبی) طبرانی *

- مجمع بن جاریه .

خوارزمی در مناقب خود از علی بن رباح روایت میکند که گفت قرآن را در زمان پیغمبر (ص) علی بن ابیطالب (ع) و ابی بن کعب جمع آوری نمودند و از بعضی روایات ظاهر میشود که امیر المومنین علی علیه السلام قرآن را بترتیب نزول آن مرقوم فرمود و منسوخ را بر ناسخ مقدم نوشت .

ابن اشته در مصاحف از ابن سیرین روایت کرده که علی علیه السلام در مصحف خود ناسخ و منسوخ را نوشت ، ابن سیرین گوید : من در طلب آن برآمده و در این خصوص بمدینه نوشتم ولی بدست من نرسید . ابن حجر^۱ گوید : از علی (ع) رسیده که قرآن را بعد از وفات نبی اکرم (ص) بترتیب نزول جمع فرموده ، ابن داود هم این را روایت نموده در شرح کافی ملا صالح قزوینی از کتاب سلیم بن قیس هلالی نقل نموده که علی علیه السلام بعد از وفات پیغمبر (ص) ملازم خانه شده ،

و بیهقی و حاکم روایت نموده اند که شعبی گفت : زید بن ثابت بر جنازه نماز نموده امشرا او را برای سواری نزدی آوردند ، ابن عباس آمده رکاب او را گرفت زید گفت : واگذار آنرا ای پسر عم پیغمبر (ص) . ابن عباس گفت بما امر شده که نسبت بعلماء و کبراء چنین رفتار کنیم زید بن ثابت دست او را بوسیده ، گفت ، بما هم اینطور امر شده که نسبت بخانواده رسالت چنین رفتار نمایم - حاکم گوید این اسناد صحیح و بشرط محدث مسلم است و مراد بکبراء اشخاص مسن و پیران است در کتاب الابداع صفحه ۹۹

۱ - سیوطی قول او را در الاقان نقل نموده .

اقبال بجمع و تألیف قرآن فرمود و از منزل بیرون نیامد تا تمام قرآن را جمع آوری نمود و بترتیب نزول ناسخ و منسوخ و محکم و متشابه قرآن را مرقوم فرمود .

شیخ امام محمد بن محمد بن نعمان مفید^۱ در کتاب «الارشاد» و رساله «السرویه» مینویسد که علی علیه السلام در مصحف خود منسوخ را بر ناسخ مقدم فرموده و در آن تاویل بعضی آیات و تفسیر آن را بتفصیل نوشت .

شهرستانی در مقدمه تفسیر خود میگوید : صحابه متفق بودند که علم قرآن مخصوص اهل بیت پیغمبر (ص) بوده زیرا که ایشان از حضرت علی بن ابیطالب علیه السلام میپرسیدند ، آیا شما خانواده رسالت بعد از قرآن بچیزی اختصاص یافته اید یا نه ؟

پس استثناء قرآن و تخصیص آن بایشان دلیل بر اجماع آنهاست که قرآن و علم و تنزیل و تاویل آن مختص بخانواده رسالت است .

۱ - مفید از بزرگان علمای شیعه امامیه و استاد شریفین سید مرتضی علم الهدی و سید رضی بوده :

فصل نهم

در تاریخ نزول سوره‌ها

در این باب من بکتاب « نظم الدرر و تناسق الايات والسور » تألیف (ابراهیم بن عمر بقائی ^۱) طبع مصر و کتاب فهرست ابن الندیم طبع مصر و کتاب ابی القاسم عمر بن محمد عبدالکافی چنانکه ذکر شد اعتماد نمودم و استاد نولدکه ^۲ Noldke در کتاب خود « تاریخ القرآن » « des cheefte der Qeran » از آن نقل نموده و گوید که کتاب (ابی القاسم) در کتابخانه (Cod Lugd 674 Warn) موجود است .

۱ - ابراهیم بقاعی برهان‌الدین ابواسحق ابراهیم بن عمر بقاعی شافعی متولد ۸۰۹ و متوفی در دمشق صاحب (کتاب سر الروح) که در کتاب پنجم (مفتاح الاعلام) مترجم نام مولفات او مسطور است . مترجم

۲ - نولدکه پروفسور تئودر نولدکه آلمانی مستشرق بزرگ معبر که متخصص در زبان سامی و لغات شرقی و آرامی بوده و نود و پنجسال زندگانی نموده ولادت او ۱۸۳۶ و وفاتش ۱۹۳۱ است او را خدماتی زیاد از ترجمه و نشر نسبت به معارف اسلامی و علم و ادب شرق است که شرح آن در (فرهنگ خاورشناسان) مترجم مسطور است .

تاریخ نزول سوره‌ها

شماره	سوره‌های مکی	سوره‌های مدنی	تاریخ نزول
۱	الحمد		که بعد از سوره المدثر نازل شده
۲		بقره باستثنای آیه ۲۸۱	اول سوره ایست
		سپس بمنی در حجة الوداع نزول یافته	که بمدینه نزول نموده
۳		آل عمران	بعد از انفال
۴		النساء	بعد از الممتحنة
۵		مائده باستثنای آیه ۳ که در عرفات در حجة الوداع نزول نموده	بعد از الفتح
۶	سوره انعام باستثنای آیات ۲۰ و ۲۳ و ۹۱ و ۹۳ و ۱۱۴ و ۱۴۱ و ۱۵۱ و ۱۵۲ و ۱۵۳ که در مدینه نزول نموده		بعد از الحججر
۷	الاعراف مگر از آیه ۱۶۳ تا انتهای آیه ۱۷۰ که مدنی است		بعد از ص نزول یافته
۸		الانفال جز از آیه : ۳۰ تا انتهای آیه ۳۶ که مکی است	بعد از سوره بقره نزول یافته
۹		التوبة جز دو آیه که مکی است	بعد از سوره مائده
۱۰	یونس جز آیات ۴۰ و ۹۴ و ۹۵ و ۹۶ که مدنی است		بعد از سوره اسراء

تاریخ نزول سوره‌ها

شماره	سوره‌های مکی	سوره‌های مدنی	تاریخ نزول
۱۱	هود جز آیات: ۱۲ و ۱۷ و ۱۱۴ که مدنی است		بعد از یونس
۱۲	یوسف جز آیات: ۱ و ۲ و ۳ و ۷ که مدنی است		بعد از هود
۱۳	ابراهیم جز دو آیه ۲۸ و ۲۹ که مدنی است	الرعد	بعد از سوره محمد بعد از نوح
۱۵	الحجر جز آیه ۸۷ که مدنی است		بعد از یوسف
۱۶	النحل جز آیات سه گانه آخر آن		بعد از کهف
۱۷	الاسراء جز آیات: ۲۶ و ۳۲ و ۳۳ و ۵۷ و از آیه ۷۳ تا انتهای آیه ۸۰ که مدنی است		بعد از القصص
۱۸	الکاف جز آیه ۲۸ و از آیه ۸۳ تا انتهای آیه ۱۰۱ که مدنی است		بعد از الغاشیه
۱۹	مریم جز دو آیه ۵۸ و آیه ۷۱ که مدنی است		بعد از سوره قاطر
۲۰	طه - مگردو آیه ۱۳۰ و ۱۳۱ که مدنی است		بعد از سوره مریم

تاریخ نزول سوره‌ها

شماره	سوره‌های مکی	سوره‌های مدنی	تاریخ نزول
۲۱	الانبیاء		بعد از ابراهیم
۲۲	الحج جز آیات ۵۲ و ۵۳ و ۵۴ و ۵۵ که بین مکه و مدینه نزول نموده		بعد از سوره نور
۲۳	المؤمنون		بعد از انبیاء
۲۴	الفرقان جز آیات ۶۸ و ۶۹ و ۷۰ که در مدینه نازل شده	النور	« الحشر « یس
۲۶	الشعراء جز آیه ۱۹۷ و از ۲۲۴ تا آخر سوره که مدنی است		بعد از سوره واقعه نزول نموده
۲۷	النمل		بعد از الشعراء
۲۸	قصص جز آیه ۵۲ تا انتهای آیه ۵۵ که مدنی است و آیه ۸۵ که در جحفه موقع هجرت نزول نموده		بعد از سوره نمل نازل شده
۲۹	عنکبوت جز از آیه ۱ تا ۱۱ که مدنی است		بعد از روم
۳۰	سوره روم جز آیه ۱۷ که مدنی است		بعد از انشقاق نازل گردیده

تاریخ نزول سوره‌ها

شماره	سوره‌های مکی	سوره‌های مدنی	تاریخ نزول
۳۱	لقمان بغیر از آیات ۲۷ و ۲۸ و ۲۹ که مدنی است		بعد از صافات
۳۲	سوره سجده جز از آیه ۱۶ تا انتهای آیه ۲۰ که مدنی است		بعد از سوره مومنون
۳۳		الاحزاب	بعد از سوره آل عمران
۳۴	سبأ جز آیه ۶ که مدنی است		بعد از سوره لقمان
۳۵	فاطر		بعد از سوره فرقان
۳۶	یس باستثنای آیه ۴۵ که مدنی است		بعد از سوره جن نزول نموده
۳۷	صافات		بعد از انعام نزول نموده
۳۸	ص		بعد از قمر نزول نموده
۳۹	سوره زمر باستثنای آیات ۵۲ و ۵۳ و ۵۴ که مدنی است		بعد از سوره سبا نازل شده
۴۰	مجادله جز دو آیه ۵۶ و ۵۷ که مدنی است		بعد از الزمر نزول نموده
۴۱	سوره فصلت		بعد از غافر

تاریخ نزول سوره‌ها

شماره	سوره‌های مکی	سوره‌های مدنی	تاریخ نزول
۴۲	سوره شوری جز آیات ۲۳ و ۲۴ و ۲۵ و ۲۷ که مدنی است		بعد از فصلت نزول نموده
۴۳	سوره زخرف جز آیه ۵۴ که مدنی است		بعد از شوری نازل شده
۴۴	سوره دخان		بعد از زخرف
۴۵	سوره جاثیه جز آیه ۱۴ که مدنی است		بعد از دخان نزول نموده
۴۶	احقاف جز آیات ۱۰ و ۱۵ و ۳۵ که مدنی است		بعد از جاثیه
۴۷		محمد (ص) جز آیه ۱۳ که در بین راه هنگام هجرت نازل شده	بعد از حدید
۴۸		الفتح نزول آن در راه موقع برگشتن از حدیبیه بود	بعد از سوره جبهه نازل شده
۴۹		حجرات	بعد از مجادله
۵۰	سوره ق جز آیه ۳۸ که مدنی است		بعد از المراسلات نازل شده
۵۱	سوره الذاریات		بعد از احقاف
۵۲	سوره الطور		بعد از سجده

تاریخ نزول سوره‌ها

شماره	سوره‌های مکی	سوره‌های مدنی	تاریخ نزول
۵۳	سوره نجم جز آیه ۳۲ که مدنی است		بعد از الاخلاص
۵۴	سوره القمر جز آیات ۴۴ و ۴۵ و ۴۶ که مدنی است		بعد از الطارق
۵۵		الرحمن	بعد از سوره رعد
۵۶	سوره الواقعة جز دو آیه ۸۱ و ۸۲ که مدنی است		بعد از سوره طه
۵۷		الحديد	بعد از زلزله
۵۸		المجادلة	بعد از المنافقون
۵۹		الحشر	بعد از البقرة
۶۰		الممتحنة	بعد از احزاب
۶۱		الصف	بعد از سوره تغابن
۶۲		الجمعة	« « صف
۶۳		المنافقون	« « حج
۶۴		التغابن	« « تحریم
۶۵		الطلاق	« « انسان
۶۶		التحریم	« « حجرات
۶۷	الملک		« « طور

تاریخ نزول سوره‌ها

شماره	سوره‌های مکی	سوره‌های مدنی	تاریخ نزول
۶۸	القلم غیر از آیه ۱۷ تا آخر آیه ۳۳ و از آیه ۴۸ تا آخر آیه ۵۰ که مدنی است		بعد از سوره علق
۶۹	الحاقة		« « ملک
۷۰	المعارج		« « حاقه
۷۱	نوح		« « نعل
۷۲	الجن		« « اعراف
۷۳	المزمل غیر از آیه ۱۰ و ۱۱ و ۲۰ که مدنی است		« « قلم
۷۴	المدثر		« « مزمل
۷۵	القيمة		« « قارعه
۷۶		الانسان	« « الرحمن
۷۷	المرسلات غیر از آیه ۴۸ که مدنی است		« « همزة
۷۸	النباء		« « معارج
۷۹	النازعات		« « النباء
۸۰	عبس		« « نجم
۸۱	التكوير		« « مسد

تاریخ نزول سوره‌ها

شماره	سوره‌های مکی	سوره‌های مدنی	تاریخ نزول
۸۲	الانفطار		بعد از سوره نازعات
۸۳	المطففين آن آخر سوره - ایست که دومکه نازل شده		« عنكبوت
۸۴	الانشقاق		« انفطار
۸۵	البروج		« شمس
۸۶	الطارق		« بلد
۸۷	الاعلى		« تکویر
۸۸	سوره الفاشیه		« الذاریات
۸۹	سوره الفجر		« اللیل
۹۰	سوره البلد		« ق
۹۱	سوره الشمس		« قدر
۹۲	سوره اللیل		« اعلى
۹۳	سوره الضحی		« فجر
۹۴	سوره الم نشرح		« ضحی
۹۵	سوره التین		« بروج
۹۶	سوره العلق که اول سوره		
۹۷	ایست که از قرآن نازل شده		
۹۸	سوره القدر		
۹۹		البینه	« عیس « طلاق

تاریخ نزول سوره‌ها

شماره	سوره‌های مکی	سوره‌های مدنی	تاریخ نزول
۹۹		الزلزله	بعد از سوره نساء
۱۰۰	سوره العاديات		« عصر
۱۰۱	سوره القارعة		« قریش
۱۰۲	سوره التكاثر		« کوثر
۱۰۳	سوره العصر		« الم نشرح
۱۰۴	سوره الهزّة		« قیمة
۱۰۵	سوره الفیل		« کافرون
۱۰۶	سوره قریش		« تین
۱۰۷	سوره الماعون سه آیه اول آن و باقی مدنی است		« تکاثر
۱۰۸	سوره الکوثر		« عادیات
۱۰۹	سوره الکافرون		« ماعون
۱۱۰		النصر که در منی در حجة الوداع نازل شده و مدنی بشمار آمده	و آن آخر چیزی است که از سوره ها نازل شده
۱۱۱	سوره المسد (تبت)		بعد از فاتحه
۱۱۲	سوره الاخلاص		« ناس
۱۱۳	سوره الفلق		« فیل
۱۱۴	سوره الناس		« فلق

فصل دهم

ترتیب نزول قرآن در مکه و مدینه

بنا بطریقی که ابن الندیم^۱ یاد نموده بروایت خود از (محمد بن نعمان بشیر^۲) قول اورا بیان مینمایم زیرا که آن سندی قدیم و مورد اعتماد است و نیز بین آنچه او از ترتیب نگاشته با ترتیبی که در کتاب (ابراهیم بن عمر بقاعی) و کتاب (ابی القاسم عمر بن محمد بن عبدالکافی است) چنانکه استاد نولدکه (Noldekeh) از او نقل نموده کمی اختلاف است که گوید.

اول چیزی که از قرآن بر پیغمبر (ص) در مکه نازل شده اینها است

۱	اقرأ باسم ربك الذي خلق	۴	پس از آن المدهثر
	تاقول او علم الانسان ما لم يعلم	۵	از مجاهد روایت شده که گفت ثبت یدایم لب نازل شده
۲	پس از آن ن و القلم		
۳	یا ایها المزمّل که آخر آن در راه مکه نزول نموده	۶	پس از آن اذ الشمس کورت
		۷	« سبح اسم ربك الاعلی

۱ - فهرست ص ۳۷ طبع مصر

۲ - ما اسناد روایت را در فصل اول چیزی که از قرآن نازل شده بیان

نمودیم

۸	پس الم نشرح لك صدرك	۲۳	پس از آن عبس وتولى
۹	« والعصر	۲۴	« انا انزلناه
۱۰	« والفجر	۲۵	« والشمس والضحیها
۱۱	« والضحی	۲۶	« والسماء ذات البروج
۱۲	« واللیل	۲۷	« والتین والزیتون
۱۳	« والعادیات ضحیاً	۲۸	« لایلاف قریش
۱۴	« انا اعطیناک الکوثر	۲۹	« القارعه
۱۵	« آلهیکم التکائر	۳۰	« لا اقسم بیوم القیمه
۱۶	« ارایت الذی	۳۱	« ویل لكل همزة لمزة
۱۷	« قل یا ایها الکافرون	۳۲	« المرسلات
۱۸	« الم تر کیف فعل ربک باصحاب الفیل	۳۳	« ق والقرآن
۱۹	« قل هو الله احد	۳۴	« لا اقسم بهذا البلد
۲۰	« قل اعوذ برب الفلق	۳۵	« الرحمن
۲۱	« قل اعوذ برب الناس وگفته شده که آن مدنی است	۳۶	« قل اوحی
۲۲	پس از آن والنجم	۳۷	« یس
		۳۸	« آلص
		۳۹	« تبارک الذی نزل الفرقان
		۴۰	« الملائکه

۴۱	پس الحمد لله فاطر	۵۸	پس الزمر
۴۲	« مریم »	۵۹	« حم المؤمن »
۴۳	« طه ما انزلنا »	۶۰	« حم السجده »
۴۴	« اذا وقعت الواقعة »	۶۱	« جمعق »
۴۵	« طسم الشعراء »	۶۲	« حم الزخرف »
۴۶	« طس نزول یافته »	۶۳	« حم الدخان نازل شده »
۴۷	« طسم آخر »	۶۴	« حم الشریعه »
۴۸	« بنی اسرائیل »	۶۵	« حم احقاف که در آن
۴۹	« هود »		آیه مدنی است
۵۰	« یوسف »	۶۷	« والذاریات »
۵۱	« یونس »	۶۸	« هل اتیک حدیث الغاشیه »
۵۲	« الحجر »		« كهف که آخر آن
۵۳	« الصافات »		مدنی است
۵۴	« لقمان که آخر آن مدنیست »	۶۹	« انعام که در آن آیه
۵۵	« قد افلح المؤمنون »		مدنی است
۵۶	« سبا »	۷۰	« النحل که آخر آن
۵۷	« الانبیاء »		مدنی است
		۷۱	« نوح »

۷۲	پس ابراهیم	۸۳	پس العنکبوت
۷۳	« السجده »	۸۴	« ویل للمطققین و گفته
۷۴	« الطور »		شده که مدنی است
۷۵	« تبارک الذی یدیه المملک »	۸۵	« اقتربت الساعه »
۷۶	« الحاقه »		وانشق القمر
۷۷	« سئل سائل »	۸۶	« والسماء والطارق »
۷۸	« عم یسائلون »	۸۷	گوید حدیث نمود بمن شوری
۷۹	« النازعات »	۸۸	از فراس از شعبی که گفت :
۸۰	« اذالسماء انقطرت »	۸۹	سوره نحل بمکه نازل شد بغیر
	نزول نموده		از این آیات :
۸۱	« اذالسماء انشقت »		وان عاقبتهم فعاقبوا بمثل ما
۸۲	« الروم »		عوقبتهم به

در فهرست گوید (ابن جریج) از عطاء خراسانی از ابن عباس
روایت کرده که گفته : در مکه ۸۵ سوره و در مدینه ۲۸ سوره نزول
نموده و در مدینه بدینگونه نازل شده .

۹۰	بقره	۱۰۴	پس اذا جاء نصر الله والفتح
۹۱	پس انفال	۱۰۵	« نور »
۹۲	« اعراف »	۱۰۶	« سوره حج »
۹۳	« آل عمران »	۱۰۷	« سوره منافقون »
۹۴	« ممتحنه »	۱۰۸	« مجادله »
۹۵	« نساء »	۱۰۹	« حجرات »
۹۶	« اذا زلزلت »	۱۱۰	« يا ايها النبي لم تحرم »
۹۷	« حدید »	۱۱۱	« جمعه »
۹۸	« الذين كفرو »	۱۱۲	« تغابن »
۹۹	« رعد »	۱۱۳	« حوارین »
۱۰۰	« هل اتی علی الانسان »	۱۱۴	« فتح »
۱۰۱	« يا ايها النبي اذا »	۱۱۵	« مائده »
	طلقتكم النساء	۱۱۶	« توبه »
۱۰۲	« لم يكن الذين كفروا »		گفته شده است که معوذتین
۱۰۳	« سوره حشر »		در مدینه نازل گردیده

انتهی

از آنچه گذشت معلوم شد که قرآن در دوره پیغمبر (ص) در حضور آن حضرت روی چوبه‌های نخل و شانه‌ها و حریر نوشته میشد .

حاکم بسند خود بشرط شیخین (اصلاحی در علم حدیث است از (زید بن ثابت) روایت نموده که گوید : ما خدمت رسول خدا (ص) بودیم و قرآن را از روی قطعات جمع و تألیف مینمودیم و این تألیف عبارت از ترتیب آیات بود که بموجب راهنمایی و دستور مبارک پیغمبر هر کدام بمؤرخ خود انجام میگرفت ، ولیکن صفحات مکتوبه پراکنده و متفرق بود بدینجهت رسول اکرم (ص) - بعلی (ع) - امر در جمع آن فرموده و بیم از متناهی و فساد آن داد .

چنانکه روایت (علی بن ابراهیم قمی) بر آن دلالت دارد و قرآن در سینه مردمان محفوظ بود و گروهی از صحابه تمام آن را بطوری که از پیغمبر (ص) شنیده بودند محفوظ داشتند .

در حادثه بشر موعونه در سال چهارم هجرت جماعتی که عدد آنها نزدیک بهفتاد نفر بوده و آنها را قراء می نامیدند بقتل رسیدند .

باب دوم

فصل اول

قرآن در زمان ابی بکر و عمر

وقتی که پیغمبر (ص) وفات یافت و روح پاکش بخوشی و شادمانی بجوار رحمت حق پیوست و ابوبکر بن ابی قحافه عهده دار امور مسلمین گردید، اینوقت مسیلمه در یمامه سال اول خلافت ابی بکر پیدا شده ادعای پیغمبری نمود، ابوبکر برای نبرد و جنگ او سپاهی که مرکب از عده قراء و حافظین قرآن و دیگران بود روانه کرد و در این جنگ که فتح و ظفر نصیب مسلمین گردیده و مسیلمه بقتل رسید در چنین جنگی گروهی از قراء قرآن کشته شدند، عمر بن الخطاب در آنوقت وجوب جمع تألیف قرآن را احساس نمود.

در اتفاق از (ابن ابی داود) بطریق حسن روایت شده که عمر از آیه از آیات کتاب خدا پرسش نمود، باو گفتند که با فلان بود که در روز یمامه کشته شد، عمر گفت: انالله! پس از آن امر نمود که قرآن را جمع آوری کنند، و او اول کسی است که قرآن را جمع آوری نموده (۱)

۱- در قطعات پوست دباغی شده

بخاری باسناد خود از (عمید بن ساق) روایت کرده که (زید بن ثابت) گفت: ابوبکر بعد از کشتار اهل یمامه نزد من فرستاد آنوقت عمر بن الخطاب نزد او بود، ابوبکر گفت: عمر بمن خبر داده که جنگ در روز یمامه برای قاریان قرآن شدید بود، باینمعنی که بسیاری از ایشان بقتل رسیدند و بیم آن دارم که کشتار در بسیاری از مواقع شدت پیدا کند و در برابر آن بسیاری از قراء قرآن کشته شوند قسمت زیادی از قرآن از میان برود. من عقیده دارم که تو امر کنی قرآن را جمع و تألیف نمایند. من بعمر گفتم: چه خواهی کرد (بروایت بخاری) و چه بکنم، (بروایت محمد بن اسحق) بآنچه که رسول خدا نکرده.

عمر گفت: بخدا قسم که این کار خیر است و همیشه بمن مراجعه مینمود تا خداوند سینه مرا برای این کار گشوده و بمن شرح صدر عنایت فرمود و رأی من موافق رأی عمر شد.

زید گوید: ابوبکر گفت: تو مردی جوان و عاقلی و ما تو را متهم نمیدانیم، تو کاتب وحی رسول خدا بودی. بدینجهت قرآن را جستجو نموده جمع آوری کن، قسم بخدا که اگر بمن تکلیف میکردند که کوهی از کوهها را از جای خود بجای دیگر حرکت بدهم برای من سنگین تر از آن نبود که مرا بجمع قرآن امر کردند، گفتم: چگونه کاری کنی که رسول خدا آنرا نکرده، گفت قسم بخدا که آن کار خیر است.

پس همیشه ابوبکر بمن مراجعه مینمود تا اینکه خدا سینه مرا
 بچیزی که سینه ابی بکر و عمر را بآن گشوده بود شرح نمود و در
 جستجو برآمدم که قرآن را از روی شاخه های نخله خرما و قطعات
 سنگ سفید و سینه های مردان جمع آوری نمایم . تا اینکه آخر سوره
 توبه را نزد ابی خزیمه انصاری یافتیم که نزد غیر آن نیافته بودم ،
 لقد جاءكم رسول من انفسكم غریز علیه ما عنتم حریص تا آخر^۱
 از روایت معلوم میشود که ابوبکر بیم داشت و نمی خواست کاری
 کند که رسول اکرم نکرده و آن بواسطه شدت پیروی و تبعیت از رفتار
 پیغمبر (ص) بود ، پس از آن عمر اجتهاد نموده ، گفت ، بخدا سوگند
 این کار خیر است ، یعنی صلاح امت است ، زیرا که قرآن اساس معالم
 دین اسلامی است و همچنین زید بن ثابت از کاری که رسول خدا کرده
 بود باو امتناع نموده بیم داشت که بدعت در دین پیدا شود گوید ظاهر
 روایت این است که انکار آندو راجع بجمع قرآن میشود با اینکه قرآن
 بر حسب روایت و گفته های گذشته در حضور نبی اکرم (ص) جمع آوری
 شده بود ولیکن تأمل صادق وشواهد میفهماند که پیشنهاد عمر در جمع
 قرآن برای جمع آوری و تنظیم آن در ورق بود تا این درجه که صحابه
 بواسطه شدت احتیاط و فروتنی ایشان در برابر مقام رسالت میترسیدند
 که این کار بدعت شمرده شود ، عمر جواب داد که در آن خوشنودی
 پیغمبر و صلاح امت است .

در اتفاق از مغازی (موسی بن عقبه) از ابن شهاب رشیده است که
 گفت وقتی مسلمین دریمامه بدرجه شهادت رسیدند ابوبکر بيميناك شد
 که دسته از آیات قرآن از میان برود ، لذا مردم بامر او آنچه از آیات
 قرآن نزد ایشان بود یا حفظ داشتند آورده تا اینکه قرآن در دوره
 ابی بکر روی ورق جمع گردید و ابوبکر اول کسی است که قرآن را در
 مصحف جمع نموده ؟ پس از آن عمر در مدینه اعلان کرد که هر کس
 چیزی از قرآن را از پیغمبر (ص) فرا گرفته بیاورد ، ابوبکر بعمر و
 زید گفت و بر در مسجد بنشیند هر کس برای شما آیات قرآن را بادو
 شاهد آورد شما آن را بنویسید و آنچه بگمان نزدیکتر است آن است
 که دو شاهد گواهی میدادند که آنچه را آورده اند از جمله چیزهایی
 بوده که به پیغمبر (ص) در سال وفات در عرضه اخیر عرض و در حضور
 آن حضرت نوشته شده بود و بدینجهت زید بن حارث گفت : من آخر
 سوره براءه را نزد ابی خزیمه یافتیم و نزد غیر او نبود .

در اینجا اگر توجه شود نیافتن آیه صحتی ندارد زیرا که زید
 قرآن را جمع کرده و حفظ داشت و از طرفی او همه قرآنرا از پیغمبر
 گرفته بود ، زید گفته ابی خزیمه را قبول کرده بجهت اینکه پیغمبر (ص)
 شهادت او را بمنزله شهادت دو نفر قرار داده بود ولی عمر که آیه رجم
 را آورد آن آیه نوشته نشد ، زیرا که عمر آیه مذکور را تنها آورده بوده
 بر حسب بعضی از روایات نسخه از قرآن در چوبه شاخه خرما

و حریر و شانه نوشته شده و در خانه رسول اکرم (ص) وجود داشت .
این جمع عبارت از گرد آوردن آیاتی بود که روی شانه‌ها و
چوب‌ها و روی قطعات سنگ سفید نوشته شده بود و عمر دستور داد که
روی ادیم (پوست دباغی شده) نوشتند ابن حجر در روایت عماد بن غزیه
گوید ، که زید بن ثابت گفت : ابوبکر بمن امر کرد که قرآن را
در قطعات پوست نوشته و این قرآن نزد ابوبکر بود تا وفات نمود ، پس
از آن نزد عمر هم در زندگانی او بود پس از آن نزد حفصه دختر
عمر بوده .

عمر : گفت در مصاحف ما جز جوانان قریش و ثقیف املا
نکنند عثمان گفت : املا کنند را از هذیل و کاتب را از ثقیف قرار
دهید^۱ .

فصل دوم

قرآن در زمان عثمان

پیش گفته شد که صحابه بعضی کلمات قرآن را با لفظ مختلفه
می خواندند که دلالت بر يك معنی مینمود مانند :

۱- المزهر ج ۱ ص ۱۳۷

امض و اسر - عجل و اسرع - اخر و امهل

عمر خواند : فامضوا الى ذکر الله انس خواند : ان ناشئة الليل هي اشد
وطأ واصوب قیلا و این اختلاف بنظر آنها معنی قرآن را تغییر نمیداد
و بدینجهت پیغمبر قرائتهای ایشان را با اختلاف الفاظ تصویب فرمود و
بعد از پیغمبر این اختلاف در دوره ابی بکر رو باز یاد نهاد و در عهد
عثمان شدت گرفت بطوریکه معلمین و جوانان با هم جنگیده و مبارزه
مینمودند و جمعی از قراء و حافظین قرآن در شام و عراق و یمن و ارمنستان
و آذربایجان پراکنده گردیدند و این اختلاف در اثر عوامل تحول و
تغییر زبان پیدا شده و بواسطه همسایگی ملل غیر عربی با عربی که از
قبیله مضر بودند اختلاف زیاد گردید و طوری شد که تأثیر آن باعث
بینم و دهشت شد در این وقت حذیفه ابن الیمان صحابی^۱ جلیل سوء تأثیر
آن را در صورت دوام و استمرار احساس نمود . آنوقت با اهل شام در فتح
ارمنستان و با اهل عراق در فتح آذربایجان مشغول جنگ و جدال بود ،
در بخاری است و صاحب فهرست^۲ هم با او موافقت نمود که گفت ابن
شهاب برای ما روایت نمود که انس بن مالک باو روایت کرد که (حذیفه
بن الیمان نزد عثمان آمد (در فهرست است که او در عراق بود) و آنوقت

۱- حذیفه بن حسل بن جابر یار رسول خدا (ص) که فتح همدان و ری و
دیور بدست او شده و چهل شب بعد از قتل عثمان در سال ۳۶ هجری وفات یافت .

۲- در فهرست در نقل این خبر گوید : یک نفر ثقه روایت میکند (الخ)

با اهل شام در فتح ارمنستان و با اهل عراق در آذربایجان جنگ و کارزار مینمود .

حذیفه عثمان را از سوء عاقبت این کار و اختلافی که در قرائت پیدا شده بود آگاه نموده بعثمان گفت : این امت را دریاب و پیش از آنکه مانند یهود و نصاری اختلاف کنند بداد آنها برس !

عثمان نزد حفصه فرستاد که قرآن را نزد ما بفرست که بتویر می گردانیم حفصه قرآن را برای عثمان فرستاد .

در این وقت عثمان زید بن ثابت و عبدالله بن زبیر و سعید بن عاص و عبدالرحمن بن حارث بن هشام را دستور داد که قرآن را در مصاحفی نوشتند ، عثمان بگروه سه گانه قریش گفت : وقتی که شما با زید بن ثابت در چیزی از قرآن اختلاف نمودید ، آنرا بزبان قریش بنویسید زیرا که قرآن بزبان ایشان نازل شده^۱ .

از بعضی اخبار مؤثقه معلوم میشود که عثمان وقتی خواست قرآن را در مصاحف بنویسد ، دوازده نفر از قریش و انصار را گرد آورده و انجمنی تشکیل داد .

ابن داود از طریق محمد بن سهرین از کثیر بن افلاح روایت نموده که گفت : وقتی که عثمان خواست قرآن را بنویسد دوازده نفر از قریش و انصار را جمع نموده و برای آوردن ربه (جعبه) ای که در خانه عمر بود

۱- این نیز بطور راجح در معنی حروف هفتگانه دلالت دارد که اختلاف در قرائت کلمات بالفاظ مختلفه دلالت بر معنی واحد مینمود.

فرستاد و ربه^۱ را آوردند ، عثمان گفت ، وقتی نسبت بیک آیه مداوره^۲ نموده و دچار تأمل شدید صبر کنید ، محمد گوید : من گمان کردم ، آنها بجهة این تأمل می نمودند تا یقین کنند که آیه از آیاتی است که در آخرین مرتبه به پیغمبر (ص) عرض شده سپس آنرا بنویسند خلاصه بقرتیب مذکور این امر تحت نظر عثمان انجام میگرفت .

ابن حجر گوید رأی صحابه بر آن اتفاق یافت : آنچه را که از قرآن در عرضه اخیر محقق بود بنویسند و مابقی را وا گذار کنند^۳ .

بگفته ابن حجر آخر حدیث بخاری از خارجه بن زید بن ثابت دلالت دارد که گفت : موقعی که ما مصحف را می نوشتیم آیه از احزاب را پیدا نمودیم که من آنرا از رسول اکرم (ص) شنیده بودم که میخواند آنگاه آنرا جستجو نموده و نزد ابی خزیمه بن ثابت انصاری یافتیم : من المؤمنین رجال صدقوا ما عاهدوا الله علیه پس از آن آیه را در سوره خود بمصحف نوشتیم در اینجا گمان میرود که تحقیق و جستجو آنها را بدین راهنمایی نموده آیه از آیاتی است که در عرضه اخیر به پیغمبر (ص) عرض شده .

۱- فتح المطار ربهته یعنی عطار جعبه خود را که عطردان او بود باز نمود و ربه مصحف باین اسم نامیده شده (اساس البلاغه زمخشری)

۲- مداوره از داورت الامور طلب وجوه ماتاها یعنی راههای آمدن آنرا خواستم (اساس البلاغه)

۳- ظاهراً آنچه را که بغیر لغت قریش بود .

موقعی که قرآن را در مصاحف نگاشتند، عثمان آنرا بحفصه رد نموده و چهار مصحف نوشته شد که یکی از آنها نزد وی مانده و سه مصحف دیگر را ببصره و کوفه و شام فرستاد.

عثمان زید بن ثابت را تعیین نمود که اهل مدینه را بمصحف مدنی تعلیم دهد و عامر بن ^۱ قیس را با قرآن بصری ببصره روانه کرده ابی عبدالرحمن ^۲ سلمی را با قرآن کوفی بکوفه و مغیره بن شهاب را باشامی بشام روانه نمود و قرآن هر شهری موافق بادیگری بوده و رسم مصاحف چهار گانه با هم مطابقت مینمود.

بنابر این جمع اول قرآن همان جمع آوری آیات در حین نزول بوده که در کتب و امثال آن از چیزهائی که عادت عرب بر نوشتن بروی آن جاری شده بود انجام گرفته و صحابه آنرا حضور پیغمبر (ص) عرض مینمودند و جمع دوم در عهد ابی بکر بوده که عبارت از جمع قرآن بین دو لوح و نوشتن آن در ورقه های پوست بود و جمع سوم در عهد عثمان انجام گرفت که مسلمانان را بر یک قرائت وادار نمود:

علی بن محمد طاووس علوی فاطمی در کتاب خود (سعد السعود)

۱- بطوریکه بررسی و جستجو شده او ابو بردة عامر بن قیس اشعری برادر ابو موسی اشعری است.

۲- اسم او عبدالله بن حبیب بن ربیعہ از قراء است که از عثمان شنیده (تهذیب التهذیب ابن حجر ج ۸ ص ۱۸۰)

از کتاب ابی جعفر محمد بن منصور و روایت محمد بن زید بن مروان در اختلاف قرآن میگوید: که قرآن را زید بن ثابت زمان ابی بکر جمع نمود و در این امر ابی بن کعب - عبدالله بن مسعود - سالم مولی - ابی حذیفه با او مخالفت کردند آنگاه عثمان برگشته و قرآن را برای و عقیده «امیر المومنین علی بن ابیطالب علیه السلام» در مصحف جمع نمود و عثمان مصحف ابی عبدالله بن مسعود و سالم مولی ابی حذیفه را گرفته بآب شست ^۱ عثمان مصحفی برای خود نوشته و مصحفی هم جهت اهل مدینه و مصحفی برای اهل مکه و مصحفی بجهت مردم کوفه و مصحفی برای اهل بصره و مصحفی بجهت اهل شام نوشت (مصحف شام را ابن فضل الله عمری ^۲ در اواسط قرن هشتم هجری دیده) و در وصف مسجد دمشق گوید بجانب دست چپ آن مصحف عثمانی بخط عثمان بن عفان بود ^۳ و ظن قوی میرود که این مصحف همان قرآن موجود در کتابخانه لندن گراد بوده که اکنون بانگلستان انتقال یافته است.

۱- در بعضی نصوص آمده که آنه احرقها یعنی سوزانیده آنرا

۲- ابن فضل الله عمری شهاب الدین فضل الله بن احمد بن یحیی بن فضل الله است که از اولاد عمر بن الخطاب بوده ولادت او در ده شق سال ۷۰۰ هجری وفات او در ۷۴۹ واقعه و مؤلفاتی زیاد دارد که از آن جمله مسالك الابصار و نفعه الروض و غیره است مترجم نام و گزارش او را بتفصیل در کتاب دوم مفتاح الاعلام خود نگاشته (مترجم)

۳- در کتاب مسالك الابصار ج ۱ ص ۱۹۵ طبع مصر

من در ماه ذی حجه ۱۳۵۳ هـ در کتابخانه علوی نجف قرآنی بخط کوفی دیدم که بر آخر آن نوشته بود «کتبه علی بن ایطالب فی منه اربعین من الهجرة» و بجهت شباهت داشتن ابی و ابو در رسم خط کوفی اشخاصی که خبره بآن نبودند تصور مینمودند که کتب علی بن ابوطالب بو او است.

(نظیر این قرآن نسخه مصحفی است بخط کوفی که در کتابخانه رضوی ع مشهد مقدس دیده و در پایان آن عبارت کتبه علی بن ایطالب نوشته شده (مترجم)

در کلام ابن طاووس رحمه الله در کتاب سعد السعود که عثمان برگشته و قرآن را برأی علی علیه السلام جمع نمود، این موضوع تأیید چیزی را مینماید که شهرستانی در مقدمه تفسیر خود بر روایت (سويد بن علقمه) نموده گوید:

شندم علی بن ایطالب علیه السلام میفرمود.

«ایها الناس الله! الله! ایاکم و الغلو فی امر عثمان و قولکم حراق المصاحف فوالله ما حرقها الا من ملاء من اصحاب رسول الله (ص)»

یعنی ای مردم شما را بخدا مبادا که زیاده روی و غلو درباره عثمان نموده و بگوئید که او سوزاننده مصاحف است بخدا قسم که او مصاحف را نسوزانید مگر در حضور جمعی از یاران پیغمبر خدا (ص) ما آنرا جمع نمودیم و گفت: چه میگوئید در این قرائتی که مردم در

آن اختلاف نموده اند: مردی دیگری را می بینید، میگوید، قرائت من بهتر از قرائت تو است، و این ترتیب کار مردم را بکفر می کشاند، ما رأی دادیم، گفت: میخواهم که مردم را بربك مصحف گرد آورم، زیرا که اگر شما امروزه اختلاف کنید، کسانی که بعد از شما می آیند اختلاف ایشان سخت تر خواهد شد، ما گفتیم رأی شما خوب و پسندیده است، پس از آن عثمان نزد زید بن ثابت و سعید بن عاص فرستاده، گفت یکی از شما بنویسد و دیگری املا کند، پس آن دو نفر در چیزی جز يك حرف در سوره بقره اختلاف ننمودند، چنانکه یکی از ایشان التابوت و دیگری التابوه گفت آنوقت قرائت زید بن ثابت را برگزیدند زیرا که او کاتب وحی بود.

فصل سوم

در ترتیب سوره ها در مصحف

امیر المؤمنین علیه السلام

ما ذکر ترتیب سوره را در مصاحف بعضی از بزرگان صحابه و تابعین از مدارك معتبره قدیمه و بچیزهائی که تماس بتاریخ قرآن دارد و فهم اینکه ترتیب قرآن باجتهاد ایشان بوده اختیار نمودیم.

ابن الندیم در فهرست گوید که ابن منادی گفت: حسن بن عباس بمن خبر داد که گفت: خبر یافتم از عبدالرحمن بن ابی حماد از حکم

بن ظهیر سدوسی از عبد خیر از علی علیه السلام که او دید بعضی از مردم در زمان وفات پیغمبر (ص) فال بد میزدند ، پس حضرت قسم خورد که ردا از دوش خود نیفکند تا اینکه قرآن را جمع کند لذا سه روز در خانه نشست ، تا تمام قرآن را جمع نمود و آن اول مصحفی است که در آن قرآن از قلب علی (ع) جمع آوری شده و مصحف مذکور نزد خانواده جعفر بود .

من در زمان خودمان نزد ابی یعلی حمزه حسنی رحمه الله مصحفی دیدم که از آن اوراقی ریخته و بخط علی بن ابیطالب علیه السلام بود که آنرا بنی حسن بمرور زمان بمیراث برده بودند و این ترتیب سور از آن قرآن است و ذکر ترتیب سور از اصل نسخه فهرست مطبوعه در لپزیگ (Leipzig) از سنه ۱۸۷۱ تا سنه ۱۸۷۲ افتاده ، یعنی در تمام نسخه های موجوده در دنیا از کتاب فهرست این قسمت سقوط نموده . ولیکن یعقوبی^۱ در جزء دوم از تاریخ خود ص ۱۵۲-۱۵۴ طبع بریل (Brill) در ۱۸۸۳ گوید .

بعضی از ایشان روایت نموده اند که : حضرت علی بن ابیطالب ع قرآن را بعد از وفات پیغمبر (ص) جمع نموده و برشتری بار کرده آورد و فرمود : این قرآن است که من آنرا جمع نموده ام ، و آنرا به هفت جزء تقسیم فرموده بود .

۱- احمد بن یعقوب بن واضح معروف به یعقوبی است از سیاق کتاب او گرفت شده که وفات او بعد از ۲۷۸ بوده و برای او در تاریخ کتابی است که معروف بتاریخ یعقوبی است آنرا هوتسا مستشرق در لیدن طبع نموده

جزء اول	جزء دوم	جزء سوم
بقره	آل عمران	نساء
یوسف	هود	نحل
عنکبوت	حج	مومنون
روم	حجر	یس
لقمان	احزاب	جمعی
حم سجده	دخان	واقعه
والذاریات	الرحمن	تبارک الملك
هل اتی علی الانسان	الحاقة	یا ایها المدثر
الم تنزیل	سئل سائل	ارایت
سجده	عبس وتولی	تبت
النازعات	والشمس والضحی	قل هو الله احد
اذا الشمس کورت	انا انزلناه	والعصر
اذا السماء انفطرت	اذا زلزلت	القارعة
اذا السماء انشقت	ویل لكل همزة	والسما ذات البروج
سبح اسم ربك الاعلی	الم تر کیف	والتین والزیتون
لم یکن	لا یلاف قریش	طس
		نمل

پس این جزء بقره است پس این جزء آل عمران است پس این جزء نساء است

جزء چهارم	جزء پنجم	جزء ششم
مائده	انعام	اعراف
یونس	سبحان	ابراہیم
مریم	اقترب	کهف
طسم	فرقان	نور
شعراء	موسی	ص
زخرف	فرعون	زمر
الحجرات	حم	شریعة
ق والقرآن المجید	مؤمن	الذین کفروا
اقتربت الساعه	مجادلة	حدید
الممتحنة	حشر	مزل
والسماء والطارق	جمعه	لا اقسم بیوم القیمه
لا اقسم بهذا البلد	منافقون	عم یسائلون
الم نشرح لك	ن والقلم	غاشیه
والعادیات	انا وارسلنا نوحا	والفجر
انا اعطیناك الكوثر	قل اوحی الی	واللیل اذا ینشی
قل بالاییها الكافرون	والمرسلات	اذ جاء نصر الله
	والضحی	
	الم یكتم	

پس این جزء مائده است پس این جزء انعام است پس این جزء اعراف است

جزء هفتم		
انفال	احقاف	تغابن
برائة	فتح	طلاق
طه	طور	مطففین
ملائکه	نجم	معوذتین
صافات	صف	

پس این جزء انفال است

فصل چهارم

ترتیب مور قرآن در مصحف ابی بن کعب

صحابی جلیل متوفی در سال ۲۰ هـ^۱

ابن الندیم گوید^۲: که فضل بن شاذان گفت ، ثقة از اصحاب ما
بما خبر داده و گفت : در دو فرسخی بصره در قریه که بانصار موسوم
بود نزد محمد بن عبدالملك انصاری وجود داشت که او آنرا بمانشان
داده و گفت که این مصحف ابی است و ما آنرا از پدران خود روایت
نموده ایم من در آن نگاه کرده اوایل سور و خواتیم و آیات نازل و شماره
آیه ها را از آن استخراج نمودم و اول آن :

۱- الاصابة ج ۱ ص ۱۶

۲- الفهرست ص ۴۰ (طبع مصر)

۱	فاتحة الكتاب	۱۸	بنی اسرائیل	۳۵	اصحاب حجر
۲	بقرة	۱۹	زمر	۳۶	حم عشق
۳	نساء	۲۰	حم تنزیل	۳۷	روم
۴	آل عمران	۲۱	طه	۳۸	زخرف
۵	انعام	۲۲	انبیاء	۳۹	حم سجده
۶	اعراف	۲۳	نور	۴۰	ابراهیم
۷	مائده که بیونس مشتببه شده (۱)	۲۴	مؤمنون	۴۱	ملائكة
۸	انفال	۲۵	حم مؤمن	۴۲	فتح
۹	توبه	۲۶	رعد	۴۳	محمد (ص)
۱۰	هود	۲۷	طسم	۴۴	حدید
۱۱	مریم	۲۸	قصص	۴۵	ظهار (۲)
۱۲	شعراء	۲۹	طس	۴۶	تبارک
۱۳	حج	۳۰	سلیمان	۴۷	فرقان
۱۴	یوسف	۳۱	صافات	۴۸	الم تنزیل
۱۵	کهف	۳۲	داود	۴۹	نوح
۱۶	نحل	۳۳	ص	۵۰	احقاف
۱۷	احزاب	۳۴	یس	۵۱	ق

۱- در چاپ لپزیک اینطور است ۲- در چاپ لپزیک ظهار بطاء بی نقطه است

۵۲	الرحمن	۶۹	والتین	۸۹	تکاتر
۵۳	واقعه	۷۰	اقراب اسم ربك	۹۰	الخلع
۵۴	جن	۷۱	حجرات	۹۱	الجید
۵۵	نجم	۷۲	منافقون	۹۲	الهم ایاك
۵۶	ن	۷۳	جمعه		نعبد و آخر آن
		۷۴	النبي «ص»		بالکفار است
		۷۵	الفجر		که بلمزیبوست
۵۷	الحاقة	۷۶	الملك	۹۳	میشود
۵۸	حشر	۷۷	واللیل اذا یغشی	۹۴	اذا زلزلت
۵۹	ممتحنه	۷۸	اذا السماء انفطرت	۹۵	العادیات
۶۰	والمرسلات	۷۹	والشمس وضجیها	۹۶	اصحاب الفیل
۶۱	عم یسائلون	۸۰	والسماوات البروج	۹۷	التین
۶۲	الانسان	۸۱	الطارق	۹۸	الکونر
۶۳	لواقصم	۸۲	سبح اسم ربك الاعلی	۹۹	القدر
۶۴	کورت	۸۳	غاشیه	۱۰۰	کافرون
۶۵	نازعات	۸۴	عبس (۱)		النهر
۶۶	عبس	۸۵	صف	۱۰۱	ابی لهب
۶۷	مطففین	۸۶	والضحی	۱۰۲	قریش
۶۸	اذا السماء انشقت	۸۷	الم نشرح	۱۰۳	الصمد
		۸۸	القارعة	۱۰۴	الفلق
				۱۰۵	الناس

۱- که او اهل کتاب است و از اول کسانی که کافر شدند نبوده (فهرست چاپ لپزیک ص ۳۷)

فصل پنجم

ترتیب سوره‌های قرآن در مصحف عبداللہ بن مسعود

مسعود صاحبی بزرگوار متوفی سال ۳۲ یا ۳۳ هجری^۱

ابن الندیم^۲ از فضل بن شاذان روایت نموده که گفت من در مصحف

عبداللہ بن مسعود دیدم که تألیف سوره‌های قرآن بدین ترتیب بود .

۱	بقره	۱۲	بنی اسرائیل	۲۳	روم
۲	نساء	۱۳	انبیاء	۲۴	یس
۳	آل عمران	۱۴	مؤمنون	۲۵	فرقان
۴	المص	۱۵	شعراء	۲۶	حج
۵	انعام	۱۶	صافات	۲۷	رعد
۶	مائدہ	۱۷	احزاب	۲۸	سباء
۷	یونس	۱۸	قصص	۲۹	ملائکہ
۸	برائہ	۱۹	نور	۳۰	ابراہیم
۹	نحل	۲۰	انفال	۳۱	ص
۱۰	ہود	۲۱	مریم	۳۲	الذین کفرو
۱۱	یوسف	۲۲	عنکبوت	۳۳	القمر

۲- الفہرست ص ۳۹ طبع مصر

۱- الاصابۃ ج ۳ ص ۱۳۹

۳۴	الزمر	۵۱	تبارک الذی بیدہ الملک	۶۸	ن والقلم
۳۵	حواہم مسجات (۱)	۵۲	تغابن	۶۹	النازعات
۳۶	حم المؤمن	۵۳	منافقون	۷۰	سئل سائل
۳۷	حم الزخرف	۵۴	جمہ	۷۱	المدثر
۳۸	سجدہ	۵۵	حوازیون	۷۲	المزمل
۳۹	احقاف	۵۶	قل اوحی	۷۳	المطففین
۴۰	جاثیہ	۵۷	انا ارسلنا نوحا	۷۴	عبس
۴۱	دخان	۵۸	مجادلہ	۷۵	الدھر
۴۲	انا فتحنا	۵۹	ممتحنہ	۷۶	قیامہ
۴۳	جدید	۶۰	یا ایہا النبی لم تحرم	۷۷	عم یسائلون
۴۴	سبح	۶۱	الرحمن	۷۸	تکویر
۴۵	حشر	۶۲	النجم	۷۹	انفطار
۴۶	تنزیل	۶۳	الذاریات	۸۰	هل اتیک حدیث الفاشیہ
۴۷	سجدہ	۶۴	الطور	۸۱	سبح اسم ربک الاعلی
۴۸	ق	۶۵	اقتربت الساعۃ	۸۲	واللیل اذا یغشی
۴۹	طلاق	۶۶	الحاقۃ	۸۳	والفجر
۵۰	حجرات	۶۷	اذا وقعت	۸۴	البروج

۱- بدینطور

۸۵	انشقت	۹۳	القارعة	۱۰۰	التكاثر
۸۶	اقراباسم ربك	۹۴	لم يكن الدين كفرو امن	۱۰۱	انا انزلناه
۸۷	لا اقسم بهذا البلد		اهل الكتاب	۱۰۲	والعصر
۸۸	والضحى	۹۵	والشمس و ضحيتها	۱۰۳	اذا جاء نصر الله
۸۹	الم نشرح	۹۶	والتين	۱۰۴	الكونثر
۹۰	والسماء و الطارق	۹۷	وبل لكل همزة	۱۰۵	الكافرون
۹۱	والعاديات	۹۸	القليل	۱۰۶	المسد
۹۲	أرأيت	۹۹	لا يلاف قريش	۱۰۷	قل هو الله احد

پس این صد و ده سوره است^۱

و در روایت دیگر سوره طور قبل از والذاریات است فضل بن شاذان گوید که ابن سیرین گفت عبدالله بن مسعود معوذتین را در مصحف خود با فاتحه نمی نوشت فضل نیز با سند خود از اعمش روایت نموده که گفت در قرائت عبدالله حمسق^۲ بود .

محمد بن اسحق گوید : من چندین مصحف دیدم که نویسندگان آن می گفتند که آنها مصحف ابن مسعودند ولیکن آنان دو مصحف با یکدیگر متفق نبود و بیشتر مصاحف در پوست و نسخی زیاد داشت ، و من مصحفی را دیدم که از دویست سال پیش بود و در فاتحة الكتاب نوشته بود و فضل بن شاذان یکی از پیشوایان در قرآن و روایات است.

۱- باحامیم های مسجات ۲- بدون حرف ع

پس بدینجهت ما آنچه را که او گفته ذکر نموده ایم و کاری بآنچه دیده ایم نداریم (انتهی)^۱

فصل ششم

ترتیب سوره در مصحف عبدالله بن عباس

صحابی عالی مقام متوفی ۸ هجری^۲

ما در تاریخ و حدیث جهت صحابی بزرگوار بن عباس رضی الله عنه که در تفسیر قرآن متخصص بوده و ارتباطی خاص بحضرت علی بن ابیطالب علیه السلام داشت می بینم آنچه را که از او در قرآن ذکر شده دارای مزیتی بسیار است .

ابن طاووس^۳ در کتاب سعد السعود خود گوید مشهور بین مسلمین این است که ابن عباس شاگرد علی (ع) بود .

محمد بن عمر رازی در کتاب اربعین میگوید که : ابن عباس رئیس مفسرین شاگرد علی بن ابیطالب علیه السلام بود با این وصف ما نقل ترتیب مصحف او را اختیار نمودیم چنانکه شهرستانی در مقدمه تفسیر خود یاد نموده و او سندی امین است .

۱- فهرست طبع مصر ص ۴۰

۲- الاصابة ج ۱ ص ۹۴

۳- علی بن موسی بن جعفر مشهور بابن طاووس از بزرگان علمای شیعه و رجال ایشان متولد ۵۸۹ متوفی ۶۶۴ هجری



۵۲	انعام	۶۹	ابراهيم	۸۶	آل عمران
۵۳	صافات	۷۰	انبياء	۸۷	حشر
۵۴	لقمان	۷۱	مومنون	۸۸	احزاب
۵۵	سبا	۷۲	رعد	۸۹	نور
۵۶	زمر	۷۳	طور	۹۰	ممتحنه
۵۷	مؤمن	۷۴	الملك	۹۱	فتح
۵۸	حم سجده	۷۵	الحاقة	۹۲	نساء
۵۹	حم عسق	۷۶	معارج	۹۳	اذا زلزلت
۶۰	زخرف	۷۷	نساء	۹۴	حج
۶۱	دخان	۷۸	والنازعات	۹۵	حديد
۶۲	جاثيه	۷۹	انفطرت	۹۶	مجمد (ص)
۶۳	احقاف	۸۰	انشقت	۹۷	انسان
۶۴	الذاريات	۸۱	الروم	۹۸	طلاق
۶۵	غاشيه	۸۲	عنكبوت	۹۹	لم يكن
۶۶	كهف	۸۳	مطففون	۱۰۰	جمعه
۶۷	نحل	۸۴	بقرة	۱۰۱	الم سجده
۶۸	نوح	۸۵	انفال	۱۰۲	منافقون

۱	اقراء	۱۸	فيل	۳۵	القمر
۲	ن	۱۹	كافرون	۳۶	ص
۳	والضحى	۲۰	اخلاص	۳۷	الاعراف
۴	المزمل	۲۱	نجم	۳۸	الجن
۵	المدثر	۲۲	اعشى	۳۹	يس
۶	فاتحة	۲۳	قدر	۴۰	الفرقان
۷	تبت يدا	۲۴	والشمس	۴۱	ملائكة
۸	كورت	۲۵	البروج	۴۲	مريم
۹	اعلى	۲۶	والتين	۴۳	طه
۱۰	والليل	۲۷	قريش	۴۴	شعراء
۱۱	والفجر	۲۸	القارعة	۴۵	نمل
۱۲	الم نشرح	۲۹	القيامة	۴۶	قصص
۱۳	الرحمن	۳۰	همزة	۴۷	بنى اسرائيل
۱۴	والعصر	۳۱	والمرسلات	۴۸	يونس
۱۵	الكوثر	۳۲	ق	۴۹	هود
۱۶	تكاثر	۳۳	البلد	۵۰	يوسف
۱۷	الدين	۳۴		۵۱	حجر

۱۰۳	مجادله	۱۰۷	صف	۱۱۱	واقعه
۱۰۴	حجرات	۱۰۸	مائده	۱۱۲	والعادیات
۱۰۵	تحریم	۱۰۹	توبه	۱۱۳	فلق
۱۰۶	تغابن	۱۱۰	نصر	۱۱۴	ناس

فصل هفتم

ترتیب سور مصحف حضرت امام ابی عبد الله جعفر
بن محمد الصادق علیه السلام

چنانکه شهرستانی در مقدمه تفسیر خود نوشته

۱	اقرا	۷	اعلی	۱۳	والعادیات
۲	ن	۸	واللیل	۱۴	کوثر
۳	مزمّل	۹	والفجر	۱۵	تکواتر
۴	مدثر	۱۰	والضحی	۱۶	الدين
۵	تبت	۱۱	الم نشرح	۱۷	کافرون
۶	کورت	۱۲	والمصر	۱۸	قیل

۱۹	فلق	۳۶	قمر	۵۳	حجر
۲۰	ناس	۳۷	ص	۵۴	انعام
۲۱	اخلاص	۳۸	اعراف	۵۵	صافات
۲۲	والنجم	۳۹	جن	۵۶	لقمان
۲۳	اعی	۴۰	یس	۵۷	سباء
۲۴	قدر	۴۱	فرقان	۵۸	زمر
۲۵	والشمس	۴۲	ملائکه	۵۹	مؤمن
۲۶	یروج	۴۳	مریم	۶۰	حم سجده
۲۷	والتین	۴۴	طه	۶۱	حم عسق
۲۸	قریش	۴۵	واقعه	۶۲	زخرف
۲۹	قارعة	۴۶	شعراء	۶۳	دخان
۳۰	القیمة	۴۷	نمل	۶۴	جاثیه
۳۱	همزة	۴۸	قصص	۶۵	احقاف
۳۲	المرسلات	۴۹	بنی اسرائیل	۶۶	والذاریات
۳۳	ق	۵۰	یونس	۶۷	غاشیه
۳۴	البلد	۵۱	هود	۶۸	کهف
۳۵	طارق	۵۲	یوسف	۶۹	نحل

۷۰	نوح	۸۵	مطففون	۱۰۰	حشر
۷۱	ابراهیم	۸۶	بقره	۱۰۱	نصر
۷۲	انبیاء	۸۷	انفال	۱۰۲	نور
۷۳	مؤمنون	۸۸	آل عمران	۱۰۳	حج
۷۴	الم سجده	۸۹	احزاب	۱۰۴	منافقون
۷۵	طور	۹۰	ممتحنه	۱۰۵	مجادله
۷۶	ملك	۹۱	نساء	۱۰۶	حجرات
۷۷	حاقه	۹۲	اذلزلت	۱۰۷	تحریم
۷۸	معارج	۹۳	حدید	۱۰۸	صف
۷۹	نباء	۹۴	محمد (ص)	۱۰۹	جمعه
۸۰	والنازعات	۹۵	رعد	۱۱۰	تغابن
۸۱	انفطرت	۹۶	الرحمن	۱۱۱	فتح
۸۲	انشقت	۹۷	انسان	۱۱۲	توبه
۸۳	روم	۹۸	طلاق	۱۱۳	مائده
۸۴	عنكبوت	۹۹	لم یکن		

اختلاف ترتیب سور در مصاحف این گروه از صحابه اشاره میکنند که ترتیب قرآن با جتهاد صحابه و جامعین آن شده بخلاف وضع آیات و ترتیب آن که بدستور پیغمبر (ص) انجام گرفته سپس از روایات

دانسته شد که قرآن در حضور پیغمبر (ص) روی قطعاتی از جرائد نخل و پاره سنگها و شانه و چوبهای نخلی نگاشته میشد و آنها بعضی از دیگری جدا و پراکنده بوده و مانند ورق یا پوست نبود که مصحف در جمع دوم و سوم بر آن نوشته شده .

پس بایستی که جامعین قرآن برای علامت تشخیص مقدم از مؤخر نکاتی را در نظر گرفته و وضع نموده باشند ، چنانکه ما امروزه در این زمان علامت فاصله با عداد یا حروف ابجدی قرار میدهیم .

در اینجا باید دانست که محمد بن عبد الکرم شهرستانی در مقدمه تفسیر خود (مفاتیح الاسرار و مصابیح الابرار) که از کتاب الاستغناء از سعید بن جبیر و یحیی بن حرث دنیاری نقل نموده در قول خدای تعالی **وَلَقَدْ آتَيْنَاكَ سَبْعًا مِّنَ الْمَثَانِي** گوید که سبع طوال (سوره هفتگانه طولانی) اینها است :

بقره - آل عمران - نساء - مائده - انعام - اعراف - یونس که سابعه نامیده میشود و در آیه بواسطه بانضمام روایت بآن دلالتی واضح است که این سور هفتگانه منظم بوده و آیات آن بارشاد و دستور پیغمبر اکرم (ص) مرتب گردیده بطوریکه در آیه بآن اشاره شده .

فصل هشتم

در ذکر قراء سبعه و روایات مشهور و روایات

و وطن و ولادت و وفات ایشان

اول آنها نافع بن عبدالرحمن بن ابی نعیم لیثی است که نزد هفتاد نفر از تابعین قرائت نموده که از آن جمله است:

ابو جعفر - عبدالرحمن بن هرمز اعرج - مسلم بن جندب - اعرج
نزد عبدالله بن عباس و ابی هریره خوانده ، ابن عباس و ابو هریره نزد ابی
ابن کعب قرائت نموده اند ، ابی خدمت رسول اکرم (ص) خوانده .

ولادت نافع در حدود سنه ۷۰ هجری وفاتش بقول صحیح در
۱۶۹ بوده و اصل آن اصفهانی است .

نافع مردی خیلی سیاه چهره بوده و پیشوای مردم در قرائت
مدینه شده و ریاست اقراء و یاد دادن قرآن باو منتهی گردیده ، مردم بعد
از تابعین بوی اقبال نموده و زیاده از هفتاد نفر را تعلیم قرآن داده .

سعید بن منصور گوید : شنیدم که مالک بن انس میگفت : قرائت
مردم مدینه سنت است و باو گفته شد که قرائت نافع ؟ گفت بلی !

عبدالله بن احمد بن حنبل گوید : از پدرم پرسیدم ؟ کدام قرائت
نزد تو محبوب تر است ؟ گفت ، قرائت اهل مدینه ؟ گفتم ، اگر آن نشد
گفتند قرائت عاصم ، و دو راوی او قالون - وورش است .

و وفاتش بقول صحیح ۲۲۰ بوده و پنجاه سال نزد نافع خوانده و بوی
اختصاص زیاد پیدا کرده و گفته اند که پسر زن او بوده و او را قالون از
آن جهت لقب داده بودند که خوب میخوانده زیرا که قالون بزبان رومی
خوب و نیکو را گویند .

قالون قاری مدینه و نحوی آنجا بوده گفته اند که او گوش ناشنوا
داشته و بدرد کری مبتلا بود بطوریکه صدای بوق را نمی شنید ولی وقتی
که قرآن بر او می خواندند می شنید .

گویند که من نزد نافع چندین بار قرائت نموده و قرائت را از
او نوشتم و گویند که نافع بمن گفت چقدر بر من میخوانی ، پهلوی ستونی
بنشین تا من کسانی را بفرستم که نزد تو بخوانند و از تو قرائت قرآن
یاد بگیرند .

ورش - عثمان بن سعید مصری است که کنیه او ابو سعید بوده ،
ابو عمرو و ابوالقاسم هم گفته شده ، وورش لقب او بوده .

ولادت او در ۱۱۰ هجری وفاتش در مصر سال ۱۹۷ واقع شده
ورش در سنه ۱۵۵ بمدینه رفته تا اینکه نزد نافع قرائت کند و نزد وی
چندین بار ختم قرآن نموده و بمصر برگشته ، ریاست تعلیم قرآن باو
منتهی شده و با مهارتی که در عربی و معرفت تجوید و علم قرائت قرآن
داشت در این باب مآزعی با وی نزاع ننموده . او مردی خوش آهنگ
بود و صوتی پسندیده داشت .

یونس بن عبدالاعلی گویند که ورش خوب میخواند و آهنگ او

خوش بوده با اصول قرائت میخواند و در قرائت خود کلمات را میکشید و تشدید میداد و اعراب را بیان نموده شنوده را ملول نمیکرد .

ابن کثیر ابوسعید عبدالله بن کثیر بن عمر بن زادن است که نزد ابی السایب عبدالله بن سایب بن ابی السایب مخزومی خوانده و عبدالله بن سایب نزد ابی بن کعب و عمر بن خطاب ، ابی و عمر هم نزد پیغمبر (ص) خوانده بودند .

ولادت ابن کثیر سال ۴۵ هجری وفات او بدون تردید سال صد و بیست و ه بوده .

ابن کثیر در مکه پیشوا و استاد قرائت بوده بطوریکه منازعی برای وی نبود و او مردی فصیح و بلیغ و صاحب ریش سفید بلند و موی گندم گون بوده بدنی تنومند و چشمانی شهلا داشت سکینه و وقار از سیمای او نمودار بود .

ابن کثیر عبدالله بن زبیر و ابو ایوب انصاری و انس بن مالک را از صحابه دیده و راویان او که از اصحاب و یاران وی بودند دو نفرند **بزی قنبل**

بزی احمد بن عبدالله بن قاسم مؤذن مسجد الحرام و امام آن و استاد قرائت قرآن بود ، کنیه وی ابو الحسن و نزد عکرمه بن سلیمان ملکی قرائت کرده . عکرمه نزد شبل ، شبل نزد ابن کثیر خوانده .

ولادت او در ۱۷۰ و فاتهش در ۲۵۰ بود بزی امام قرائت و دانشمندی محقق و ضابط بوده که قرائت را استوار نموده و از ثقات و معتمدین بشمار

رفته و ریاست تعلیم قرآن مکه با او بود .

قنبل محمد بن عبدالرحمن بن مخزومی مکی است که کنیه او ابو عمرو و قنبل لقب او بوده و نزد ابی الحسن احمد قواس قرائت کرده قواس نزد ابی الاخريط و ابو الاخريط نزد قسط خوانده باو خبر داده که خود نزد شبل قرائت نموده و شبل از شاگردان ابن کثیر بوده و پیش او خوانده ولادت قنبل در ۱۹۵ هجری وفات او ۲۹۱ بوده قنبل امام قرائت و در فن خود استوار و ضابط و ریاست تعلیم قرائت حجاز باو منتهی شده مردم از هر طرف بنزد وی میآمدند .

ابو عمرو - زبان بن علاء بن عمار است که نزد جماعتی که ابو جعفر زید بن قعقاع و حسن بصری از آنها بود خوانده ، حسن نزد حطان و ابی العالیه خوانده ، ابو العالیه نزد عمر بن الخطاب و ابی بن کعب قرائت کرده .

ابو عمرو و داناترین مردم در قرائت و عربیت (نحو) بوده درستی و راستی و امانت و دیانت داشته، وقتی حسن بر او گذشته که دور او جمعی کثیر بودند و مردمی از هر جا بر او گرد آمده بود، حسن گفت (لا اله الا الله) نزدیک شد ، علماء و دانایان ارباب و خدایان مردم شمرده شوند، هر عزتی که بدانش و علم تأیید نشود مآل او بذلت گزائیده شود از سفیان بن عیینه روایت شده که گفت: پیغمبر (ص) را در خواب دیده عرض کردم یا رسول الله! قرائتهای مختلفی بمن رسیده ، پس امر میفرمائی موافق کدام يك بخوانم، فرمود بقرائت ابی عمر بن علاء

ولادت ابو عمرو در ۶۸ هجری و سال هفتاد هم گفته اند وفات او بقول اکثر در ۱۵۴ بود و جز اینهم گفته شده .

راویان ابو عمرو : **الدوری و السوسی** از یزیدی از ابی عمرو بوده .

دوری ابو عمرو حفص بن عمر مقری ضریر است و نسبت او بدور موصل در بغداد بجانب شرقی داده شده و پیشوای قرائت در دوره خود بوده و رئیس تعلیمات قرآن در آن عهد گردیده ، مردی ثقة و ضابطی بزرگ بشمار رفته و اول کسی است که قراآت را جمع نموده ، وفات او شوال ۲۴۶ بقول صحیح بوده .

سوسی ابو شعیب صالح بن زیاد است و منتسب بسوس^۱ میشود که موضعی در اهواز است او استاد قرائت و معتمدی ثقة و ضابط بوده از بزرگترین اصحاب یزیدی شمرده شده .

وفات سوسی در ۲۶۱ هجری در موقعی که او نزدیک بنود سالگی بوده .

ابن عامر عبدالله بن عامر یحصبی است و یحصب شعبه از حمیر بود کنیه او ابو نعیم بوده و بعضی ابو عمران گفته اند ، غیر آنهم خوانده شد ، ابن عامر امام مسجد دمشق و قاضی آنجا بوده و تابعی است که واثقه بن اشقع و نعمان بن بشیر را دیده .

۱ - سوس . محل معروفی است که اکنون با شوش لیشین خوانده می شود .

یحیی بن حارث دماری گوید که او نزد عثمان خوانده و عثمان نزد پیغمبر اکرم (ص) قرائت کرده .

ولادت ابن عامر در ۲۱ وفات او در دمشق روز عاشورا بوده او امام مسلمین در جسامع اموی در دوره عمر بن عبدالعزیز و قبل و بعد از آن بود .

عمر با اینکه مقام خلافت اسلامی را داشت باو اقتدا مینمود و همین قدر برای منقبت و بزرگواری او کافی است و برای او امامت و قضاوت و ریاست تعلیم قرآن دمشق بوده و آنوقت دمشق جایگاه خلافت و فرودگاه دانشمندان و تابعین بود ، راویان اصحاب ابن عامر این دو نفر بودند :

هشام - ابن ذکوان - امام هشام - ابوعمار بن نصیر سلمی قاضی دمشق است که کنیه اش ابوالولید بوده و قرائت ابن عامر را بطور عرض و اظهار از عراق بن خالد مزی از یحیی بن حارث دماری از ابن عامر گرفته و عالم اهل دمشق و خطیب ایشان بود .

عبدان گوید : شنیدم که میگفت : من يك خطبه را در بیست سال اعاده و تجدید نمودم و هر روز خطبه تازه میخواندم - او مفتی و مقری و محدث مردم دمشق بوده ، ثقة و درست قول و صاحب ضبط بشمار آمده ، ولادت هشام در ۱۵۳ وفاتش ۲۴۵ بود .

ابن ذکوان عبدالله احمد بن بشیر بن ذکوان قرشی دمشقی است که کنیه او ابو عمرو بوده و قرائت ابن عامر را از ایوب بن تمیم تمیمی

از یحیی بن حارث ذماری از ابن عاهر یاد گرفته و ریاست تعلیم قرآن بعد از ایوب بن تمیم باو منتهی شده .

ابو زرعه حافظ دمشقی گوید : در عراق و حجاز و شام و مصر و خراسان در زمان ابن ذکوان قاری تر از او نبود .

ولادت او روز عاشورا سال ۲۰۲ وفات در شوال ۲۷۳ بوده .

عاصم - ابوبکر عاصم بن ابی النجود بن بهدله مولی نبی خزیمه بن مالک بن نضر است بخود بفتح نون و ضم جیم ماخوذ از **نجدت الثیاب ایسویت بعضها فوق بعض** یعنی بعضی را روی دیگری نهاده و برابر نمودم عاصم قرائت را از ابی عبدالرحمن عبدالله بن حبیب سلمی گرفته و عبدالرحمن نزد عثمان خوانده و از او و علی بن ایطالب و ابی بن کعب و عبدالله بن مسعود وزید بن ثابت قرآن را یاد گرفته بود .

عاصم بین فصاحت و متانت قرائت و تحریر و تجوید جمع نموده آهنگ او در خواندن قرآن خیلی خوب و پسندیده بشمار رفته و نزد همه مطبوع بود .

عبدالله بن احمد بن خلیل گوید : از پدرم عاصم پرسیدم ، گفت مردی شایسته و صالح و ثقه بود ،

ابن عیاش گوید : بر عاصم در موقعی که بحالت احتضار بود وارد شدم او در آن حال این آیه را ورد زبان داشت .

(ثم ردوا الى الله مولیهم الحق^۱)

۱- سوره اتمام آیه ۶۲

وفات عاصم در آخر سال ۱۲۷ هجری بوده در ۱۲۸ هم گفته اند و اعتمادی بگفته کسی که جز این گفته نخواهد بود .

راویان او : ابوبکر شعبه و حفص بودند .

شعبه ابوبکر بن عیاش بن سالم اسدی است که نام او شعبه بوده ، محمد و مطرق هم گفته شده .

ولادت او در ۹۵ هجری وفاتش در جمادی الاولی ۱۹۳ بوده و او امامی دانشمند و بزرگ بوده گفته اند موقعی که وفات وی در رسید خواهرش برای او گریه میکرد ، شعبه باو گفت : چه چیز سبب گریه تو شده ، گفت باین گوشه نگاه کن که من در آنجا ۱۸ هزار ختم قرآن نمودم .

حفص^۱ ابوعمر حفص بن سلیمان بن مغیره بزاز است که بحفص معروف شده و قرآن را از عاصم پنج آیه یاد گرفته چنانکه کودک از آموزگار میآموزد .

حفص عالمی عامل و داناترین اصحاب عاصم بقرائت او بوده و ربیب عاصم شمرده میشد که پسر زن او بوده :

یحیی بن معین گوید : روایت صحیحی که از قرائت عاصم روایت شده روایت حفص است .

ولادت حفص در ۹۰ هجری وفات او در سنه ۱۸۰ بقول صحیح

واقع شده

(۱) بفتح حاء بی نقطه و فتح فاء موحد

حمزه - حبیب بن عماره زیات تیمی مولی عکرمه بن ربیع تیمی است که کنیه او ابو عماره بوده و در خدمت ابی محمد سلیمان بن مهران اعمش خوانده، اعمش نزد ابی محمد یحیی بن وثاب اسدی و یحیی نزد ابی شبل علقمه بن قیس قرائت کرده علقمه نزد عبدالله بن مسعود و عبدالله بن مسعود در خدمت پیغمبر اکرم (ص) قرائت نموده.

ولادت حمزه سال ۸۰ وفات او بقول صحیح ۱۵۶ بوده و او در کوفه بعد از عاصم و اعمش پیشوای مردم در قرائت بشمار آمده و مردی ثقه و حجتی بزرگ و توانا در قرائت کتاب خدا بوده و تجوید را خوب دانسته عارف بغرایض و غربیت و حافظ حدیث شمرده شده، مردی پرهیزکار و عابد و فروتن و خوددار و زاهد و متواضع در راه بوده و برای وی مانندی دیده نمیشد.

حمزه روغن از عراق بحلوان برده، پنیر و گردو از آنجا بکوفه نقل مینمود.

ابو حنیفه گوید: دو چیز است که بما غلبه نموده و ما در آن با تو منازعه و اختلاف نداریم و آن دو قرآن و فرائض است.

شیخ او اعمش وقتی که حمزه را میدید میگفت: این خبر قرآن است، یعنی که دانشمند در قرائت کلام خداست.

حمزه گوید: من حرفی از کتاب خدا را نخواندم مگر به آثار و اخبار نبوی.

راویان او: خلف و خلادند که آنها از سلیم و او از حمزه روایت کرده

خلف - ابو محمد بن خلف بن هشام بن طالب بزاز است که در جمادی الاخره سال ۲۲۹ وفات نموده و ولادت او ۱۵۰ هجری بوده خلف قرآن را در بیست سالگی حفظ کرده و در سیزده بطلب دانش شده و استادی بزرگ و دانشمندی ثقه و زاهد و عابد گردیده.

خلاد - ابو عیسی خلاد بن خالد صیرفی است که در ۲۲۰ هجری وفات یافته و در قرائت امامی ثقه و عارف و محقق بوده و تجوید را خوب میدانسته.

دانی گوید که ضبط خلاد از تمام اصحاب سلیم زیادتر و او از همه ایشان بزرگتر بود.

کسائی - ابو الحسن علی بن حمزه کسائی نحوی از اولاد ایرانی و از مردم سواد عراق بوده، چنانکه گفته اند، باو گفته شد:

چرا بتو کسائی گویند: گفت، برای اینکه من با کساء محرم شدم، کسائی نزد حمزه خوانده و حمزه بر او اعتماد داشته و قرآن کریم را چهار بار پیش وی خوانده، او نیز از محمد بن ابی ایلی و عیسی بن عمر گرفته و عیسی بن عمر نزد عاصم خوانده.

ولادت کسائی در ۱۱۹ هجری وفات او بنا بشهر اقوال در ۱۸۹ بوده که او در آنوقت هفتاد سال داشته و او در زمان خود امام مردم در قرائت و دانستن از همه بقرآن مجید بود.

ابوبکر بن انباری گوید، در کسائی چند چیز جمع شده بود: یکی اینکه او داناترین مردم بنحو و یگانه از همه بغریب قرآن (لغات

مشکله) بوده و دیگر اینکه او حد مردم در قرآن بشمار میرفت، مردم نزد او ازدهام مینمودند بطوریکه ممکن نمیشد که از او اخذ بنمایند لذا او در مجلسی ایشانرا گرد آورده و خود بر کرسی نشسته قرآن را از اول تا آخر تلاوت مینمود و آنها می شنیدند و از او ضبط مینمودند حتی مقاطع و مبادی یعنی ابتدا و انتهای کلام را اگرچه در وسط آیات باشد ضبط میکردند.

ابن معین گوید: من بادو چشمان خود راستگوتری در گفتار از کسائی ندیدم.

راویان او دو نفر بودند: **أبو الحارث - دوری**

أبو الحارث لیث بن خالد مروزی مقری است که نزد کسائی قرائت نموده و در ۲۴۰ هجری وفات یافته، او مردی ثقه و توانا در قرائت و ضابط آن بوده.

حافظ ابو عمر گوید: او از اجله اصحاب کسائی است سند قرائت دوری و وفات او در سند ابی عمرو بن علاء گفته شد.

ما در این تراجمی که از قراء نگاشته ایم بکتاب **المکرر فیما تواتر من القراءات السبع و تحریر تألیف سراج الدین ابی حفص عمر بن زین الدین قاسم بن شمس الدین محمد انصاری مصری مشهور بنشأر مقری در جامع^۱ اتابیکی میباشد اعتماد نموده و از آنجا ترجمهها را استخراج کرده ایم.**

۱- نسخه خطی در دارالکتب مصر تحت شماره ۴۹۳ میباشد.

فصل نهم

وضع اعراب در قرآن

تاریخ میگوید: که صحابه مصحف را از هر چیزی حتی از نقطه و شکل (علامات) مجرد و خالی مینمودند.

خطی که بعرب رسیده باحرکات و سکناتی که امروز معمول است ضبط نشده بلکه از آنچه دلالت بر اشکال حروف مکتوبه دارد خالی بود و لیکن ملکه اعراب کلمات که در نفوس و خاطر ایشان قبل از آمیزش و اختلاط آنها بملل غیر عربی و بیگانه وجود داشت آنانرا از غلط و اشتباه حفظ می نمود، عرب ها در بادیه بکلام فصیح حرف میزدند و اشعاری میگفتند و بیشتر ایشان بفصاحت قرآن و بلاغت خطبهها دانا و آگاه بوده و فصاحت قرآن در وجود ایشان هر گونه تأثیری را مینمود.

وقتی که اسلام منتشر شده و عربها بملل غیر عربی و بیگانگان آمیزش نمودند، عوامل فساد در زبان عربی پیدا شده و غلط در زبان فصحای عرب بروز یافت و چندین حادثه رخ نمود. این پیش آمد آنها را بیدار و متنبه گردانیده و بدان قیام و اهتمام نمودند قرآن را که اساس دین و نگهدارنده اسلام بود از راه یافتن غلط و لحن نگهداری نمایند.

ابو الاسود دثلی اصول نحو را از علی علیه السلام یاد گرفته^۱ و بعد از آن بعلم عربیت (نحو) مشهور شده و جماعتی از او نحو را فرا گرفته‌اند که از آن جمله یحیی بن یعمر عداوتی قاضی خراسان و نصر بن عاصم لیثی بوده که در نحو و قرائت قرآن و فنون ادب مهارت پیدا نمودند ولیکن اشتغال گروهی بنحو جلوگیر این نیرو نشده و این موج قوی فساد زبان را بواسطه آمیزش و اختلاط مانع نگردیده.

در این وقت زیاد بن سمیه که والی بصره بود از ابی الاسود خواست طریقی برای اصلاح زبان‌ها اتخاذ کند و باو گفت که توده غیر عربی زیاد شده و بیگانگان زبان عربی را فاسد و تباه نموده‌اند، پس اگر تو چیزی را وضع کنی که مردم کلام و گفتار خود را بآن اصلاح نموده و کتاب خدا را اعراب دهند مناسب است.

ابو الاسود بجهت بعضی از موجبات که آنرا مشاهده مینمود ابتدا سرپیچیده و امتناع نمود ولیکن زیاد دست از مقصود خود بر نداشته، بمردی امر داد که در سر راه او نشسته، وقتی که ابو الاسود بوی نزدیک شد صدای خود را بقرائت قرآن بلند نموده و چنان مینمایانید که قصدش شنوائیدن بابی الاسود نیست و میخواند ان الله بیری من المشرکین و رسوله بکسر لام، ابو الاسود این امر را بزرگ شمرده گفت: خدا

(۱) باو گفته شد: این علم از کجا بتو رسیده و غرض ایشان نحو بود؟ گفت حدود آنرا از حضرت علی بن ابی طالب (ع) فرا گرفتم (ومیات الاعیان ج ۱ ص ۲۴۰ طبع مصر)

عزیز تر است از اینکه از رسول خود بیزاری جوید، پس همان حین بجانب زیاد برگشته، باو گفت: من ترا بآنچه خواستی اجابت نموده و پذیرفتم و عقیده یافتم که باعراب قرآن شروع کنم پس کاتبی بنزد من بفرست.

زیاد برای او سی نفر کاتب روانه نمود، او از میان ایشان یکی از عبدالقیس را برگزیده و گفت: مصحف را بگیر و رنگی که مخالف با رنگ مرکب (سیاه) باشد انتخاب نما، پس وقتی که دیدی من دلوب خود را بحرف گشودم يك نقطه در بالای آن بگذار و هر وقت که لبهای خود را فرو آوردم يك نقطه در زیر آن قرار ده و آنگاه که هر دلوب را بهم چسبانیدم نقطه را بمیان حرف بگذار و اگر چیزی از این حرکات را غنّه پیروی نمود آنوقت دو نقطه بگذار سپس شروع نمود که قرآن را بآرامی بخواند و نویسنده نقطه میگذاشت و هر وقت که نویسنده صفحه را تمام مینمود ابو الاسود بر آن تجدید نظر کرده و بدینگونه عمل خود را ادامه داد تا اینکه تمام قرآن را اعراب گذاشت و مردم هم بر طریقه او رفتار نمودند و آنها وقتی که حرفی را بعد از تنوین از حروف حلق میدیدند یکی از دو نقطه را بالای دیگری مینهادند و آن علامت بود که نون ظاهر میشود والا آنرا بجانب دیگر قرار میدادند تا علامت باشد که نون مدغم یا خفی است پس از آن مردم مدینه برای حرف تشدید از علامتی اختراع نمودند که بشکل قوس (کمان) بود و دو طرف آن رو به بالا بوده بدین شکل (—) بعدها پیروان ابی الاسود علامات دیگری در شکل زیاد

نموده و برای سکوت کشش افقی بالای حرفی که منفصل از آن بود اعم از اینکه همزه یا غیر آن باشد نهاده و برای الف وصل کششی در بالای همزه که بآن متصل بود در صورتیکه پیش از آن فتحه باشد گذاشته و در زیر آن اگر پیش از همزه کسره بود و در میان آن کششی اگر که قبل از آن ضمه بود می گذاشتند بدینگونه .

(+ L T)

فصل دهم

اعجام و نقطه گذاری در قرآن

مقصود از نقطه گذاری و اعجام جدا نمودن حروف متشابه و تشخیص آن از یکدیگر بوده که این امر بواسطه نقطه گذاری جهت رفع اشتباه انجام میگرفت ، پس همزه در ضمن نقطه گذاری برای سلب یعنی برطرف نمودن و ازاله عجمه و نقطه است چنانکه در این مثل است : شکوت الیه فاشکائی ای ازال شکوائی، یعنی که من باو شکایت کردم و او رفع شکایت مرا نمود .

مشهور این است که اختراع نقطه گذاری در دوره عبدالملک بن مروان شده و آنچه بتحقیق رسیده این است که نقطه گذاری پیش از اسلام بوده زیرا بطوریکه بر کتابهای قدیمی که قبل از خلاف عبدالملک مروان

نگاشته شده دست یافته اند در کتب مزبور نقطه گذاری بعضی از حروف مانند باء و یاء و نظیر آنها بوده .

علاوه بر این باتشابه صور حروف زیاد مانند باء و تاء و ثاء خیلی بعید است که نقطه گذاری نشده باشد و ممیزی که تمیز آن بدهد در کار نباشد پس حق آنست که نقطه گذاری قبل از اسلام بوده و لیکن درباره آن بتدریج سهل انگاری شده تا اینکه بیشتر آن از بین رفته و فراموش گردیده و از آن جز اندکی باقی نمانده تا اینکه دوره عبدالملک رسیده در آنوقت او نویسندگان را ملزم نموده که این عمل را رعایت کنند .

بیان این موضوع آنست که مردم از مصاحف عثمان مدت چهل و چند سال قرائت مینمودند و ما گفتیم که مصاحف عثمان خالی از نقطه و شکل بود^۱ .

با این وصف قاری در موقع خواندن متوقف مانده و نمیدانست که قرائت او صحیح است یا نه ، و در قول خدای تعالی (**ننشرها**)

(۱) نقطه که برای شکل و نقطه گذاری است در زمان عثمان معمول نبوده و نقطه در زمان اوجبارت از علامات مخصوص بلغاتی بود که صحابه آنرا قرائت مینمودند و صحیفه که نزد حفصه بود مبین لغات دیگری میشد که از گذاشتن نقطه بر حروف فهمیده میشد و بوضع آن اصطلاح و موافقت نموده بودند که نقاط دلالت بر اماله و ضم میم جمع و اشمام همزه و تسهیل و غیره را از قرآنی که اهل قبائل از پیغمبر روایت نموده بودند بنماید پس عثمان نویسندگان را امر نمود که قرآن را از این نقطه ها خالی بنمایند و برگزیده که قرآن بلفظ قریش نوشته شود زیرا که بزبان ایشان نازل شده

بزاء نقطه دار یا نشر ها براء بی نقطه است یا لتکون آیه من خلفك بقاء است یا لمن خلقك بقاف است و بدینجهت در عراق تصحیف و غلط خوانی زیاد شده حجاج که امیر عراق بود بیمناک گردید و بنویسندگان خود در زمان عبدالملک رجوع نموده و از آنها خواست علاماتی برای تشخیص حروف متشابهه وضع کنند و نصر بن عاصم لیثی را با یحیی بن یعمر عدوانی دو شاگرد ابی الاسود دثلی جهت این کار خواست، عموم مسلمین کراحت داشتند که چیزی بر صحف عثمان علاوه شود اگرچه برای اصلاح باشد و در آن بیم بدعت داشته و بسیاری از ایشان در پذیرفتن اصلاحی که ابوالاسود نموده بود مردد بودند.

پس بعد از جستجو و اندیشه نصر و یحیی را در صورتیکه آندو از تقوی و پرهیز بطوری که در دین خود متهم نبودند، بمداخله نمودن در اصلاح ثانوی مقرر داشتند و آن عبارت بود از وضع نقاط فرد و زوج جهت تمیز و تشخیص حروف متشابهه با سلوبی که اکنون در دست ما موجود است ولی پیش از این گذشت که حرکات و سکانات بطریق نقطه گذاری بوده و نیز نقطه گذاری هم بهمین نحو از راه نقطه انجام میگرفت پس برای جلوگیری از اشتباه بعضی از حرکات و سکانات و اعجام یا نقطه گذاری رسم کتابت مصحف این عمل را انجام دادند که حرکت برنگ سرخ گذارده میشد و نقطه گذاری برنگی که غیر از سرخ بود انجام میگرفت. ابو عمر و گوید: من جایز نمی شمارم، نقطه گذاری بسیاهی انجام گیرد زیرا که در این کار بتغییر صور رسم مصحف (یعنی رسم مصاحف

عثمان) عمل میشود و من چنین می بینم که حمزه ها را برنگ زرد بنویسند چنانکه مصاحف اهل مدینه بدینگونه است.

عثمان بن سعید دانی در کتاب **المقنع** خود گوید:

وقتی که تو رنگ سبز را برای الف های وصل بکار بردی بطوری که مردم شهر ما از قدیم مینمودند من در آن بیمی نمی بینم و شهر او (دانیة) اندلس بوده، اهل اندلس استعمال چهار رنگ را در مصاحف بکار میبردند.

سیاهی برای حروف، سرخی برای شکل بطریقه نقطه گذاری، زردی برای حمزه ها، سبزی برای الف های وصل و طریقه ابی الاسود جز در مصاحف اشتهار پیدا نمود که آن فقط برای حفظ قواعد قرآن بود.

باب سوم

اروپائیان و قرآن

فصل اول

ترجمه قرآن بزبان های اروپائی

ابتدا هیچکس بترجمه قرآن مبادرت ننمود، مگر بعد از اینکه کتب ولغت و فرهنگ ها زیاد گردید، و اولین ترجمه قرآن بزبان لاتینی که ابتدا زبان علمی اروپا بود در سال ۱۱۴۳ بقلم روبرت کنت (Robert Kennett) انجام گرفت، او در کار خود ببطرس طیطلی (Pedro ditoleado) و دانشمند دیگر غربی دستیار و کمک جسته، پس از آن قرآن مجید از راه اندلس و اسپانیا باروپا داخل شد و غرض ایشان از ترجمه قرآن عرض نمودن پروردی کلونی (Prerre di Clinii) بقصد رد بوده است.

بعد از آن دیده میشود که قرآن بلاتینی ترجمه و انتشار یافته، (۵۰۹ م) ولیکن بخوانندگان اجازه داده نشده بود که آنرا گرفته و متداول نمایند زیرا که چاپ آن ردهائی که بر قرآن نوشته شده بود

همراه نداشت Refutation

در سال ۱۵۹۴ هنکلمان (Hinckelmann) ترجمه خود را صادر نموده و در اثر آن در سال ۱۵۹۸ چاپ ماراکسی Marracci با ردهائی که داشت انجام گرفت، و بعضی از خویندگان و باحثین در کتابخانه مرسلین امریکائی در بیروت بر نسخه از چاپ مارا کسی آگاهی یافتند، و بعد از آن قرآن شروع بجلوه و ظهور نموده و حقیقت خود را بعالمیان ثابت گردانید و از آنرو بزبان های اروپائی از انگلیسی - فرانسه آلمانی - ایتالیائی - روسی و غیره ترجمه گردید، بطوریکه اکنون لغتی از ترجمه قرآن یا ترجمه های او خالی نمانده، و باین وصف قرآن توجه دانشمندان دنیا را بسمت خود معطوف نمود.

از قدیمی ترین ترجمه ها ترجمه سایل Salee - Ceo بزبان انیگسی است که در (۷۳۴ م) انجام گرفته باینکه سایل در ترجمه قدری وسعت داده و عقید بحرف اصل فشد معذلت ترجمه او از نفیس ترین ترجمه ها و نافعترین آن در نوبت خود گردیده.

تذییل مترجم در باره بیان نام دانشمندان اروپائی و خاورشناسانی که در ترجمه قرآن مجید و طبع آن مبادرت نموده اند

مترجم این کتاب در اینجا لازم شمرد که برای یادآوری خاطر خوانندگان نام چند تن از دانشمندان اروپائی و خاورشناسان را که بترجمه و طبع قرآن مجید مبادرت نموده یا خدمتی در اینراه انجام

داده‌اند بیان کنند لذا نام عدّه از آنان را از کتاب (فرهنگ خاورشناسان) مؤلفه خود استخراج نموده و خوانندگان را برای اطلاع زیادتری از گزارش و تراجم هریک از ایشان بآن کتاب حواله و ارجاع مینماید اینک ذیلا سامی هر کدام بترتیب حروف لاتین نگاشته می‌شود:

اربانوس Arbanus از دانشمندان قرن هفدهم است که در ۱۶۱۳ در لیدن کتابی در اصول و قواعد زبان عربی نوشته و در همین اوقات قرآن مجید را هم ترجمه نموده.

۱ - **انکلمان ابراهام** Anclement Ebrahim یکی از اروپائیان است که در چاپ کلام الله مجید اهتمام نموده و این کتاب مقدس را با مقدمه لاتینی در ۱۶۹۴ در هامبورگ بطبع رسانید و ترجمه لاتینی قدیمتر **بیب لیاندر** Bib liander است که در ۱۵۴۳ انجام یافته.

۲ - **بارتلمی سنت هیلر** Barthelemy St Hilaire مرد سیاسی و فیلسوف و خاورشناس معروف دانشمند متولد ۱۸۰۵ متوفی ۱۸۸۵ مترجم آثار ارسطو که قرآن کریم را در ۱۸۶۵ طبع نموده و کتاب محمد و قرآن را در این سال نوشته و در پاریس بچاپ رسانیده.

۳ - **گازیمر سکی** Gasimereşyui مستشرق لهستانی متوفی ۱۸۷۰ که قرآن مجید را بفرانسه ترجمه و در ۱۸۴۰ به چاپ رسانیده.

(۱) تمدن عرب کوستاولوبون - فهرست (۲) تمدن عرب کوستاولوبون
۱۸۶۵ - فهرست
(۳) ادب اللغة جرجی زیدان ج ۴ (تمدن عرب کوستاولوبون) (فهرست)

۴ - **ادوارد لین** Edwards Lana خاورشناس انگلیسی متوفی ۱۸۷۶ که در زبان عربی تخصص داشته و منتخباتی از قرآن کریم ترتیب داده.

۵ - **فلایشر** Fleisher خاورشناس آلمانی متولد ۱۸۰۱ متوفی ۱۸۸۸ که خدماتی زیاد بعلوم و معارف اسلامی نموده و کتبی چند نشر داده که از جمله تفسیر قاضی بیضاوی (انوار التنزیل) در سه مجلد با فهرست آن است.

۶ - **آلاندا تون** Galland Antoin از خاورشناسان فرانسه متولد ۱۶۴۶ و متوفی ۱۷۱۵ که مترجم کتبی چند از فارسی و عربی است و قرآن مجید را هم بزبان فرانسه ترجمه نموده.

۷ - **گوستاو فلو** Gustave Fluyel مستشرق آلمانی که از دانشمندان مشهور است و در ۱۸۷۰ وفات یافته این خاورشناس خدماتی زیاد بمعارف و دانش شرقی اسلامی نموده متن عربی قرآن کریم را با کتاب نجوم الفرقان یا کشف آیات قرآن در ضمیمه کلام الله سال ۱۸۴۲ بچاپ رسانیده.

۸ - **گوستاو لوبون** Gustave Le Bon دانشمند فیلسوف معروف متولد ۱۸۴۱ متوفی ۱۹۳۱ که در کتاب تمدن عرب خود قسمتی از آیات

(۱) ادب اللغة جرجی زیدان ج ۴

(۲) ادب اللغة جرجی زیدان ج ۴ (۳) ادب اللغة ج ۴ (۴) ادب اللغة ج

معجم - المطبوعات

قرآنی را بفرانسه ترجمه کرده و در اطراف قرآن بحث و مطالعاتی نموده
 ۹- ژان میلیا J. Milia خاورشناس معاصر فرانسوی که قرآن
 مجید را بعنوان Le Coran Pour la France Par Jean Milia ترجمه
 نموده^۱.

۱۰- ژول لایوم Jules Labume خاورشناس دانشمند معاصر
 که خدمتی بزرگ بقرآن مجید نموده و فهرستی مخصوص برای قرآن
 ترتیب داده محتویات کلام الله را تحت آئین خاصی تدوین کرده^۲ که
 تفصیل آن را مترجم ضمن نام و گزارش او در کتاب فرهنگ خاورشناسان
 خود نگاشته است.

۱۱- لیس ویلیام ناسو Lees william Nassav خاورشناس
 قرن نوزدهم که ناشر آثار بسیاری از بزرگان علمای اسلامی است و
 در طبع و نشر قرآن مجید با تفسیر کشف زمخشری مبادرت نموده^۳.
 ۱۲- ماردیس Dr. Mardrice خاورشناس که از دانشمندان آگاه
 بزبان قرآن بوده و کتاب کریم را ترجمه نموده.

۱۳- نوئلدکه Noëldeke نوئدر نوئلد که آلمانی، متولد ۱۸۳۶
 متوفی ۱۹۳۱ استاد معمر و مستشرق نویسنده تاریخ قرآن که آنرا در
 کوپننکن سال ۱۸۶۰ چاپ نموده و پس از انجام این خدمت از طرف
 انجمن آکادمی (فرهنگستان) فرانسه جایزه علمی گرفته و ناشر و مترجم

(۱) دائرة المعارف لیدن (۲) مجله الهلال
 (۳) آداب اللغة ج ۴

کتب آثار شرقی و نگارشات علمای اسلامی است^۱.

۱۴- پالمر palmer دانشمند خاورشناس انگلیسی استاد دانشگاه
 کمبریج که قرآن مجید را بانگلیسی ترجمه نموده، و نشر داده و
 در ۱۸۸۳ وفات نموده^۲.

۱۵- ساواری Savary که از دانشمندان اروپا است ترجمه
 بقرآن مجید نوشته و بچاپ رسانیده.
 عده دیگری هم از علمای اروپا و خاورشناسان این خدمت مهم
 را انجام نموده اند که ما برای اختصار از ذکر نام و گزارش ایشان صرف
 نظر مینمائیم.

(۱) آداب اللغة ج ۴ تمدن اسلام کوستاولوبون (فهرست)
 (۲) آداب اللغة ج ۴

فصل دوم

عقیده بعضی از دانشمندان اروپا در تاریخ

سوره های قرآن

مهمترین کتابی که اروپائیان در تاریخ قرآن تألیف نموده اند، کتاب **نولدکه** Theodor Noéldeke آلمانی است.^۱

در این کتاب بحث های تحلیلی مهمی بعمل آمده چنانکه بهمین نحو در کتاب مزبور چیزهائی است که بواسطه ذکر و بیان آن عالمی محقق مانند نولدکه مورد مؤاخذه و اعتراض گردیده، برای اینکه بعد لزوم در اطراف موضوع چنانکه شایسته و سزاوار بوده جستجو و اندیشه ننموده.

نولدکه در کتاب خود از تاریخ قرآن موضوعاتی پراکنده را بحث کرده که دلالت و گواهی بر بی اطلاعی و عدم آگاهی او می نماید چنانکه هم آواز حقیقت وحی و نبوت و شخصیت پیغمبر اکرم و نزول قرآن و تاریخ نزول سوره ها و مکی و مدنی بودن آنان بحث نموده. ماخلصه بحث او را در تاریخ سوره ها برگزیده و نظر بقوایدی که در آن بود در اینجا ایراد نمودیم اگرچه او این مطالب را از عین مصادر عربی گرفته که ما از آن گرفته ایم.

(۱) چاپ دوم کتاب تاریخ قرآن ۱ و ۴ و ص ۲۴ ج ۱

نولدکه در کشف تاریخ سور و روشنی استوار را اتخاذ نموده که گاهی شخص را بجانب حق می کشاند، جهت اینکه او جنگها و غزوات حادثه در زمان پیغمبر اکرم را مرتب کرده و تاریخ آن از روی مدارك صحیحه پیدا نموده مانند: جنگ بدر - خندق - صلح حدیبیه - و مانند آنها از مدارك صحیحه تاریخ آنچه از قرآن در آنقضایا نزول یافته فهمیده میشود و نیز اختلاف لهجه قرآن و روشن خطابی آنرا دلیلی دیگر برای تاریخ آیات قرار داده. مثلاً نولدکه میگوید: بیشتر خطابات وارده در آیات قرآن بلفظ (یا ایها الناس) و قسمتی که در بیم و انداز و وعده بعذاب است در اول دوره نبوت نازل شده که عده مسلمانان در آنوقت کم بوده و خطابهائی که بلفظ (یا ایها الذین آمنوا) نزول نموده با آیات رحمت بعد از ازدیاد عده مسلمین و مؤمنین میباشد.

نولدکه در ضمن بحث تحلیلی خود در روایات و احادیث و گفتار علمای تفسیر در تاریخ قرآن شك و تردید مینماید و در عین حال از مجموع آن چیزی را گرفته که فکر او را روشن گردانیده و غالباً ویرا بجانب کشف تاریخ سور و آیات راهنمایی و ارشاد نموده.

این استاد ترتیب سور را از کتاب **ابو القاسم عمر بن محمد بن عبد الکافی** از رجال قرن پنجم گرفته، که ما ترتیب کلام او را یاد نمودیم و لیکن او در کتاب خود ترتیب نزول را روی دو قسمت قرار داده: **مکی - مدنی** و سوره علق را که اول سوره ایست که بنا بر روایات محدثین نزول نموده در اول قرآن میگذارد و سوره **القلم** را که بعد از آن نزول یافته پس از این سوره قرار داده بدین ترتیب:

ترتیب قسمت مکی برای نولدکه

۹۶ - ۶۸ - ۷۳ - ۷۴ - ۱۱۱ - ۸۱ - ۹۲ - ۸۹ - ۹۳ - ۹۴
 ۱۰۳ - ۱۰۰ - ۱۰۸ - ۱۰۷ - ۱۰۹ - ۱۰۵ - ۱۱۳ - ۱۱۴
 ۱۱۲ - ۵۳ - ۸۰ - ۹۷ - ۹۱ - ۸۵ - ۹۵ - ۱۰۶ - ۱۰۱ - ۷۵
 ۱۰۴ - ۷۷ - ۵۰ - ۹۰ - ۸۶ - ۵۴ - ۳۸ - ۷ - ۷۲ - ۳۶
 ۲۵ - ۳۵ - ۱۹ - ۲۰ - ۵۶ - ۲۶ - ۲۷ - ۲۸ - ۱۷ - ۱۰
 ۱۱ - ۱۲ - ۱۵ - ۶ - ۳۷ - ۳۱ - ۳۴ - ۴۰ - ۴۱ - ۴۲
 ۴۳ - ۴۴ - ۴۵ - ۴۶ - ۵۱ - ۸۸ - ۸۱ - ۱۶ - ۷۱ - ۱۴
 ۲۱ - ۲۳ - ۳۲ - ۵۲ - ۶۷ - ۶۹ - ۷۰ - ۷۸ - ۷۹ - ۸۲
 ۸۴ - ۳۰ - ۲۹ - ۸۳

ترتیب قسمت مدنی برای نولدکه

۲ - ۸ - ۳ - ۳۳ - ۶۰ - ۴ - ۹۹ - ۵۷ - ۴۷ - ۱۳
 ۵۵ - ۷۶ - ۶۵ - ۹۸ - ۵۹ - ۱۱۰ - ۲۴ - ۲۲ - ۶۳ - ۵۸
 ۴۹ - ۶۶ - ۶۲ - ۶۴ - ۶۱ - ۴۸ - ۵ - ۹ (۱)

(۱) ص ۵۸ ج ۱ تاریخ قرآن نولدکه (Noeldeke)

فصل سوم

بحث در فواتح (آغاز) سوره‌های قرآن

از مشکلترین مسائلی که جوینده در قرآن مجید از ناحیه علمی و تاریخی بآن تصادف میکند فهم معانی حروف وارده در اوایل سوره‌ها است با آنچه که برای آن از ارتباط خاص بتاریخ قرآن است.

اگرچه مفسرین از صحابه و بعد از ایشان تا کنون در این راه بمذاهب مختلفه در تفسیر آنها رفته‌اند، معذک تابحال این موضوع دشوار ندانسته و مجهول مانده و بسیاری گفتار با پراکندگی مذاهب و روش عموم دلیل بردشواری و ابهام این امر است.

ما مهمترین آراء و تفاسیر مذکوره در تمام این حروف یاد بعضی از آن را یادآوری نموده و قول راجح و گزیده آنرا بیان مینمائیم:

۱- از مجاهد رسیده که: ق - ص - حم - طسم این الفاظ فواتح و اوایل سوره‌ها هستند.

۲- از ابن عباس رسیده است که: الم - حم - ن نامهای مقطع می‌باشند (الم یعنی انا الله اعلم).

۳- از عکرمه وارد شده که: الم - حم^۲ اشاره باین است که

(۱) طبری ص ۶۸ ج ۱

(۲) طبری ص ۶۷ ج ۱

سورهای پیش از آن با آخر رسیده و انتهای یافته و اینها علامت ختم سوره قبل است^۱.

نووی^۲ در کتاب خود (تهذیب الاسماء واللغات) در (حم) پنج تأویل ذکر کرده و گوید:

۱- این حروف نامی از نامهای خداست که بآن قسم خورده چنانکه از ابن عباس رسیده.

۲- آنها نامی از نامهای قرآنند چنانکه از قتاده روایت شده.

۳- حروف مقطعه از نامهای خدای تعالی است که آن رحمن و رحیم است.

۴- آنها نام محمدند که حضرت جعفر بن محمد علیه السلام فرموده:

۵- آنان فواتح و آغاز سوره‌ها چنانکه مجاهد روایت کرده.

در حدیث آمده «شعار کم حم لاینصرون».

از هری گوید: از ابوالعباس از قول پیغمبر اکرم (ص) حم لاینصرون پرسیدند جواب داد: معنای آن والله لاینصرون است که کلام خبری است.

در کتاب لسان العرب^۳ در حدیث جهاد است: «اذنا بتیم فقولوا حامیم لاینصرون».

(۱) طبری ص ۹۶ ج ۱ (۲) نووی علامه محیی الدین بن شرف نوری متوفی ۶۷۸ هـ در ص ۷۲ ج ۱ طبع مصر (۳) لسان العرب ص ۴۰ ج ۱۵

ابن اثیر گوید: معنای آن اینست، وقتی که بشما شبیخون زدند بگوئید حامیم آنها یاری کرده نمیشوند یا خداوند آنها منصور نشوند. طبری گوید: جماعتی گفتند از این جهت سوره‌ها باین حروف ابتدا شده‌اند تا اینکه گوشهای مشرکین و بت پرستان برای شنیدن قرآن بواسطه استماع آن بساز گردد، زیرا آنها بیکدیگر سفارش در رو گردانیدن از قرآن مینمودند تا وقتی که گوش بآن بدهند قرآن مؤلف برایشان خوانده شود.

نووی نیز از قتاده روایت نموده که گوید: (ق) اسمی از اسمای قرآن است و گوید که ابو عبیده و زجاج گفته‌اند: سوره بآنان شروع شده چنانکه غیر آن بحروف هجا شروع گردیده مانند: (ن - الم - المر) فراء و زجاج حکایت می‌کنند که مردمی از اهل مدینه گفتند معنی قاف قضی الله ما هو کائن است و بقول شاعر احتجاج نموده‌اند

قلت لها قفی فقلت قاف

معنی آن «قالت قف» است و این کلام واحدی است.

ابن طائوس در کتاب (سعد السعود) از جزء اول از شرح تأویل القرآن و تفسیر معاینه^۱ تصنیف ابی مسلم محمد بن بحر اصفهانی از تفسیر حروف مقطعه (الم) و باقی حروف مزبور نقل نموده و میگوید که گفت ابو مسلم گوید: آنچه که در نزد ما است این است وقتی که حروف معجم اصل کلام عرب است و توحیدی ایشان بقرآن بسوره مانند آن بود یا اینکه

(۱) این تفسیر نزد او موجود است سال ۶۶۴

سوره بمافند آن بیاورند ، آنوقت خواسته بگویند این قرآن که ازجنس همین حروف مقطعه است که شما آنرا می شناسید و می توانید بمانند آن بیاورید ، پس عجز و ناتوانی شما از آوردن بمثل قرآن و سوره بمانند آن دلیل بر این است که منع و تمعین و بازداشتن از اینکار همانا ازطرف خدا است و این دلیل بر نبوت و حقانیت رسول خدا خواهد بود .

سپس گویند : از جمله چیزی که دلالت بر تأویل آن دارد اینست که هر سوره بحروفی ابتدا شده که شما آنها را می شناسید و اشاره بقرآن است یعنی که قرآن از این حروف درست شده که شما می شناسید و بر آن توانائی دارید پس از خودش پرسیده و گویند : اگر مراد این معنی بود بایستی که در يك سوره باین حروف اكتفاء نموده باشد ، پس در جواب گویند که عادت عرب بر اینست ، در موقعی که بخواهند بمخاطب چیزی را درست بفهمانند آنرا تکرار میکنند .

پس اهم آراء در نظر عقل دو رأی اخیر است که اول آنرا طبری از جماعتی روایت نموده و آن اینست :

« سوره هائی که ابتدا باین حروف شده برای جلب نظر مشرکین بجانب شنیدن قرآنی است که از این حروف ترکیب گردیده » .

رأی دیگر همانست که آنرا ابن طاووس علوی از ابی مسلم محمد بن بحر اصفهانی روایت کرده ، که آن جلب نظر مردم بر اینست که قرآن از حروفی مرکب است که شما از آوردن مانند آن عاجزید ، در صورتی که شما بهمین حروف حرف میزنید .

اروپائیان هم باین رفته و از فواتح سور بحث نموده اند و بطوری که جستجو و بحث های ایشان تحت بررسی و مذاقه آمده و بدانها اطلاع پیدا شده عقیده و آرائی که از ایشان در نظر تاریخ و علم ارزش داشته باشد وجود ندارد .

دائرة المعارف اسلامی (Encyclopaedic der Islam) بقلم بل T Bhl در فقره ۱۵ از ماده قرآن آراء و عقاید شخصی باور Bawer و نولد که Noeldeke را بعد از ذکر عقاید و آراء علما و بزرگان اسلامی که ما خلاصه آنرا از مصادر محکمه ذکر نمودیم ایراد مینماید .
ما از ذکر آراء شخصی این اشخاص اروپائی بواسطه ضعف و عدم استناد آن بدلیل علمی صرف نظر نمودیم .

والله یهدی الی الحق

فهرست اعلام کتاب تاریخ قرآن

الف

آرام بن سام	۲۲	پا صفحه	ابن خالویه	۳	پا صفحه
ابان	۵۱		ابن حذیفه بن الیمان صحابی	۱۵-۸۱	
ابراهیم	۱۰		ابن داود	۸۲	
ابراهیم بن عمر بقاعی	۶۰-۷۰		ابن ذکوان	۱۰۹	
ابراهیم بن منذر خرامی	۹		ابن سعد	۵۰	پا صفحه
ابراهیم بن هاشم قمی	۵۴	پا صفحه	ابن سیرین	۵۸-۴۸	
ابن ابی داود	۵۰	پا صفحه	۵۷-۷۶-۵۸		ابن شهاب
ابن ابی شیبه	۴۸		ابن طاوس	۱۳۳-۹۷-۸۶	
ابن نجیح	۳۳		ابن طاوس علوی	۹-۱۳۴	
ابن ابی یعقوب الندیم	۳۲		ابن عامر	۱۰۸	
ابن اثیر	۱۳۳		ابن عباس	۲۵-۵۸	پا صفحه -
ابن اشته	۳۳-۴۸-۵۸			۷۳-۹۷-۱۰۴-۱۳۱-۱۳۲	
ابن ام مکتوم	۴۹		ابن عبدالبر	۴۴	
ابن جریج	۷۳		ابن عیاش	۱۱۰	
ابن جذعان	۲۵	پا صفحه	ابن فضل الله عمری	۸۵	
ابن جنی	۳		ابن کثیر	۱۰۶	
ابن حجر	۴۹	پا صفحه	۵۸-۸۰-۸۳		ابن کثیر عبدالله بن زبیر

ابن مسعود	۴۹-۴۷-۴۱		ابو الحسن علی بن حمزه کسائی		
ابن معین	۱۱۴		نحوی	۱۱۳	
ابن منادی	۸۷		ابو الحسن محمد بن یوسف	۳۲	
ابن الندیم	۳۸	پا صفحه	۷۰-۹۱-۹۴		ابو حنیفه
ابن وهب	۴۴		ابو خزیمه انصاری	۷۸	
ابو الاخریط	۱۰۷		ابو الدرداء عویمر بن زید	۵۶-۵۷	
ابو الاسود دثلی	۱۱۶		ابو ریحان بیرونی	۸	
ابو ایوب انصاری	۵۷-۱۰۶		ابو زرعه حافظ دمشقی	۱۱۰	
ابو بکر	۱۸-۴۸-۷۷		ابو زکریا محی الدین بن شرف نووی	۹	
	۷۸-۷۹-۸۰-۷۶		ابو زید ثابت بن زید انصاری	۵۶-۵۷	
ابو بکر بن ابی قحافه	۷۶		ابو سفیان	۵۱	
ابو بکر بن انباری	۳۷-۱۱۳		ابو سعید	۱۰۵	
ابو بکر بن عاصم بن ابی النجود	۱۱۰		ابو سعید عبدالله بن کثیر	۱۰۶	
ابو جعفر	۱۰۴		ابو طالب	۱۶-۱۹	
ابو جعفر جریر طبری	۳۱		ابو العالیه	۱۰۷	
ابو الحارث	۱۱۴		ابو العباس	۱۳۲	
ابو الحسن	۱۰۶		ابو عبدالله بن حجاج	۸۴	
ابو الحسن احمد قواص	۱۰۷		ابو عبدالله حسین بن احمد خالویه	۳۲	
ابو الحسن بن حصار	۳۷-۳۸		۳		پا صفحه

۱۲۱-۱۱۷	ابو عبیده	۵۵-۴۹-۴۱-۳۸-۳۳	ابی الاسود
۴۹	پا صفحه ۱۳۳		ابی اسحق
۸۱	ابو عبیده قاسم بن سلام	۳۸ پا صفحه	ابی بکر
۱۰۷-۸۵-۵۱-۴۳-۴۱	ابو عمار بن نصیر سلمی قاضی	۱۰۹	ابی بن کعب
۵۷-۵۶	ابو عمرو	۳ پا صفحه ۱۲۰-۱۰۷	ابی بن کعب بن قیس ملک
۲۸	ابو عمرو و حفص بن سلیمان بن مغیره		ابی بن وهب
۸۵	بزاز ۱۱۱		ابی جعفر محمد بن منصور
۷۹	ابو عیسیٰ خلد بن خالد صیرفی	۱۱۳	ابی خزیمه
۸۳	ابو الفتح محمد بن ابی القاسم		ابی خزیمه بن ثابت انصاری
۸۵	عبد الکریم بن احمد شهرستانی		ابی حذیفه
۱۱۲	۴۶ پا صفحه		ابی شبل علقمة بن قیس
۸۵	ابو القاسم عمر بن محمد عبد الکافی	۱۲۹	ابی عبد الله بن مسعود
۵۴	ابو الولید	۱۰۹	ابی عبد الله جعفر بن محمد (ع)
۴۴	ابو کریب		ابی عبد الله جعفر بن محمد الصادق
۱۰۷	ابو محمد بن خلف البزاز	۱۱۳	ابی عمر بن علاء
۳	ابو محمد عبد الله بن وهب	۴۹ پا صفحه	ابی عمر عثمان بن سعید دانی
۶۰	ابی مسلم	۱۳۳	ابی القاسم
۱۰۸	ابو نعیم		ابی القاسم عمر بن محمد بن عبد الکافی
۴۹	ابو هريره	۷۰-۶۰	
۷۶	ابی الاخریط	۱۰۷	ابی قحافه

۱۱۳	ابی لیلی	۱۱۳	الیوس کالوس
۴۹	ابی محمد سلیمان بن مهران اعمش	۱۱۲	ام سلمه
۸۵	ابی محمد یحییٰ بن وثاب اسدی	۱۱۲	امیر المؤمنین علی بن ابیطالب
۲۴	ابی مسلم محمد بن بحر	۱۳۳	امیه
۵۶	ابی یعلیٰ حمزه حسنی	۸۸	امرء القیس
۱۰۶-۸۱-۵۶	ابی هريره	۱۰۴	انس بن مالک
۱۲۴	اتویریتزل	۲	انکلمان ابراهام
۱۲-۹	احمد بن یعقوب بن واضح	۸۸ پا صفحه	انوشیروان
۲۸	احمد زکی پاشا	۱۰ پا صفحه	اوس بن خولی
۱۰۹	ادوارد لین	۱۲۵	ایوب بن تمیم
	الدوری	۱۰۸	(ب)
۱۲۴	اربان یوس	۱۲۴	بار تلمی سنت هیلر
۱۷	ازهری	۱۳۲	بحیراء
۷۷-۵۶-۵۳-۵۱-۳۹	السوسی	۱۰۸	بخاری
۲	اعرج	۱۰۴	برجستر استر
	اکیدر	۲۴	برهان الدین ابواسحق عمر بقائی
	اگوست	۱۳	شافعی ۶۰ پا صفحه
	(الف)		بزی
	الیوسی	۱۱	بزی احمد بن عبد الله بن قاسم
	الیولیوسی	۱۰	بشیر بن عبد الملك

بطرس طلیطلی	۱۲۲	حاکم	۵۸	پاصفحه
بغوی ابو محمد حسین بن مسعود		حافظ ابوزکریا	۹	
شافعی ۴۸		حافظ ابو عمر	۱۱۴	
بل	۱۳۵	حافظ جلال الدین سیوطی	۳۶	پاصفحه
بلال	۴۹	حافظ ذهبی	۴۶	
بیہقی	۵۷	حافظ شمس الدین ذهبی	۲۷	
(پ)		حبیب بن عماره زیات تیمی	۱۱۲	
پالمر	۱۲۷	حجاج	۱۲۰	
پردی کلونی	۱۲۲	حذیفه	۸۲-۴۹	
(ت)		حذیفه الیمان	۸۱-۵۱	
تمیم الداری	۵۷-۵۰	حرب بن امیة بن عبد الشمس	۲۴	
تمیمی	۱۰۹	حسن (ع)	۳۱	
(ث)		حسن بصری	۱۰۷	
ثابت بن قیس	۵۱	حسن بن عیاش	۸۷	
(ج)		حطان	۱۰۷	
جعفر طیار	۱۹	حفص	۱۱۱	
جر جی زیدان	۱۲۴-۱۲۵	حفص بن عمر مقرئ	۱۰۸	
جمال الدین یوسف	۴۴	حفصه	۸۰-۴۹	
(ح)		حکم بن ظہر سدوسی	۸۷	
حارث محاسبی	۵۴	حمزہ	۱۱۲	

حنظلة بن ربیع	۵۱	روبرت کنت	۱۲۲	
حویط بن عبد العزی عامری	۵۱	(ز)		
(خ)		زبان بن علاء عمار	۱۰۷	
خارجہ بن زید بن ثابت	۸۳-۴۶-۲۷	زبیر بن عوام	۵۱-۱۹-۱۸	
خارجہ بن زید بن ثابت انصاری	۲۷	زہری	۳۴-۳۲	
خالد	۵۱	زیاد	۳۳	
خالد بن ولید	۵۱	زیاد بن سمیہ	۱۱۶	
خدیجہ	۱۹-۱۸-۱۷	زید	۷۹-۷۷	
خطائی	۵۵	پاصفحه	زید بن حارثہ	۱۷
خفاجان	۲۵	پاصفحه	زید بن ثابت	۵۶-۵۳-۵۱-۴۸-۴۱-۲۷
خلاد	۱۱۳		۸۵-۸۴-۸۲-۸۰-۷۸-۷۷-۷۵-۵۷	
خلف	۱۱۳	زید بن قعقاع	۱۰۷	
خلیفہ ابن الخیاط	۹	(ژ)		
خویدد	۱۷	ژان میلیا	۱۲۶	
خوارزمی	۵۸	ژول لا بوم	۱۲۶	
(د)		ژولین	۱۰	
دانی	۱۱۳	(س)		
دوری	۱۱۴-۱۰۸	سالم	۴۹	
(ر)		سالم مولی	۸۵	
رافع بن مالک	۲۸	ساواری	۱۲۷	

سایل	١٢٣	سیوطی	٤٩ - ٥٨	پا صفحہ
سراج الدین النشار	١١٤	(ش)		
سعد	٤٩	شیل	١٠٦ - ١٠٧	
سعد بن ابی وقاص	٥١ - ١٨	شرح جیل بن حسنه	٥١	
سعد بن عبید	٥٧	شعبه	١١١	
سعد بن عبید بن نعمان عمر بن زید		شفیق بن سلمه	٤٠	
٥٥ - ٥٦	پا صفحہ	شمس الدین سامی	٥١	پا صفحہ
سعد السعود	٨٤ - ٨٦ - ٩٧	شمس الدین محمد جزری	٣	
سعید بن زرارہ	٢٨	شہاب الدین فضل اللہ بن احمد بن		
سعید بن عاص	٥١ - ٨٢ - ٨٧	یحییٰ بن فضل اللہ	٨٥	پا صفحہ
سعید بن منصور	١٠٤	شہرستانی	٥٩ - ٩٧ - ١٠٠	
سفیان	٣٣	شیخ الطایفہ امام محمد بن حسن		
سفیان بن عینیہ	١٠٧	طوسی	٤٠	
سلیم بن قیس ہلالی	٥٨	شیخ بخاری	٩	
سلیمان بن اشعث اسحق محدث		شیخ طوسی	٤٠	پا صفحہ
٥٠	پا صفحہ	شیخ مفیدہ محمد بن نعمان	٤١	پا صفحہ
سوسی ابو شعیب صالح بن زیاد	١٠٨	(ص)		
سید رضی	٥٩	ملا صالح قزوینی	٥٨	
سید مرتضیٰ علم الہدی	٥٩	(ض)		
سوید بن علقمہ	٨٦	ضحاك بن زید بن لوزان	٥٧	پا صفحہ

عبدالرحمن بن عبدالقادرى	٣٩	(ط)		
طبرانی	٥٧	پا صفحہ		
طبری	٥١	پا صفحہ	٥٤	عبدالعزیز
طلحہ	٤٩			عبدالقیس
طلحہ بن عبداللہ	٥١ - ١٨			عبداللہ
(ع)				عبداللہ بن احمد بشیر ذکوان
عائشہ	٤٩			عبداللہ بن احمد حنبل
عاصم	١١٠ - ١١١ - ١١٢			عبداللہ بن احمد خلیل
عامر	٥٢			عبداللہ بن ارقم
عامر بن قیس	٨٤			عبداللہ بن جذعان
عبادہ بن صامت	٥٠ - ٥٧			عبداللہ بن حبیب ربیعہ
عبادہ بن صامت بن قیس	٥٧	پا صفحہ		عبداللہ بن رواحہ
عباس صحابی	٩٧			عبداللہ بن زبیر
عبدان	١٠٩			عبداللہ بن سائب
عبدالحمید	٢٩	پا صفحہ		عبداللہ بن سائب بن ابی السائب
عبدالرحمن	٣٣			عبداللہ بن سعد
عبدالرحمن بن ابی بکر	٤٤			عبداللہ بن عامر
عبدالرحمن ابی حماد	٨٧			عبداللہ بن عباس صحابی
عبدالرحمن حارث بن ہشام	٨٢			عبداللہ بن عباس بن عبدالمطلب
عبدالرحمن بن زیاد بن العم	٢٥	پا صفحہ	٤٩	پا صفحہ

عبدالله بن عمر	۴۹	پاصفحه	علاء بن حضرمی	۵۱
عبدالله بن غافل بن حبیب هذیلی	علقمه	۱۱۲		
صحابی ۴۳ پاصفحه	علی (ع)	۱۸-۳۲-۴۱-۵۱-۵۴-۵۵		
عبدالله بن مسعود	۸۵-۴۳-۴۰	۸۸-۵۹-۵۸		
۹۶-۹۴				
عبدالمطلب	۱۸-۱۶-۱۲	علی ابن ابراهیم قمی	۷۵	۵۴
عبدالمک	۱۲۰	علی ابن ابی طالب ۱۱۰-۱۱۶ پاصفحه		
عبدالمک بن مروان	۱۱۸	۸۸-۸۶		
عمید بن ساق	۷۷	علی بن ابوطالب	۸۶	
عمید بن عمیر	۳۳	علی ابن ریاح	۵۸	
عمید بن معاویه	۵۶	پاصفحه	علی ابن محمد طاوس علوی	۸۴
عثمان	۸۶-۸۵-۸۴-۸۳-۸۲-۸۰	عمار	۴۹	
عثمان بن سعید مصری	۱۰۵	عمار بن غزیه	۸۰	
عثمان بن سعید دانی	۱۲۱	عمر	۷۶-۷۷-۷۸-۷۹-۸۰	
عثمان بن عفان	۸۵-۴۸-۱۹-۱۸	عمر ابن زادن	۱۰۶	
عراک بن خالد مزی	۱۰۹	عمر بن الخطاب	۵۷	پاصفحه ۱۸
عروة بن زبیر	۳۹	۳۹-۵۲-۷۶-۱۰۶-۱۰۷		
عطاء خراسانی	۷۳	عمر ابن عامر انصاری	۴۱	
عقبة بن عامر	۵۰	عمر ابن عبدالعزیز	۱۰۹	
عکرمه بن سلیمان مکی	۱۰۶	عمر ابن عاص	۴۹	پاصفحه ۵۱

عیاشی	۵۳	کسائی	۱۱۴-۱۱۳	
عیسی (ع)	۱۳	کوسین دی بر سوال	۷	پاصفحه
عیسی بن عمر	۱۱۳	(ک)		
(ف)		گالاندانتوان	۱۲۵	
فاطمه الدوسی	۵۱	گوستا و فلو گل	۱۲۵	
قراء ابوزکریا یحیی ابن زیاد دیلمی		گوستا و لوبون	(۱۲۷-۱۲۴)	
۴ و پاصفحه		پاصفحه ۱۲۵		
فضالة بن عمید	۵۰	(ل)		
فضل	۹۶	لیث بن خالد مروزی	۱۱۴	
فضل بن ذکین	۵۰	لیس ویلیام ناسو	۱۲۶	
فضل بن شاذان	۹۶-۹۴-۹۱	(م)		
فلایشر	۱۲۵	مالک بن انس	۱۰۴	
(ق)		مارا کسی	۱۲۳	
قالون ابو موسی عیسی ابن ملیئا	۱۰۴	ماسپرو	۲۲	
قالون قاری	۱۰۵	مجاهد	۳۳	
قنبل	۱۰۶	مجمع بن جاریه	۵۸-۵۰	
قواس	۱۰۷	محسن بن جندل	۲۵	پاصفحه
(ک)		محمد (ص)	۱۸-۱۷-۱۶-۱۲-۶	
کارل ولینو	۲۸-۳۱-۸۳	پاصفحه ۷		
کازیمیر سکی	۱۲۴	محمد باقر مجلسی	۹	پاصفحه

محمد بن احمد بیرونی	۸	پاصفحه	محمد بن نعمان بن بشر	۳۲-۳۸-۷۰
محمد بن احمد عثمان	۴۶	پاصفحه	محمد تقی مجلسی	۹ پاصفحه
محمد بن اسحق	۳۲-۳۸-۵۳-۵۵	محمد و پاشا		۱۰
۹۶-۷۷			محمد بن حمدی مصری	۱۰ پاصفحه
محمد بن عثمان قایماز	۲۷	پاصفحه	مسعودی	۲۵ پاصفحه
محمد بن جریر طبری	۴۳	مسامة بن خالد		۵۰
محمد بن سیرین	۸۲	مسيلمه		۷۶
محمد بن سعد زهری	۵۰	پاصفحه	مسیره	۱۷
محمد بن عبدالرحمن مخزومی	۲۰-۴۹	مصعب بن عمیر		۴۹-۲۰
مکی	۱۰۷	معاذ		۵۰
محمد بن عبدالکریم شهرستانی	۴۹-۵۷	معاذ بن جبل		۵۷-۴۹
۴۶-۱۰۳		معاذ بن جبل بن اوس		۵۶
محمد بن عبدالملک انصاری	۹۱	معاویه		۵۱
محمد بن عمر الرازی	۹۷	معین بن ابی		۵۱
محمد بن قاسم بن بشار انباری	۳۷	پاص	معمربن راشد	۳۲
محمد بن کعب قرطی	۵۷	مغازی		۷۹
محمد بن مسعود بن محمد عیاش		مغیره بن شعبه		۵۱
۵۳	پاصفحه	مفید محمد بن محمد نعمان	۸ و ۱	پا
محمد بن محمد بن نعمان	۸ و ۱	پا	صفحه	۵۹
صفحه	۵۹	مقوقس		۲۹

منذر بن ساوی	۲۹	هارون الرشید		۳۲ پاصفحه
منذر بن عمر	۲۸	هشام		۱۰۹-۴۰
موسی بن عقبه	۷۹	هشام بن حکم		۳۹
مولی عکرمه بن ربیع	۱۱۲	هنکمان		۱۲۳
(ن)		هود		۲۵ پاصفحه
نافع	۱۰۵	هو تسما		۸۸ پاصفحه
نافع بن عبدالرحمن	۱۰۴	(ی)		
نجاشی	۱۹	یحیی		۱۰۸
نسائی	۴۹ پاصفحه	یحیی بن بکر		۵۷ پاصفحه
نصر بن عاصم لیثی	۱۱۶-۱۲۰	یحیی بن حارث		۱۰۹
نولد که	۶۰-۷۰-۱۲۶-۱۲۸	یحیی بن معین		۱۱۱
۱۲۹-۱۳۰		یحیی بن یعمر عدوانی		۱۱۶-۱۲۰
(و)		یزید		۵۱
وائله بن اشقع	۱۰۸	یعقوبی		۸۸
واقدی ابو عبدالله محمد بن عمر واقدی		یعمر عدوانی		۱۱۶-۱۲۰
۵۷ پاصفحه	۳۲	یوسف بن عمر ثمری حافظ		۴۴
ورش	۱۰۴-۱۰۵	پاصفحه		
ولید بن عبدالله جمیع	۵۰	یونس بن عبدالاعلی		۱۰۵
(ه)		عباس سحاب		

مصادر كتاب تاريخ قرآن

حيات اللغة العربية امين واصف	تفسير عياشي
(طبع مصر)	تفسير علي ابن ابراهيم قمي
تفسير طبري	كتاب سليم بن قيس هلالى
صحيح بخارى	كتاب لسان العرب
صحيح مسلم	كتاب الصحاح
تفسير صافى ملا محسن فيض كاشانى	سعد السعود ابن طائوس علوى
تاريخ تشريع اسلامى خضرى	كتاب مسالك الابصار
كتاب ناسخ ومنسوخ ابى الحسن بن	كتاب الاصابة حجر عسقلانى
حصار	اساس البلاغة زمخشري
فهرست ابن النديم	تهذيب الامراء واللغات فووى
تاريخ يعقوبى طبع بريل	كتاب المكرر فيما تواتر من القرآءات
افكار الابدكار آمدى	السبع وتحرر
امالى محمد بن حسن طوسى	بحار الانوار ملا محمد باقر مجلسى
مفاتيح الاسرار ومصابيح الابرار	حدائق الرياض شيخ مفيد
شهرستانى	اصول كافى
تذكرة الحفاظ حافظ وهبى	وفيات الاعيان بن خلکان
الاتقان فى علوم القرآن سيوطى	اسد الغابة ابن اثير حرزى
قابوس الاعلام شمس الدين سامى	تهذيب التهذيب ابن حجر عسقلانى

المزهر جلال الدين سيوطى	دائرة المعارف اسلامى
دائرة المعارف قرن بيستم	Enzyklopaedie der Islam
علم الفلك و تاريخ آن در قرون	مقدمه ترجمه ايتاليائى قرآن لويجى
وسطى نينو ايتاليائى	بونلى Luigi Bonelli
تاريخ قرآن نولدكه آلمانى	

مقدمه

بسمه تعالی

اینک که مر این بنده را از کار ترجمه و نگارش کتاب تاریخ قرآن فراغت حاصل آمد، در این بین بکتاب مفید دیگری بنام محمد و قرآن تألیف دانشمند محترم آقای خطیب کاظمی برخورد نمود که اخیراً بزبان عربی در بغداد بطبع رسیده و کتابی است که در آن اقوال دانشمندان اروپا و بسیاری از بزرگان علمای نصاری و مسیحیان درباره وجود مقدس حضرت ختمی مرتبت محمد بن عبد الله صلی الله علیه و آله و سلم و کتاب محکم او قرآن که «لایاتیه الباطل من ین یدیه و من خلفه تنزیل من حکیم حمید» از هر جا گرد آمده و مؤلف آن اقوال را جمع آوری و تألیف نموده و در ضمن استاد علامه و دانشمند معروف آقای سید هبة الدین شهرستانی صاحب مؤلفات و مصنفات عدیده و وزیر معارف سابق دولت عراق بر آن تقریظ و مقدمه نگاشته و مندرجات آن را تصدیق فرموده اند.

من بنده بيمقدار از قسمت و گواهی غربی ها درباره قرآن، این مؤلفه، گفتار دانشمندانی از اروپائیان را که بشخصیت ایشان شناسائی و از احوال آنها اطلاع داشتم از این مؤلفه اخذ و اقتباس نموده و بزبان فارسی در این وجیزه بمورد نگارش آورده تقدیم خوانندگان تاریخ قرآن

نموده و ضمناً شمه از احوال هر يك از آن دانشمندان را در پائین صفحات برای شناسانیدن ایشان نگاشتم تا استفاده از این مجموعه زیاد و برای قارئین محترم بهر مندی بیشتری فراهم گردد و من الله التوفیق

ابوالقاسم سحاب - ۴ مردادماه ۱۳۱۷

رساله

اقوال اروپائیان درباره قرآن

هر يك از دانشمندان منصف اروپا و مسیحیان که پابراه حقیقت جوئی نهاده و دم از انصاف و حقگوئی زده اند و قتی که خود را بمطالعه و قرائت قرآن مجید و سیرت و اخلاق نبی کریم واداشته باندازه فهم و دانش خود از گفتن حق و حقیقت خودداری ننموده و عقاید خود را نسبت بآوردنده این کتاب مبین و اهمیت و مقام قرآن کریم بمورد بیان و نگارش آورده و مطالبی در خور استعداد و فهم و وجدان خود نگاشته و بحقیقت و صدق آن گواهی داده اند از آن جمله:

گواهی دوزی (۱) هلندی

دوزی گوید: بعد از اینکه عرب دیانت یافته و بقرآن ایمان

(۱) دوزی Dozy خاورشناس هلندی که روزگاری را در اندلس گذرانده و در دانشگاه لیدن استاد زبان عربی بوده و مؤلفات و نشریات زیادی را دارا است و کتاب تاریخ دول اسلامی را بفرانسه نوشته و ولادت او ۱۸۲۰ و فاتهش ۱۸۸۳ بوده عملیات و شرح حال او در فرهنگ خاور شناسان نگارنده مسطور است.

آورد و دلها بنور دین حنیف اسلام روشن شد مسلمین با لباس نوی در برابر تمام مردم روی زمین عرض اندام نمودند که آن آئین صلح طلبی و آرامش خواهی و آزادی افکار در معاملات و کردار بود.

آیات قرآن پی در پی مردم را امر به نیکوکاری نموده و از طرفی مردمان سرکش و نافرمان را بیم و انذار می نمود که (لا اکره فی الدین قد تبین الرشد من الغی) ولا تسبوا الذین یدعون من دون الله فیسبوا الله عدواً بغير علم - واصبر علی ما یقولون و اهجر هو هجرأ جمیلاً - و عبدالرحمن الذین یمشون علی الارض هوناً و اذا خاطبهم الجاهلون قالوا سلاماً -

بعد از اینکه عرب ها اسلام آوردند تعلیمات پیغمبر اسلام بدین گونه بوده .

گواهی کارلیل (۱)

کاریل انگلیسی گوید : وقتی که ما وجه بلاغت قرآن مجید را اندیشه و تأمل میکنیم قطع نظر از اینکه این کتاب مبارک وحی الهی است می بینیم که قرآن از حیث لفظ و ترکیب بلیغ ترین کتابی است

۱- کارلیل Carlyle توماس کارلیل دانشمند معروف انگلیسی نویسنده کتاب ابطال (قهرمانان) و مؤلفات زیاد دیگر که از فلاسفه و بزرگان انگلستان بوده و در دانشگاه کمبریج زبان عربی تدریس مینموده و ولادت او در ۱۷۹۵ و فاتهش در ۱۸۸۱ واقع شده و شرح حال او بتفصیل در فرهنگ خاور شناسان نگارنده نگارش یافته .

که بزبان عربی تدوین شده زیرا که اسلوب بلاغت این که از جهت ترسیل و تشجیع و غیره موافق بالاترین ذوقی است که از قرن ها سال بین اهل لسان انتشار داشته و قرآن باعلی مدارج بلاغت و فصاحت گرد آمده و این کتاب مملو از مثال های روشن و آشکار و درستی و راستی و یادداشهای تازه و بدیع است کارلیل در چندین جای کتاب خود از قرآن نام برده تا اینکه میگوید .

هیچکس قرآن را بتأمل و اندیشه نمیخواند مگر اینکه می بیند حقایق جوهری بذات خود نزد وی آشکار او ظاهر است باین معنی که قرآن وابسته باصلی حقیقی و پیوسته بمبدئی عالی و مقدس است .

این نکته واضح است که هر کلام حقیقی و درست در دلها نفوذ و تسلطی بخصوص دارد و حق آن است که تمام کتب در برابر قرآن حقیر و کوچک اند و این کتاب از هر گونه عیب و نقص و اصول ناپسند پا کیزه و مبرا است .

گواهی تولستوی (۱)

تولستوی دانشمند فیلسوف در کتاب خود حکم محمد می نویسد

۱- تولستوی Leon Tolstoi استاد رمان نویس و فیلسوف بزرگ روسی و دانشمند اخلاقی متولد ۱۸۲۸ متوفی ۱۹۱۰ نگارنده کتاب حکم محمد و کتاب جنگ و صلح و یادگاری های طفولیت و جوانی و بسیاری از آثار دیگر که بیشتر اثر قلمی او بزبانهای مختلف ترجمه شده و نویسنده گان دنیا بشکارشات او اهمیت داده اند .

هر کس که بخواهد مساهله و سادگی دین اسلام را بفهمد باید که قرآن مجید را بدقت نظر مطالعه نماید زیرا در آنجا احکامی مبنی بر حقایق روشن و آشکار صادر و تعلیماتی سهل و ساده بعموم داده شده.

در این قرآن آیات کریمه نزول نموده که دلالت بر مقام عالی دین اسلام و پاکی روح مقدس آورنده این کتاب دارد که از آنجمله است:

و اعتصموا بحبل الله جميعا و لا تفرقوا و اذکر و انعمه الله علیکم اذ کنتم اعداء فالق بین قلوبکم فاصبحتم بنعمة اخوانا و کنتم علی شفا حفرة من النار و فانقذکم منها کذلک یبین الله لکم آیاته لعلکم تهتدون

گواهی سدیو (۱)

سدیو مورخ و نویسنده فرانسوی میگوید قرآن چیزی را از آداب و حکم فروگذار ننموده و آداب قرآن مبنی بر حکمت و اساس آن بر عدل و احسان قرار گرفته و غرض آن پیمودن راه حق و منع از رفتار باطل و دفع گمراهی و ضلالت و بیرون شدن از تاریکی رذالت و پستی بجانب انوار فضایل و کمال می باشد.

هم در این کتاب چیزی از اصول پاکیزگی و نظافت و رستگاری از شوائب عیب و نقص فروگذار نشده و کتابی است که خلق را بزیور

۱- سدیو So dieu مستشرق فرانسوی نویسنده کتاب تاریخ عرب و اسلام و تاریخ زندگانی رسول اکرم (ص) و مترجم کتاب جامع البیادى والغایات ابوعلی مراکشی که از مورخین و دانشمندان بوده.

کمال زینت میدهد.

این کتاب دلیل بر تقدس غرض و غایت شریف اسلامیت و احترامات مذهب و برتری حکمت بوده، موافق با آداب و احکامی است که پیش از آن به پیغمبران بزرگ نزول نموده و شخص بینا و بصیر از این آیات و احکام بفضیلت و مزایای قرآن مجید پی خواهد برد زیرا که این قرآن شامل تمام مبادی و اصولی است که به پیغمبران سلف از آیات و معجزات داده شده و مشتمل مواعظ و احکامی است که باعث کوری چشمهای منتقدین و عیبجویان اسلام و کوری گوشهای ایشان از حق میگردد.

بر تو باد بمحتویات قرآن مجید و آیات بیانات آن که عرب را از فضایح و فجایع زیاد مانند خودستائی و مفاخرت و ارتکاب کارهای ناروا باز داشته و جلوگیری نمود و آنها را براه راست هدایت کرد.

سدیو میگوید (در کتاب خلاصه تاریخ عرب) فصاحت عربی و حفظ قرآن باعث مزید اهتمام این ملت در تحسین کلام شده و بدینجهت بدان مباحثات و افتخار نموده و پیشرفت و غلبه پیدا نمودند.

پیغمبر اسلام برای آنها قرآنی آورده که زبان ایشان را برجا و ثابت گردانیده و ملل اسلامی در تکلم بآن مبادرت نموده و قواعد نحوی و اساس اسلوب تألیف و گزیدن امور پسندیده و تجنیس بیانی و غیره که شماره آن از صدفن میگذرد بواسطه این قرآن بوجود آورده.

گواهی کوسین دپرسوال (۱)

کوسین دپرسوال خاورشناس معروف می نویسد: مسئله وحی در باره قرآن از اموری است که زیاده پر اشکال شمرده میشود زیرا که اهل جستجو و تحقیق هنوز راه حلی پسندیده برای آن نیافته اند و عقل در اینجا سرگشته و حیران است که چگونه ممکن است این آیات از مردی درس نخوانده و بیسواد اطمینان نماید.

مردم شرق عموماً اعتراف دارند که قرآن آیاتی است که فکر بنی نوع بشر از آوردن بمانند آن از حیث لفظ و معنی عاجز و ناتوان خواهد بود و آن آیاتی است که وقتی عقبه بن ربیعہ شنید در زیبایی و جمال آن حیران گردید و در برتری رفعت عبارات آن کافی است که عمر بن الخطاب را قانع نموده و پروردگار قائل آن ایمان آورد و آنگاه که جعفر بن ابیطالب (ع) برخی از این آیات را برای نجاشی پادشاه حبشه خواند اشک از چشمان او سرازیر گردید.

گواهی گوستاولو بون (۲)

دکتر گوستاولو بون دانشمند و فیلسوف بزرگ میگوید: تعلیمات

۱- Caussin de perceval خاورشناس بزرگ و ناظر کتب خطی شرقی و دانش زبان عربی کتابخانه دولتی پاریس که کتب و مؤلفات زیادی از آثار علما و بزرگان اسلامی را طبع و نشر نموده و از آثار او حکایات المسلمین و صرف و نحو زبان عربی و غیره است ولادت او در ۱۷۵۹ و فاتهش در ۱۸۳۵ بوده.

۲- Cgustawe Lebon متولد ۱۸۴۱ متوفی ۱۹۳۱ استاد فیلسوف

اخلاقی که قرآن آورده خلاصه از آداب عالی و نتیجه و حاصل مبادی اخلاق کریمه است قرآن مردم را بصدق و احسان و بزرگواری و عفت و اعتدال و میانه روی تشویق و ترغیب نموده و آنان را با اهمیت عهد و پیمان و وفای ذمه و عهد خوانده و بدوستی با همسایگان و پیوست با خویشاوندان و دادن حق به مستحقان و مراعات بیمه زنان و درماندگان و اهتمام در امر بی پدران و یتیمان امر و دستور داده و در چندین جا بدی و خوبی را سنجیده و بایکدیگر برابر و مقابل فرموده.

اینهاست آداب و تربیت عالیها که قرآن مردم را بجانب آن دعوت نموده و آداب و تربیت قرآن بمراتب بالاتر از انجیل و آداب آن است.

گواهی ژول لایبوم (۱)

ژول لایبوم فرانسوی گوید: قرآن بیشتر وعظ و زجر و ترغیب و ترهیب است و توجه آن تنها ببزرگان و سران قوم نبود بلکه روی خطاب

محقق و متبع نویسنده کتاب تمدن عرب و تحقیق انقلاب فرانسه که تحقیقاتی عالی و محققانه درباره دیانت اسلام و قرآن و مآثر دانشمندان و علمای اسلامی و فنون و صنایع مسلمین نموده.

۱- Jules Labeume خاورشناس معاصر که از نویسندگان و مطالعین علوم اسلامی و قرآن است.

این دانشمند فهرستی بسیار مفید برای قرآن مجید زینت داده و آیات کتاب کریم را بر حسب موضوعات مختلفه جدا و تقسیم نموده و فهرست او بهترین فهرستی است که در این خصوص ترتیب یافته.

این کتاب بجانب عموم مردم است که فرماید .

یا ایها الذین آمنوا قوا انفسکم واهلیکم ناراً و قودها الناس و
الحجارة و یا ایها الناس قد جائکم برهان من ربکم

و این اصل قوی است که موجب هدایت و ارشاد ملل شده و آنها را براد سعادت و مدارج کمال میکشاند .

ژول لابوم در مقدمه فهرست قرآن خود مینویسد بایستی که اهل دنیا بر حسب اختلاف جنس و زبان بدیده انصاف نظری بگذشته دنیا کرده معارف و علوم پیش از اسلام را مطالعه کنند و معترف شوند که آیا دانش و علم برای مردم دنیا جز بواسطه مسلمین شده و مسلمانان این علوم و دانش را از قرآنی که مانند دریای دانش بود گرفته و از آن نهرها جدا نمودند .

این قرآن برای همیشه موجود مانده و مردم هر دوره و زمان باندازه فهم و شعور خود از آن استفاده مینمایند .

گواهی گوته آلمانی (۱)

گوته فیلسوف شهیر آلمانی میگوید : ما در اول بار از قرآن روگردان بودیم ولی طولی نکشید که این کتاب توجه ما را بخود جلب نموده و ما را بحیرت در آورد و بالاخره ما مجبور شدیم که اصول و

۱- گوته Cgoethe شاعر معروف آلمانی متولد ۱۷۴۹ متوفی ۱۸۳۲ که علاوه بر شاعری نویسنده و دانشمند و صاحب اندیشه های بلند بوده و کتاب های عدیده نگاشته .

قواعد آنرا تعظیم نموده و بزرگی بشماریم و در مطابقه الفاظ آن بامعانی بکوشیم مرام و مقاصد این کتاب بی اندازه قوی و محکم و مبانی آن بلند و آن بآن عظمت و مزایای آن فزونتر میگردد و ما را بجانب اهمیت و علو مقام خود بیشتر جذب میکند .

این کتاب با این وصف بزودی بزرگترین تأثیر را در تمام روی گیتی نموده و نتیجه مهمی خواهد داد .

گواهی نولدکه (۱)

نولدکه بزرگترین خاورشناس محقق آلمانی میگوید قرآن بقوه اقتناع و نیروی برهان دلهای شنونده گان را بخود متوجه نموده و طرف خطاب قرار میدهد و همیشه بر قلوب عناصری که از آن دور و مخالف و معاند قرآنند تسلط یافته و آنها را بخود پیوسته و بدنی یگانه مینماید که در آن روح حیات ثابت و برقرار دمیده میشود .

بلاغت قرآن با سادگی که دارد فضیلت آن باوج کمال رسیده و بواسطه این کتاب ملتی متمدن از قبایل وحشی و بی تربیت ایجاد گردیده و بدینا تعلیم و تربیت آموختند .

گواهی لومانس آمریکائی

لومانس میگوید اول شرارۀ اینکه نور آن از قرآن کریم تابش

۱- نولدکه Noe Ideke استاد دانشمند و خاورشناس معروف آلمانی که کتاب تاریخ قرآن را نگاشته و مولفاتی عدیده دارد ولادت او ۱۸۳۶ و فاتهش در ۱۹۳۱ بوده

مینماید «بسم الله الرحمن الرحيم» است در کلمه رحمن بمؤمن اشعار میشود که خدای سبحان خدائی یگانه است که نعمت های خود را بر بندگان خویش درزندگانی دنیا و حیات جاودانی آخرت تکمیل فرموده . از اینجا ما بحقیقتی که شك و تردید در آن را ندارد خواهیم دید که این قرآن بزرگترین نوری است که آن نور خدا است و آن جز شفقت و مرحمت نخواهد بود .

گواهی دکتر مارکسی انگلیسی

مارکس دکتر فلسفه میگوید : قرآن شامل تمام پیامهای خدائی است که در تمام کتب مقدسه عموماً برای جمع ملل آمده و آن از جمله مسائلی است که فکر و اندیشه خدا شناسی و یگانه پرستی را تأیید نموده و وحدانیت مصدری را تثبیت می کند که راهنمایان بشر و معلمین بزرگ تعلیمات خود را از آن فرا گرفته و از آن استمداد میجویند .

گواهی کازیمرسکی

کازیمرسکی گوید : قرآن مجموعه ایست دل چسب زیرا که در آن اخلاق و مدنیت و علوم و سیاست و وعد و وعید وجود دارد .

گواهی ساواری فرانموی

ساواری که از دانشمندان خاورشناس فرانسه است در مقدمه ترجمه قرآن خود مینویسد :

ما را کسی ایتالیائی چهل سال وقت خود را مصرف بشترجمه قرآن و انتقاد آن نموده ولی او از کجا میفهمد که در قرآن چه چیزها از حسن اسلوب و فصاحت و بلاغت وجود دارد و او چه میداند که فصل و وصل و طرز و سبك کدام است ؟
قرآن دارای تأثیری خاص و جاذبیتی مخصوص است که مانند آن برای هیچ از کتابها نیست .

گواهی بلر مستشرق معروف

بلر در افیکلوپدی خود ص ۳۲۶ ج ۸ می نویسد که لغت قرآن فصیح ترین لغات عرب و اسلوب بلاغت آن بطوری است که عقلها را بجانب خود مجذوب مینماید و این قرآن بزودی الی الابد بی معارض خواهد شد مواعظ آن آشکارا و ظاهر است .

هر کس که پیروی این قرآن کند حیاتی خوش و گوارا پیروی می نماید همین قرآن است که میفرماید ولا تزروا ذرّة و زراخری .
ومن يعمل مثقال ذرة خیراً یره ومن یعمل مثقال ذرة شراً یره
بنابراین هر فردی از بشر لازم است که از گناه خود طلب آمرزش کند و کردار او پسندیده شود تا اینکه شایسته از برای دخول در بهشت گردد .

گواهی پرلامنس

پرلامنس کشیش معروف مسیحی در مقدمه یکی از مؤلفات خود می نویسد قرآن نه تنها عرب را داخل اسلام نموده بلکه در حدود سیصد

گونه ملت از ملل مختلفه را در آن داخل کرده و سایه قرآن روز بروز پهن تر شده برافریقا و آسیا سایه می گستراند در صورتیکه مبشرین نگاه میکنند و کاری از دست ایشان برنمیآید .

گواهی ادموند بورک انگلیسی

ادموند بورک ناطق سیاسی میگوید قرآن یا قانون محمدی قانونی است که تمام مردم را از شاه تا پست ترین گدا شامل شده و بیکدیگر ارتباط میدهد و آن قانونی است که بمحکم ترین نظام قضائی و بالاترین قضاوت علمی و بزرگترین قانون گذاری منور ترتیب و تنظیم یافته و مانند آن در این عالم پیش از اینها بوجود نیامده .

پایان



خواهشمند است قبل از مطالعه غلطهای زیر را تصحیح فرمائید

صفحه	سطر	غلط	صحیح
۵	۴ پا صفحه	بهبودیت	بهبودیست
۳	۳	مزاجم	مزاجیم
۸	۸	وامعه	واسعه
۶	۶	Prsgei	Prsei
۴	۱	قراء	فراء
۱ پا صفحه	۱	کوسسن	کوسن
۷	۷	کوسسن دیر سوال	کوسن دیر سوال
۲ پا صفحه	۲	بزرگواری	بزرگواری
۱۵	۱۵	خدیفه الیمان	خدیفه الیمان
۵۱	۸	انیگیسی	انگلسی
۱۲۳	۱۰	منتقدین	منتقدین
۱۵۵	۸	اشتناوی	اشتناوی
ط	۱۰	وبخرج	بخرج
یا	۱۲	حواش	حواشی
ط	۱۷	کماله	کحالة
یج	۱۱		

